فرهنگستان زبان ایران

ویژگیهای املائی دستنویس تفسیر قرآن پاک

حسین داوری آشتیانی

انتشارات فرهنگستان زبان ایران

۲۷

ویژگیهای املائی

دستنویس تفسیر قرآن پاک

انتشارات فرهنگستان زبان ایران

۲۷

بنیاد ... فرهنگستانهای ایران

فرهنگستان زبان ایران

ویژگیهای املائی
دستنویس تفسیر قرآن پاک

حسین داوری آشتیانی

گردآوری وشناسائی نکته‌هائی ازاملای فارسی که درآنها ازشیوهٔ یگانه‌ای پیروی نمیشود، و بررسی برای یافتن شیوه‌ای‌که همگان آن را بپذیرند و بکار بندند و در نتیجه خواندن نوشته‌های این زبان آسانتر و رواتر و دقیقتر گردد کاری است که فرهنگستان زبان ایران از پنج‌سال پیش آغازکرده است. این بررسی دو بخش جداگانه دارد:

نخست بررسی املای‌کنونی فارسی‌که خود چند بخش زیر را در برگرفته است:

۱) آگاهی ازنظر وسلیقهٔ همگان از راه یك پرسشنامه‌که بزودی چاپ ونشرخواهد شد.

۲) بررسی شیوه‌هائی‌که تاکنون پیشنهاد و در برخی از سازمانها و بنگاهها بکار بسته شده است، اگرچه هیچکدام پذیرش وکاربرد همگانی نیافته است.

۳) بررسی نوشته‌های بچاپ رسیدهٔ این زمان‌که نویسندگان آنها از شیوهٔ ویژه‌ای پیروی نکرده‌اند و شیوهٔ املای آنان نمایندهٔ سلیقهٔ خودشان است.

۴) بهره‌جوئی از دانش ناخودآگاه و سلیقهٔ فارسی‌زبانان دربارهٔ نکته‌هائی‌که در نگارش آنها از شیوهٔ یگانه‌ای پیروی نمیشود، از راه املاءکردن آزمونهای ویژه به گروههائی از رده‌های گوناگون باسوادان.

۵) بررسی خط فارسی در رابطه با چاپ و ماشین‌نویسی.

۶) بررسی در آنچه رعایت زیبائی در املای فارسی پدید میاورد.

دوم بررسی تاریخی در املای فارسی از راه دستنویسهائی که در سده‌های گذشته نوشته شده و بجا مانده است. نتیجه‌هائی‌که امید است از این بررسی بدست آید:

۱) آگاهی از دگرگونیهائی‌که در خط فارسی در سده‌های گذشته پدید آمده است.

۲) آشنائی بیشتر و ژرفتر با شیوه‌های املائی گذشته که در نتیجهٔ آن خواندن نوشته‌های پیشین آسانتر خواهد شد.

۳) فراهم آوردن‌کتاب ویژه‌ای دربارهٔ تاریخ املای فارسی.

۴) بدست آوردن آگاهیهائی‌که ممکن است به‌ما در پدید آوردن شیوهٔ یگانهٔ املای فارسی یاری دهد.

از این دفتر ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانهٔ نقش‌جهان به‌چاپ رسید.

اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۷ [redacted]

۵) آگاهی از تأثیرهای خط و املای فارسی بر زبان فارسی.

۶) آگاهی ازاثرهائی‌که از فرگشت (تحول) زبان فارسی درخط واملای این زبان بجا مانده است.

۷) آگاهی از اثرهائی‌که از زبان یاگویش رونویسگرآن در برخی از دستنویسها پدید آمده است.

برای این پژوهش تاریخی، فرهنگستان زبان ایران دستنویسهای ارزنده‌تر را برگزیده و برای بررسی دز دسترس پژوهندگانی‌که آموزشهای بایسته را دیده‌اندگذاشته است. این دفتر نتیجهٔ بررسی یکی از آنان به‌نام آقای حسین داوری آشتیانی در یکی از دستنویسهای یاد شده است‌که به‌راهنمائی آقای هرمز میلانیان انجام یافته و زیر نظر ایشان چاپ‌گردیده است.

صادق کیا
رئیس فرهنگستان زبان ایران

فهرست

دفتر نخست (توصیف نویسه‌ها و نشانه‌ها)

بخش نخست

بخش دوم

بخش سوم

بخش چهارم

دفتر دوم (املای واژه‌های ساده و ترکیبی)

بخش پنجم

برابرهای فارسی واژه‌های زبانشناسی دراین پژوهش[۱]

بسامد	فراوانی، تواتر	*frequency*
پی‌بست، واژه‌بست	صورتهائی که‌به‌واژه افزوده‌میشوند ولی تکیه نمی‌گیرند و میان آنها و واژه‌های وابسته مکث وجود ندارد.[۲]	*enclitic*
پسوند	ــــــ	*suffix*
پیشواژه	حرف اضافه	*preposition*
پیشوند	ــــــ	*prefix*
زبان شناسی	دانشی که ساختمان و کارکرد زبان را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌نماید	*linguistics*
ساخت (درفعل)	صیغه	*verbal form*
فراگوئی	تلفظ	*pronunciation*

۱- بیشتر این برابرها را پژوهنده از واژه‌هائی که گروههای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان ایران پیشنهاد کرده‌اند یا درگروه زبانشناسی دانشگاه تهران به‌کار می‌رود، برگزیده است.

۲- نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۱۲.

گونه	صورت دیگری از یك نشانهٔ آوائی یااملائی با ارزش یکسان	*variant*
گونهٔ آزاد	گونه‌ای کـه بتوان آن را به‌طور دلخواه به‌جای‌گونهٔ دیگر آورد	*free variant*
گونهٔ وابسته	گونه‌ای از یك واج کـه آمدن آن وابسته به‌بافت‌آوائی مشخص باشد	*combinatory variant*
نویسه	حرف	*letter / graphem*
واج	کوچکترین واحد آوائی معتبر در زبان که بتواند سبب تمایـز معنی شود مانـنـد /p/ و /b/ کـه سبب بازشناختن «پر» از «بر» می‌شود	*phoneme*
واجگاه	مخرج	*place of articulation*
واکه	مصوت	*vowel*
همخوان	صامت، مصمت	*consonant*
همگون‌سازی	ــــ	*Assimilation*

دربارهٔ این پژوهش

بررسی آماری شیوهٔ نوشتن پیشینیان که برای پی‌جوئی دگرگونی‌های آوائی و املائی یکی از پژوهش‌های زبان‌شناسی تاریخی است، در تحلیل نظام کنـونی خط فارسی و دستیابی به قوانین چیره بـر آن نیز کاری است بایسته. زیـرا توجیه دگرگونی‌هائی کـه بیش از هزارسال در قلمـرو املای فارسی روی داده و نگرش به نقش‌هائی که قلم صدها نویسنده یـا رونویسگر به‌سینهٔ سپید کاغذ سپرده است ما را به‌راهی رهنمون می‌شود کـه بتوانیم با آگاهی ژرف و بینشی استوار بر پژوهش در شیوه‌های گوناگون‌گذشته برای برگزیدن روش منطقی املای‌کنونی فارسی‌هوشمندانه گام برداریم. همچنین با برابر نهادن نمونه‌های املائی امروز با گونه‌های همانند گذشته که هردو صورتهای نوشتاری رویدادهای آوائی زبان هستند به‌چگونگی یـا چندگونگی فراگوئی (تلفظ) کهن واژه‌ها و ریشهٔ درست یـا کاربرد بجای آنها راه می‌یابیم و از این‌رهگذر می‌توانیم درخواندن دستنویس‌های‌گرانبهای‌گذشته وتعیین یا تأیید زمان نوشتن آنها، در فراهم آوردن متن‌های انتقادی استوار و گـردآوری واژه‌نامه‌های تاریخی بهره‌های فراوان برگیریم[1].

اینك بررسی ویژگیهای املائی عکس دستنویسی از یك تفسیر فارسی قرآن کریم که اصل آن درکتابخانهٔ دانشگاه پنجاب در لاهور نگاهداری می‌شود و «بنیاد فرهنگ ایران» آن را با نام «تفسیر قرآن پاك» یك‌بار به‌صورت عکسی[2] و یك‌بار با

۱- برای نمونه نگاه‌کنید به «گزدم، کژدم» ازجلال متینی، مجلهٔ دانشکدهٔادبیات مشهد، شمارهٔ ۱و۲ سال چهارم و بهواژهٔ «تنك‌دلی» در صفحهٔ ۳۰ این پژوهش.

۲- انتشارات بنیاد فرهنگ‌ایران، سلسلهٔ عکس‌نسخه‌های خطی «۱»، چاپ شرکت سهامی‌افست، اسفندماه ۱۳۴۴، بهقطع ۲۸ × ۲۲.

نویسه‌های سربی[1] به‌چاپ رسانده است، به‌پژوهندگان این رشته پیشکش می‌گردد. با افسوس بایدگفت که از این دستنویس بیش از دوهزار و سیصد و نود سطر در چهل و شش برگ به‌جا نمانده است. این نود و دو صفحه تنها تفسیر آیه‌های ۶۵ تا ۱۵۱ سوره بقره را دربردارد[2] و تاریخ نوشتن آن مانند نام رونویسگر ومفسرش نامعلوم است اما ازشیوهٔ املائی وویژگیهای زبانی آن‌گمان می‌کنندکه در سدهٔ پنجم هجری و در خاور ایران نوشته شده باشد[3].

محمود شیرانی دانشمند پاکستانی، دارندهٔ پیشین این دستنویس در مقاله‌ای که به‌زبان اردو برای شناساندن این تفسیر نوشته است[4] سبك املای‌آن را تورانی و ماوراءالنهری دانسته وگمان می کرده‌که از روی دستنویس کهن‌تری که در سده‌های چهارم یا پنجم نوشته شده بوده، رونویس شده است.

چنانکه شیرانی نوشته است اندازهٔ برگهای این دستنویس ۱۲ × ۹ و مسطر آن ۹ × ۶ اینچ[5] است. بجز صفحه‌های ۶۵ و ۶۷ که بیست و پنج سطر دارند همهٔ صفحه‌های دیگر بیست و شش سطری هستند. نقطهٔ آغاز سطرها زیر یکدیگر قرار گرفته‌اند. اما در پایان پاره‌ای از سطرها دنبالهٔ‌ك نویسه یایك واژه به‌حاشیه کشیده شده است[6]. آیه‌هائی که در متن تفسیرآمده به‌شیوه‌ای از قلم‌کوفی که در سده‌های پنجم و ششم هجری رواج داشته، آورده شده‌اند. جمله‌های فارسی و پاره‌ای از

۱- انتشارات بنیاد فرهنگ ایران «۵۷»، تفسیرقرآن پاك، به‌اهتمام علی رواقی، چاپ زر و اتحاد، اردیبهشت ۱۳۴۸، به‌قطع ۲۴ × ۱۷.

۲- صفحه‌های ۳۹و۴۰ چاپ عکسی که به‌طورنابجا شماره‌گذاری شده مربوط به‌تفسیر آیهٔ ۲۳۳ سورهٔ بقره و تنها بازماندهٔ برگ‌های ازدست‌رفتهٔ این دستنویس است.

۳- نگاه‌کنید به‌مقدمهٔ مجتبی مینوی در چاپ عکسی بنیادفرهنگ ایران وبه«خصوصیات زبانی تفسیر قرآن پاك» از علی‌اشرف صادقی، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تهران، شمارهٔ ۷۷ صفحهٔ ۶۵.

۴- «قرآن پاك‌کی ایك قدیم تفسیر از محمود شیرانی، ماخوذ از اورینتل‌کالج میگزین، مئی ۱۹۳۲».

۵- شیرانی واحد اینچ را نام نبرده و تنها شماره‌ها را نوشته است.

۶- نیز نگاه‌کنید به‌بند ۱۰ از بخش چهارم در صفحهٔ ۷۷.

جمله‌های‌عربی تفسیر به‌خط جلی نزدیك به‌شیوهٔ نسخ‌که در آن‌گرایشهای‌کوفی‌نویسی نیز دیده می‌شود، نوشته شده‌اند. برای نوشتن آیه‌ها با خط‌کوفی، از چهار رنگ جوهر سیاه و سرخ وسبز و زرد بهره‌گیری شده است. واژه‌ها با جوهر سیاه، اعراب با جوهر سرخ، تشدید و سکون وهمزه با جوهر سبز و نشانه‌های آیه‌ها با جوهر زرد نوشته شده‌اند. نشانه‌های زبر و زیر وپیش به‌صورت نقطه‌های قرمز در بالا یا زیر یا بر روی نویسه‌ها گذاشته شده‌اند. برای تنوین دو نقطه روی هم گذاشته شده است و سکون به‌صورت دایرهٔ‌کوچك ونشانهٔ تشدید به‌صورت امروزی نشان داده شده است[1]. در واژه‌های فارسی الف پایانی به‌صورت دنباله‌دار آمده است بدین معنی‌کـه پائین الف از جای نویسه‌هائی کـه پیش از الف به‌آن پیوسته‌اند کمـی پائین‌تر کشیده شده است و به‌صورت دنباله به‌نظر مـی‌رسد. این شیوهٔ نوشتن الف مانند روش گذاشتن اعراب آیه‌ها با نقطه‌های سرخ، در پایان سدهٔ دوم از خط سریانی‌گرفته شده است.

این تفسیر با در برداشتن برخـی از ویژگیهای املائـی سدهٔ پنجم و همچنین نکته‌های بسیار جالبی‌که تنها با پژوهشهای استقرائی و آماری دقیق آشکار می‌شود، نه‌تنها از همهٔ نوشته‌های منسوب به‌آن زمان متمایز می‌گردد بلکه از دیدگاه شیوهٔ ویژه‌ای‌که نویسنده یا رونویسگر ناشناس آن به‌کار برده است شاید دشوار بتوان از دستنویس‌های نوشته شده در سده‌های بعد نیز نمونه‌ای به‌دست دادکه سبك املای‌آن با این تفسیر همانند باشد. از این‌روگمان می‌رودکه هنگام فراهم آوردن یا رونویس کردن آن، دو روش نویسندگان یا رونویسگران متن اصلی و ایـن دستنویس به‌هـم آمیخته باشد.

از این پژوهش کـه برای نخستین‌بار در مورد چگونگـی پراکندگـی نویسه‌ها

۱- این گونه اعراب‌گذاری آیه‌ها در قرآن‌های رونویس شده در سده‌های چهارم، پنجم و ششم رایج بوده است. برای نمونه نگاه‌کنید به«سورهٔ مائده از قرآن‌کوفی‌کهن با ترجمهٔ استوار پارسی» به‌کوشش احمدعلی رجائی، از انتشارات آستان قدس مشهد ۱۳۵۰.

و نشانه‌های وابستهٔ آنها در «آسهٔ (محور) همنشینی[1]» خط فارسی انجام گرفته است، نکته‌های چشمگیری بدست آمده‌که باز نمود آنها در دفتر نخست در جای خود آورده شده است. پوشیده نماندکه این‌گونه پژوهش‌ها نیاز به‌شکیبائی و دقت بسیار دارد و بویژه در دسترس نبودن اصل دستنویسی‌که صفحه‌های به‌جا ماندهٔ آن چندان هم زیاد نیست و کوچکتر بودن اندازهٔ عکس ازاصل دستنویس ووجود نداشتن روش علمی ثابت برای این‌گونه بررسی‌ها و از همه مهمتر رعایت امانت و اصالت در توصیف‌ها پژوهنده را با دشواری فراوان روبرو ساخت. برای نمونه یادآور می‌گرددکه درعکس چگونگی نشانه‌های «زیر، زبر، پیش» و مانندآن و بازشناختن نقطه‌های اصلی ازنقطه‌ها و نشانه‌هائی‌که درزمانی دیگر افزوده شده یا از زائده‌هائی که در خمیر کاغذ وجود داشته، ویا ازسپیدی‌ها وسیاهی‌هائی‌که احیاناً هنگام عکس‌برداری درتوژ(فیلم) یاگراور به‌وجود آمده‌است[2]، دروهلهٔ نخست بدون صرف وقت زیاد و بهره‌گیری از روشهای ویژه ناممکن است.

در این پژوهش‌گاه از روش‌های نمونه‌برداری[3] وگاه بیشتر از روش شمارش همگانی و بدست‌آوردن داده‌های آماری برای ترسیم «نمودارهای پخش فراوانی» بهره‌گیری شده است. برای آسان بودن دسترسی به‌نکته‌های املائی، همهٔ موردها در سه دفتربهم پیوسته‌گردآوری شده‌اند؛ در دفترنخست، نویسه‌ها ونشانه‌های‌گوناگون با آوردن نمونه‌های بایسته در بخش‌های ویژه بررسی شده و چگونگی ظاهری و وابستگی آنها نشان داده شده‌اند. در دفتر دوم، املای واژه‌های ساده و ترکیبی با یادآوری‌کوتاه نکته‌های دستوری همراه با جمله‌های وابسته، به‌ترتیب‌الفبائی آورده

۱- Syntagmatic axis.

۲- برای نمونه‌نگاه‌کنید به‌صفحه‌های ۳۳ و۳۴ و۳۵ چاپ عکسی‌که درسراسرحاشیهٔ‌آنهانقطه‌های ناشناختهٔ کم و بیش بزرگی دیده می‌شود، و به صفحهٔ ۴۰ که لکه‌های بزرگ آب(؟) سبب ناپدید شدن چند واژه‌گردیده است.

۳- بویژه از نمونه برداری طبقه‌ای Stratified sampling و بدست‌آوردن نمونه‌های همتا matched samples بهره‌جوئی شده است.

شده‌اند. دفتر سوم دربردارندهٔ نمودارهای آماری وفهرست‌های هم‌سنجی (مقایسه‌ای) است.

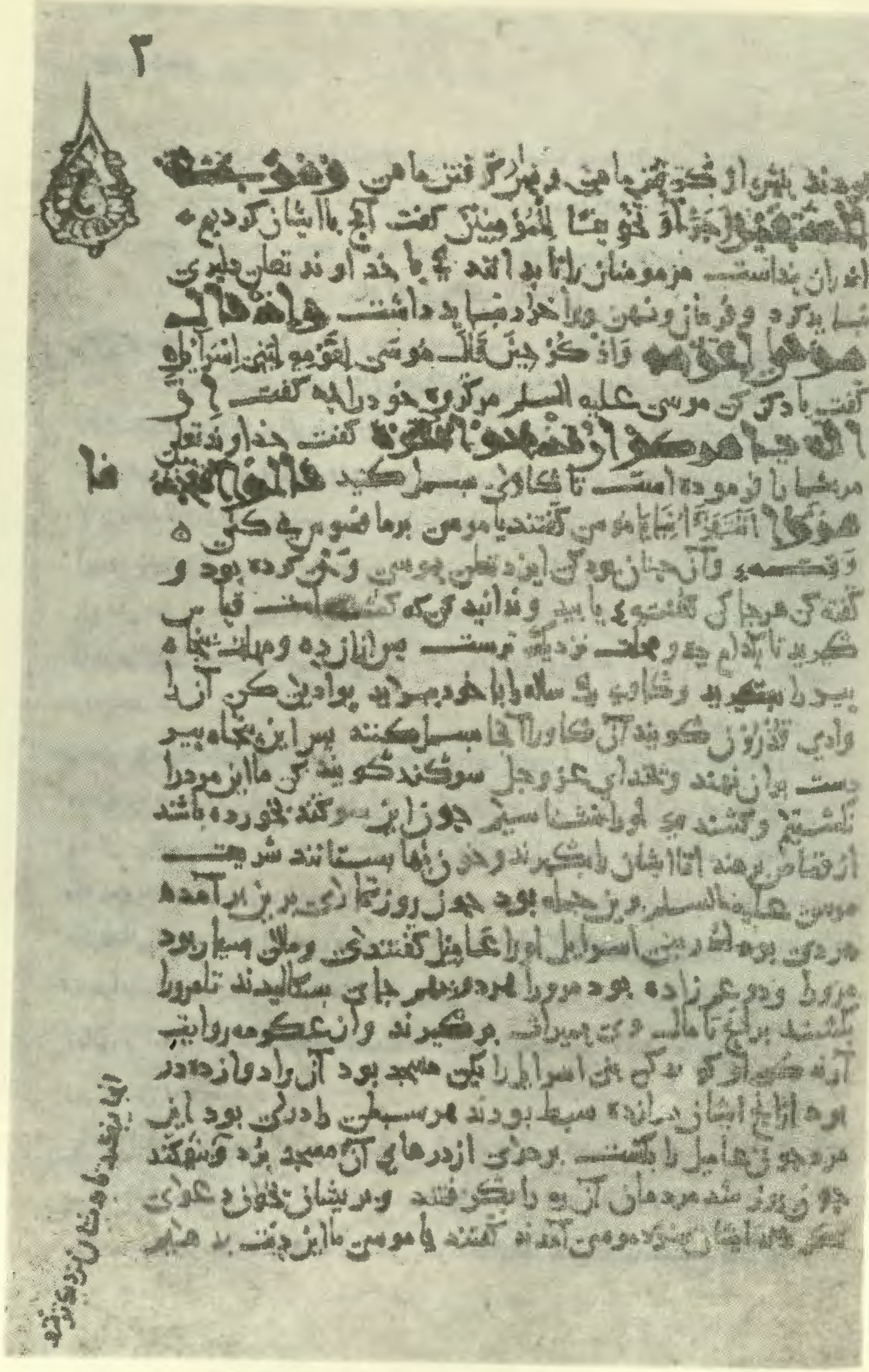
درحاشیهٔ بیش‌ازیك‌سوم صفحه‌های‌این دستنویس، واژه‌ها وجمله‌هائی‌به‌فارسی و عربی با قلمی باریك‌تر و با شیوهٔ املائی متفاوت با متن، احتمالاً در زمان و مکانی دیگر افزوده شده است. نمونه برداری از این گونه جمله‌ها را از دایره این بررسی بیرون نهاده و ویژگیهای آن را جداگانه دردفتر سوم برشمرده‌ایم. برای دسترسی به‌نمونه‌ای از خط اصلی، گراور صفحهٔ سوم از عکس این دستنویس درپایان این پیشگفتارآورده شده است. برای برابری نشانه‌های املائی اصلی بانشانه‌های چاپی، تا آنجاکه در فن چاپ امکان داشته نویسه‌های سربی ویژه‌ای آماده و ساخته شده است تاکوچکترین نکته‌ها درآوردن نمونه‌ها نشان داده شوند. تنها یکی دو موردکه از دیدگاه املائی نشانهٔ «معتبر»[1]ی به‌شمار نمی‌آمده، در چاپ پی‌گیری نگردیده و تنها به‌شرح آنها پرداخته شده است[2]. در اینجا این نکته را باید یادآور شدکه چنانچه دراصل، به‌واژه‌ها و نمونه‌های آورده شده پیشواژه یا پی‌بندی پیوسته بوده است، برای رعایت اصالت دراین پژوهش نیز به‌همان صورت اصلی نشان داده شده‌اند. و بویژه در دفترهای دوم و سوم‌کوتاهی یاکشیدگی نویسه‌ها نیز باگذاشتن «تیره» درکنار نویسه‌های سربی مشخص‌گردیده‌اند.

شماره‌هائی‌که در برابر واژه‌ها و جمله‌ها چاپ شده و با این نشانه «؛» از یکدیگرجدا شده‌اند همه به‌چاپ عکسی بنیاد فرهنگ ایران بازگشت می‌دهند. شماره‌های چاپ شده در سوی چپ دو نقطهٔ عمودی «:» نمایندهٔ شمارهٔ صفحه و شماره‌های سوی راست این نشانه نمایندهٔ شمارهٔ سطر یا سطرها هستند (...س و س:ص)

اکنون‌که این اثر پس از کوشش‌ها و تلاش‌های پی‌گیر بدین صورت آراسته انتشارمی‌یابد پژوهنده ازجناب‌آقای دکتر صادق‌کیا ریاست فرهنگستان زبان ایران

۱- دراصطلاح زبان‌شناسی relevant به‌انگلیسی و Pertinent به‌فرانسه.

۲- مانند چگونگی‌گذاشتن نقطه‌های نویسه‌ها وبرابری آغاز و پایان سطرها با اصل دستنویس.



که ازدیرباز به‌بابستگی بررسی املای تاریخی فارسی آگاهی داشته وآن را دربرنامهٔ پژوهشهای این فرهنگستان نهاده و برای انجام پذیرفتن و نشر این پژوهش نیز از هیچگونه یاری‌کوتاهی نفرموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید ونیز با قدرشناسی یاد می‌کندکه از نظرها و نکته‌های ارزنده‌ای‌که جناب آقای دکتر هرمز میلانیان یادآورگردیده‌اند بهره‌های شایان برده است.

حسین داوری آشتیانی

یادآوری‌های بایسته

۱ـ شیوه‌ای که برای انجام پذیرفتن این پژوهش در پیش‌گرفته شده است، بر بنیاد روشی بوده که برای پژوهشهای دانشهای تجربی به‌کار برده می‌شود. بنابراین در برخی ازموردها، فهرست‌ها ونمونه‌های‌آورده شده ممکن است ازدیدگاه شماره‌ای از پژوهندگان زائد و بدیهی بوده یا اینکه پاره‌ای از باز نمود (توصیف)ها نادرست آورده شده یا گستردگی همه جانبه را نداشته باشند. اما باید در نظر داشت‌که دریک پژوهش تجربی همهٔ نکته‌هائی‌که وابسته به‌هدف بنیادی پژوهش و کاربردهای آن است باید بی‌کم وکاست در نظرگرفته شوند و بدون اعمال سلیقه یا دریافت‌های شخصی رده‌بندی شوند.

۲ـ نظربه‌اینکه بازنمود وویژگیهای زبانی «تفسیرقرآن پاک» خود نیازبه‌پژوهش جداگانه‌ای دارد، ازاین روی در آغاز برای بررسی ویژگیهای املائی این دستنویس روشی برگزیده شده بودکه جنبه‌های زبانی واژه‌ها را در نظر نمی‌گرفت. اما هنگامی که نمونه‌های‌گردآوری شده برای چاپ آماده می‌شدند پژوهنده دریافت، چنانچه به نکته‌هائی‌که جنبه آواشناسی و دستوری دارند اشاره‌کوتاهی شود، دیدگسترده‌تری به‌خوانندگان این اثر خواهد داد و از همین روی‌گاهی در مورد یادکردن نکته‌های زبانی و املائی شرح‌گسترده داده نشده است و بایسته است نکته‌های یادآوری شدهٔ زیر به‌متن افزوده شود:

الف ـ همانطور‌که درصفحهٔ ۱۱۵ آورده شده «ـگان» گونهٔ وابستهٔ‌نشانهٔ جمع «ـ ان» است وبا واژه‌هائی‌آمده‌که به‌های نمایندهٔ واکه (های‌ناملفوظ) پایان یافته‌اند. «ـگان» درکاربردپسوندچنانکه دربخش پسوندهاآمده، نقش‌نسبت‌دهنده‌داردامادر دو

نمونهٔ «پدرگان، مادرگان» در صفحهٔ ۱۱۶ مفهوم جمع را نیز می‌تواند برساند.

ب ـ واژهٔ پیشینگان‌که به‌جای پیشینیان آمده، به‌جز در این دستنویس درچند متن‌کهن دیگر مانند تفسیر سورآبادی[1] و ترجمهٔ تفسیر طبری و فرخ‌نامهٔ جمالی؛... نیز آمده است[2].

ج ـ واژهٔ «هفده مایگان» در صفحه‌های ۵۰ و ۸۴ و ۸۶ چاپ عکسی به‌جای «هفده ماه» آمده است. به‌نظر می‌رسد که مایگان یا ماهگان صورت دیگری از ماه باشد چنانکه در ترجمهٔ تفسیر طبری به‌صورت «ماهگانها» نیز جمع بسته شده است[3]. تبدیل‌های پایانی «ه» به «ی» هنگام پیوستن به «ـگان» در واژه‌هائی مانند «رایگان» و «شایگان» نیز در خور نگرش است.

د ـ ضمیر «ایشان» که درصفحهٔ ۹۲ نمونه‌هائی از آن آورده شده، بطور استثنا یکبار پس از پیشواژهٔ «پد» با الف آمده است: پد ایشان، ۵۸:۴

هـ ـ واژهٔ «چی» در صفحهٔ ۱۰۷ به‌معنی «چیزی» آمده است. نیز نگاه کنید به صفحه‌های ۴۵ و ۵۱.

۳ـ از جهت محدودیت‌های چاپی و از نظر ناآشنا بودن نویسه چینان ناگزیر دگرگونیهای بسیار جزئی ـ چنانکه در زیر آمده ـ در چاپ این اثر روی‌داده است:

الف ـ چنانکه در صفحهٔ ۳۴ یاد گردیده است نویسهٔ «ه» چه در آغاز و چه در میان واژه همیشه به‌صورت‌های دو چشم نوشته شده است. اما در دفتر نخست، های میانی در نمونه‌های چاپی گاهی به‌صورت «ﻬ» آمده است. برای نمونه واژهٔ «آنکسها» در صفحهٔ ۱۳ می‌بایست «آنکـها» چاپ شده باشد.

۱ـ «تفسیر قرآن‌کریم» از ابوبکر عتیق سورآبادی، رونویس شده در ۵۲۳ هجری، چاپ عکسی بنیاد فرهنگ ایران، صفحهٔ ۵۸.

۲ و ۳ـ نگاه کنید به «تفسیر قرآن پاک»، به‌کوشش علی رواقی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، صفحه‌های ۱۳۴ و ۱۴۶.

ب ـ چنانکه در صفحه ۷۶ آمده، درون نشانهٔ ○ می‌بایست نقطه‌ای گذاشته شده باشد اما این نقطه از جهت نادرستی «ماتریس» نشان داده نشده است و بجای‌آن ناگزیر در صفحه‌های بعد از نمونهٔ دیگر این نشانه «ه» بهره‌گیری شده است.

ج ـ نشانه‌های آوانمائی مانند «زیر و زبر و پیش» ممکن است در اثر ضربه، جابجائی اندکی یافته باشند. با هم سنجی نمونه‌های پیش یا پس از واژه‌های وابسته ونگرش به‌جمله‌هائی که به‌توصیف چگونگی نشانه‌هامی‌پردازند، می‌توان در نخستین نگاه جای و صورت درست نشانه‌ها را دریافت.

د ـ چون جمله‌ها و واژه‌هائی که در کاربرد نمونه آورده شده‌اند از جمله‌های شماره‌گذاری شدهٔ بزرگتری برگزیده شده‌اند، تنها در چند نمونهٔ زیر در مورد شمارهٔ سطرها یا چگونگی واژه‌ها جابجائی اندکی رخ داده است که در اینجا صورت درست آنها آورده می‌شود:

صفحه	سطر	صورت درست نمونه
۷	۱۲	گلشتن:
۱۱	۴	کشتلیم، ۲۳: ۲۲
۱۵	۲۱	خوٰک، ۱۷ و ۱۰: ۱۲
۲۸	پانویس ۱	نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۱۶
۳۰	۱۰	تنک‌دلی، ۲۱: ۲۰
۴۲	۱۴	میان واژه‌ها (نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۷۰)
۴۳	۱	کاولی، ۸: ۳
۴۴	۸	بللی، ۲۰
۴۹	۲ و ۳	قصـه ۶
۴۹	۱۳	وی
۵۰	۴	غلافهای علم
۵۰	۱۲	۹:۱
۵۰	پانویس ۱	سطر چهاردهم
۷۵	پانویس ۱	هدایةالمتعلمین فی‌الطب
۷۷	۳	اما
۷۸	۴	وحی
۹۱	۱۰	پزیارت وی
۹۱	پانویس ۱	« ـ آن»
۱۰۲	۱۳	۶۹:۸
۱۱۲	۷	می‌برخشدی،
۱۷۶	میان ۹ و ۱۰	یای مجهول ۴۲

دفتر نخست

توصیف نویسه‌ها و نشانه‌ها

بخش نخست

نویسه‌ها

برخلاف بیشتر دستنویسهای نوشته شده درسدهٔ پنجم وششم[1] دردستنویس تفسیرقرآن پاك نویسه‌هائی که نمایندهٔ آواهائی‌هستند که واجگاه واحد یا واجگاههای نزدیك به‌هم دارند و همچنین نویسه‌های دیگر به‌طور بنیادی به‌شرح زیر از هم مشخص شده‌اند :

۱ـ پ ، چ ، ژ همه‌جا با سه نقطه از ب ، ج ، ز متمایزگردیده‌اند[2].
پیشواژهٔ (حرف اضافه) به و هفت واژهٔ زیر (احتمالاً برابر فراگوئی مکان و زمان نوشتن این دستنویس) با نویسهٔ پ نوشته شده‌اند :

بُخسپان : بارئ اشتر بخُسپان ، ۶۹:۷

پُرده[3] : پارسی حجة بهانه ئ بودکی خصه را پُرده گرداند ، ۹۲:۴

پُوزَنه : ای کی پدرانتان را پُوزَنه گردانید و خُوک کردانید، ۱۲:۱۰

۱ـ «تحول رسم‌الخط فارسی ...» جلال متینی، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد ، شمارهٔ ۳، سال چهارم، ص ۱۵۷.

۲ـ نیز نگاه‌کنید به «نقطه‌گذاری نویسه‌ها» در بخش سوم بویژه به‌پایان آن.

۳ـ این واژه با ب نیز آمده است: بُرده ، ۱۲:۲۳.

پیغوله : واین سنگ در پیغوله ی مسجد بود ، ۶۹:۲۴

کسپها : وای بریشان پدین کسپهاکی می کنند، ۱۴:۲۳

گوسپند : چه بهرمن قُربان اُشتر بایذ یا گاو بایذ یا گوسپند ، ۳۷:۲۵

نپساید : کفتند نجهودان کی نپساید ما را آتش دوژخ ، ۱۴:۲۶

در واژهٔ **دوزخ** به‌جای ز همیشه ژ آمده است :

دوژخ ، ... ۲۲و۲۱و۱۱و۷و۱۵:۴

۲ـ واج آغازی[1] پیشواژهٔ «به» کـه درفارسی میانه (پهلوی) پـ بوده در این تفسیر تقریباً همه‌جا با سه نقطه نوشته شده[2] و بیشتر به‌واژهٔ پس ازخود پیوسته است. اما پیشوند فعلی بـ (بای تاکید) همیشه با یك نقطه آمده و همواره به فعل پیوسته است :

پنزد : پنزد موسی آمدند گفتند یا موسی ما این دیت بدهیم ، ۳:۲۶

بخریدند : و بخریدند آن کاو از وی په پوست او پرزر ، ۶:۱۰

۳ـ نویسهٔ ت درپایان پاره‌ای از واژه‌های عربی که وارد فارسی‌شده‌اند به‌هردو صورت ت و ة و درپاره‌ای دیگر تنها به‌صورت ة نوشته شده است[3] :

قرآة[4] ، ۵۴:۲۲

کرة ، ۵۹:۷

آخرة ، ۴۴:۱۷

آخرت ، ۴۴:۱۹

۴ـ به‌جای ذال فارسی که «گونهٔ وابسته» ای از دال بوده ، در بیشتر مـوردها

۱- initial Phoneme.
۲- نگاه‌کنید به «په» در بخش پنجم.
۳- نگاه‌کنید به «ت» و «ة» در بخش پنجم.
۴- به‌جای «قرائت یاقراآت» آمده است.

دال نوشته شده است و تنها آن را به‌طور پراکنده در نمونه‌های زیر می‌توان دید :

باشذ ،... ۲۳:۲ ؛ ۱۸و۲۴ : ۱۶ ؛ ۱۵:۴ ؛ ۱۳:۲۱ ؛ ۲۲و۲۱:۲

شذ ، ... ۸۴:۲۲ ؛ ۷۲:۲۵ ؛ ۴۹:۲۴ ؛ ۴۶:۲۶ ؛ ۳۷:۱۱ ؛ ۲۸:۵

شذه است ، ... ۶۳:۱۳ ؛ ۵۳:۱۴ ؛ ۱۲:۴

شوذ ، ... ۶۱:۱۰ ؛ ۴۴:۲۳ ؛ ۳۵:۹ ؛ ۱۱:۱۱

نشوذ ، ... ۵۵:۲۱ ؛ ۴۴:۱۴

نقطهٔ ذال در واژه‌های زیر بسیار کمتر از واژه‌های یاد شده در بالا (و گاهی هم تنها یك‌بار) گذاشته شده است :

بوذ ، ۷۰:۱۷ ؛ ۵۳:۲۱ ؛ ۵۱:۲۵ ؛ ۳۷:۳

برخیزذ ، ۶۱:۱۰ ؛ ۱۶:۱۸

آمذ ، ۴۶:۲۶

آیذ ، ۵۳:۲۱

اڤزایذ ، ۵:۱۸

بایذ ، ۳۷:۲۵

پوشیذه ، ۶۰:۸

جهوذان ، ۱۴:۲

رسذ ، ۴۲:۲۱

رسیذ ، ۳۶:۱

فرمایذ ، ۲۹:۶

گردذ ، ۱۱:۶

کویذ ، ۸۱:۲۴

چنانکه یاد شد پاره‌ای از این واژه‌ها ، مانند فعل **رسیدن** و واژهٔ **جهودان** تنها یك یا دو بار با ذال فارسی آمده و در موردهای دیگر همه‌جا با دال نوشته شده‌اند :

برسیذ ، ۷۳:۶

رسد ، ۹۰:۲۶

نرسد ، ۶۷:۶

رسیدی ، ۷۳:۱۴

رسید ، ۳۷:۱۸۳۸:۴ ؛ ۳۳:۱۰ ؛ ۲۲:۵ ؛ ۲۰:۲۱ ؛ ۷:۳ ؛ ۶:۱۷ ؛ ۴:۱۲

۲۰و۱۳و۸و۳:۷۳ ؛ ۹:۵۳ ؛ ۱۰و

جهودان ،...۲۰و۱۷و۷:۴۱؛ ۲۴و۲۱و۲۰و۱۹و۱۵:۲۲؛ ۲۶و۱۸:۱۴؛ ۱۱:۱۲

نام ویژهٔ (اسم خاص) **یهودا** در سراسر این دستنویس تنهـا دوبار و هر دوبار با ذال آمده است :

یهوذا ، ۶۰:۱۶ ؛ ۲۲:۱۷

دال به‌جای ذال :

در فعل‌های **پذیرفتن** ، **گذاشتن**، **گذشتن** و صورتهای پیشوند دار آنها به جای ذال همواره دال نوشته شده است :

پذیرفتن :

بپدیر ، ۱۳و۷۵:۲

بپدیرید ، ۲۸:۱۶

بپدیرد ، ۳۶:۲۲

بپدیرفت ، ۷۵:۱۷ ؛ ۳۷:۱۰

بپدیرفتید ، ۲۸:۱۴

بپدیرفتندی ، ۳۳:۲

پدیرفته ، ۴و۱۲:۳

پدیرنده ، ۷۵:۱۴

نپدیرفت ، ۳۷:۱۲

نپدیری ، ۳۷:۱۲

گداشتن:

بکدارم ، ۶۸:۲۶

بگداري ، ۷۳:۱۵

بکداریم ، ۴۹:۹

در کدار ، ۷۵:۱۴

در گداشت ، ۷۵:۱۸

گدارد ، ۴۹:۲۱

نخواهد گداشت ، ۵۷:۲۶

نگدارد ، ۹۱:۱۴

نگداشت ، ۳۱:۱۴

گدشتن:

اندر گدشت ، ۷۳:۱۳

بر گدشت ، ۲۱:۶

گدشت ، ۳۷:۲

گدشتند ، ۸۳:۱۹ ؛ ۷۸:۲۳

۵- نویسهٔ **ر** همیشه‌باخمیدگی کمترو گاهی‌هم کوچکتراز **د** نوشته‌شده‌وبه‌صورت پایانی[1] به‌ندرت در نمونه‌های زیر به شکل **و** به‌نظر می‌رسد :

بکرد ، ۶۶:۱۹

کردم ، ۲۳:۲

کروه ، ۱۸:۲۶

۱- نگاه‌کنید به‌پانویس «کاف‌های آغازی» دربند ۹ همین بخش.

برخیزند ، ۱۵-۸:۱۴

می‌برند ، ۵۵:۲۴

اکر ، ۵۷:۲۱

دیکر ، ۹۰:۱۶

حرم ، ۸۸:۱۱

۶- نویسهٔ **ش** مانند املای امروز همیشه با سه‌نقطه از **س** مشخص شده ونیز در یك واژه **س** به‌جای **ش** آمده است :

کاسکی ، ۲:۱۲

کاسکی ، ۶۴:۷

نویسه‌های **س** و **ش** چه در جایگاه آغازی ، میانی و پایانی و چه به صورت تنها همواره و بدون استثنا با دندانه نوشته شده‌اند .

۷- گونه[1]‌ای از **ف** که درقدیم‌به‌صورت «واو» دولبی‌سایشی‌ونزدیك به‌ب فراگو می شده وبه «فاء اعجمی» معروف بوده، دراین تفسیر همیشه و به‌طور یکدست با سه نقطه (ڤ) آمده است . ساخت (صیغه) های فعل **افکندن**[2] و نیز واژه‌های زیر با «ڤ» آمده‌اند :

اندراڤکند ، ۵۹:۴

غم اڤزاید ، ۵:۱۸

براڤراشت ، ۶۹:۲۱

براڤراشتند ، ۷۳:۷

بی ڤامی ، ۱۷:۱۴

۸- نویسهٔ **ق** به‌صورت پایانی و تنها مانند «و» بزرگی نوشته‌شده‌که دنبالهٔ‌آن

۱- Variant ؛ برای «گونه» در انگلیسی گاهی اصطلاح allophone نیز به‌کار می‌رود.
۲- نگاه‌کنید به «افکندن» دربند ۱۰.

به‌جای اینکه به‌طرف بالا خمیده باشد در جهت افقی‌کشیده شده است :

موافق ، ۲۳:۱۴

اتفاق ، ۲۵و۶۱:۱۹

براق ، ۱۷و۶۹:۱۶

حق ، ۸۹:۱۸ ؛ ۸۸:۲۲ ؛ ۶۱:۴

مشرق ، ۲۳و۵۹:۲۲

به‌ندرت نمونه‌ای می‌توان یافت‌که دنبالهٔ **ق** کمی خمیده باشد :

موافق ، ۲۳:۲۰

تفریق ، ۴۵:۲۶

۹- **کاف** به‌دوگونهٔ باسرکج به‌شیوهٔ نسخ(ک) وکوفی(ک) ویك‌گونهٔ بی‌سرکج همراه بانشانهٔ همزه‌مانند[1] درون‌آن (ك) نوشته شده است[2]. پاره‌ای ازواژه‌ها منحصراً با یك گونه و پاره‌ای دیگر با هرسه‌گونه آمده‌اند . از جمله «که» که گاهی به جای «کی» آمده همواره با «کاف نسخ» نوشته شده است و نیز دربرابر ۹۲۸ بارکاف نسخ در «کی، کې، کي» تنها ۴۱بار «کی» باکاف کوفی وجود داشته است. ازواژه‌هائی که دارای «بسامد[3]» زیاد هستند وباهردوگونهٔ کاف نسخ وکوفی آمده‌اند ساخت‌های فعل **کردن** را می‌توان نام بردکه بیش از همه باکاف کوفی نوشته شده‌اند :

فسوس می‌کنی ، ۳:۹

آنچ می‌کنند ، ۱۳:۱۴

یادکنندگان ، ۵۸:۱۵

۱- این نشانهٔ همزه مانند تنها یك‌بار به‌طور مشکوك درون‌کاف سرکج‌دار (که ظاهراً قلم‌خوردگی هم دارد) دیده شده است :
نزدیک، ۳:۱۲.
۲- گذاشتن نشانهٔ همزه‌مانند درون «ك» که نقش سرکج را دارد شاید برای تمایز **کاف** ازگونهٔ پایانی وتنهای **ل** بوده است. نگاه‌کنید به‌بند ۱۱ درهمین بخش.
۳- frequency .

بنا کن، ۷۳:۵

نیکوی کنم ، ۱۴:۷

بسمل کنید ، ۳:۸

پدید کند ، ۹:۲۵

هرچ خودکند ، ۶۷:۱۰

خلاف نکند ، ۱۵:۱۳

پنهان مکنید ، ۱۷:۴

مسخ کردن ، ۲:۲۵

دعوی کردند ، ۳:۲۶

کردهای شما ، ۱۱:۱۳

پیدا کرده‌اند ، ۱۷:۸

منسوخ کرد ، ۵۰:۱۱

مکابره می کردند ، ۶۳:۳

پدان دعاهاکی بکرد ، ۶۶:۱۹

تمام کردم ، ۹۲:۲۶

ساخت‌های فعل کشتن به‌جز دریك مورد همیشه با کاف نسخ نوشته شده‌اند :

کشتن ، ؛ ۲۹:۶ ؛ ۲۷:۱۶ ؛ ۲۳:۲۱ ؛ ۱۹:۱۵ ؛ ۱۰:۱۶ ؛ ۱۸و۹:۱۶
۸و۵۴:۳

پکشتن ، ۵۴:۱ ؛ ۱۹:۱۰ ؛ ۹:۲۶

کُشت ، ۱۰:۵

بکُشت ، ۵۹:۳ ؛ ۳۵:۱۳ ؛ ۳۱:۱۶ ؛ ۹:۲۱

بکشت ، ۳:۲۴

بکشتی ، ۳۱:۱۴

کشتی ، ۱۸:۲۵

کُشتند ، ۱۰:۱

کشتید ، ۹:۲۳

بکشتید، ۲۳:۲۳

کشتیم ، ۲۲:۲۳

نکشتیم ، ۳:۱۶

کُشته ، ؛ ۱۶و۱۴ و۱۳و۸و۴و۳و۲و۱:۱۰ ؛ ۵:۲۵ ؛ ۵ و۴ و۲:۴ ؛ ۳:۱۱
۲۷:۲۱

نکشته‌اند ، ۲۳:۱۰

بکُش ، ۱۰:۷

بکشد ، ۳۱:۱۴

بکشند ، ۳:۲۱

بکشید ، ۴:۱۶

می کشید ، ۱۸:۴

می بکشید ، ۱۹:۴

کُشنده ، ۸و۷:۱۰ ؛ ۹:۲۵ ؛ ۵:۲۵

کشنده ، ۸:۱۰ ؛ ۳:۱۶

در این فعل تنها در نمونهٔ زیر کاف کوفی دیده شده است :

بگیرندش و بکشند، ۵۹:۱۳

کاف‌های آغازی[1]:

در واژه‌های زیر کاف‌های آغازی به هردو صورت نسخ و کوفی نوشته شده‌اند :

۱ـ واژه‌های «آغازی ، میانی ، پایانی و تنها» دراین دفتر به‌جای «اول ، وسط ، آخر ومفرد» که از اصطلاح‌های حروف‌چینی و چاپ است به‌کار برده شده‌اند. این واژه‌ها چگونگی شکل املائی نویسه‌ها را بازگو می‌کنند (چنانکه دراین صفحه و در صفحه‌های بعد دیده می‌شود) و از نظر دستوری الزاماً ارتباطی به‌نویسهٔ آغازی و پایانی واژه‌ها ندارند.

آن‌کسها[1] ، ۴۱:۹

آن‌کسها ، ۵۷:۱۴

اکنون ، ۴۸:۴

اکنون ، ۲۸:۲۱

پاکیزه ، ۲۲:۱۲

پاکیزه ، ۷۶:۱۰و۱۲

کار ، ۵۱:۱۰

کار ، ۶۸:۲۰

کافر ، ۷۱:۷

کافر ، ۷۱:۱۴

کتاب ، ۲۶:۲۴

کتاب ، ۲۸:۱۶

کسی ، ۴:۵

کسی[2] ، ۶۷:۲۳ ؛ ۶۱:۳

کعبه ، ۹۱:۱۷

کعبه ، ۸۸:۱۹

کمتر ، ۵۱:۲

کمتر ، ۵۰:۲۶

۱ - این دو واژه به ندرت جدا نوشته شده و بیشتر به صورت پیوسته آمده اند. نگاه کنید به «کاف‌های میانی».

۲ - این‌واژه تنها همین دوبارها کاف کوفی‌آمده ودرهمه موردهای دیگر باکاف نسخ نوشته‌شده‌است.

کوه ، ۶:۲۱

کوه ، ۸۸:۱۸

مشرکان ، ۵۲:۱۷

مشرکان ، ۵۴:۱۲

هرکی ، ۳۱:۲۰

هرکی ، ۴۱:۱۵

کاف‌های میانی :

در واژه‌های زیر کافهای میانی به‌دوگونهٔ نسخ و کوفی نوشته شده‌اند :

آنکسها ، ۷۰:۱۵

آنکسها ، ۶۵:۱۰

آسکَرد ، ۱۷:۱۰

اَسْکَرد ، ۱۷:۷

تکرار ، ۹۱:۲۰

تکرار ، ۹۱:۱۸

شکستن ، ۵۳:۱۲

شکستن ، ۵۳:۱۱

مکه ، ۵۲:۱۷

مکه ، ۵۴:۱۲

منکر ، ۸۵:۱۳

منکر ، ۲۶:۲۶

میکایل ، ۳۲:۱۰
میکایل ، ۳۱:۴

نیکیها ، ۶۷:۱
نیکیها ، ۶۷:۱

ولکن ، ۵:۳
ولکن ، ۸۲:۱۷

یکسان ، ۱۳و۶۳:۱۰
یکسان ، ۶۳:۱۵

کاف‌های پایانی:

در واژه‌های زیر سه‌گونه کاف پایانی دیده شده است :

بی از انک، ۶۲:۱۰
بی از انک، ۸۳:۱۳
بی از انك، ۸-۶۲:۷

نیک، ۹۰:۱۳
نیک، ۷۷:۳
نیك ، ۷۷:۲۴

یک، ۱۸:۴
یک، ۲۳:۲۱
یك[1] ، ۱۷:۲۴

۱- بیشتر در ترکیب «یك دیگر» آمده است. نگاه‌کنید به «یک» دربخش پنجم.

واژه‌هائی‌که با دوگونه کاف پایانی نوشته شده‌اند :

بی آنک، ۶۲:۱۹
بی آنك ، ۶۲:۱۲

پدانک، ۲۹:۲
پدانك ، ۱۸:۱۱

پنزدیک، ۴۰:۱
پنزدیك ، ۳۱:۲

چنانک ، ۵:۱۳
چنانك ، ۱:۱۰

واژه‌هائی‌که با یك گونه‌کاف پایانی آمده‌اند :

خشك ، ۷۳:۲۶ ؛ ۱۰:۲۴
رشك ، ۶۸:۷ ؛ ۴۶:۱۰ ؛ ۲۶:۹
مُلك ، ۲۶و۲۵و۲۳و۲۲و۵۱:۱۹ ؛ ۳۳:۱۹
مِلك ، ۲۵و۲۴و۲۳و۵۱:۲۲

کاف‌های تنها :

کاف تنها درحرف ربط مرکب ازیراك همیشه بی‌سرکج است ولی در واژه‌های دیگر به‌جز دریك نمونه‌کافهای تنها یابیشتربه‌شیوه‌کوفی‌آمده ویابی‌سرکج نوشته شده‌اند:

اندک، ۲۴:۱۴
پاک، ۱۳و۷۰:۱۰ ؛ ۶۶:۸ ؛ ۳۵:۱۴
تبارک، ۲۲:۱۸ ؛ ۲۰:۲۴
خوک، ۱۷و۱۲:۱۰
شرک، ۷۵:۷ ؛ ۱۵:۱۸

مبارک، ۲۵و۲۰:۸۱ ؛ ۶۹:۲

هلاک، ۳۱:۵ ؛ ۲:۷

ازیراك ، ... ۲۵:۲۵ ؛ ۱۱:۱ ؛ ۹:۱۶

پاك ، ۱۸و۱۴:۷۸؛ ۳۵:۱۸

خاك ، ۷۴:۱۲ ؛ ۷:۲

خاشاك ، ۷۳:۲۳

دردناك ، ۷۱:۱۵ ؛ ۴۸:۱۶

تنها در یك واژه کاف تنهای باسرکج به‌شیوهٔ نسخ دیده شده‌است[1]:

کودک ، ۲۳و۲۱و۴:۴۰

این واژه در برخی از صفحه‌ها باکاف تنهای کوفی نیز نوشته شده است :

کودک ، ... ۲۵و۵:۴۰ ؛ ۳۹:۱۹ ؛ ۳۱:۱۳

بر بنیاد نمودار های آماری فراهم شده مـی‌توان گفت شمارهٔ کافهای نسخ آغازی ، میانی و پایانی (ک ، ک ، ک) به طور کلی بیش از دو برابر کافهای مشابه کوفی (ک ، ک ، ک) می‌باشد .

برای همگن‌بودن این نمودارها کافهای «کی، کی، کی، کي، که» که آمار و نمودار آن جداگانه آورده شده[2] در اینجا به شمار نیامده‌اند .

۱- دریك مورد نیز «ک» به‌جای «گ» آمده‌است. نگاه‌کنید دربند ۱۰ به‌واژهٔ «بزرگ داشت».
۲- نگاه‌کنید در همین بخش به‌بند ۹ و همچنین به «کی» در شرح نویسهٔ «ی» دربخش دوم.

۱۰- **گاف** گاهی با دو وگاهی با سه نقطه ازکاف مشخص شده‌است (گ ، گ) اما با این حال تقریباً در همهٔ صفحه‌ها حداقل یك مورد می‌توان یافت که درآن **کاف** به‌جای **گاف** نوشته‌شده‌است[1]. این امربیشتر برای واژه‌های بسیارآشنائی پیش‌آمده‌که دارای کاربرد زیـادی بوده‌اند[2] مـانند **آنگه** ، **انگشت** ، **بزرگ** ، **شگفت** ، **گاو** ، **گردن** و ساخت‌های فعل‌های **بازگشتن** ، **گرفتن** ، **گذاشتن** ، **گشادن** ، **نگریستن** و بویژه ساخت‌های فعل **گفتن** به اندازه‌ای فراوان است که هیچ سه صفحهٔ متوالی را نمی‌توان یافت‌که درآن حداقل یکی دو نمونه ازساخت‌های این فعل‌که باکاف نوشته شده ، وجود نداشته باشد :

آنکه ، ۸۹:۱۹ ؛ ۶ : ۶۵ ؛ ۵۶:۲۰ ؛ ۴۴:۱۲

انکشت ، ۳۵:۲ ؛ ۳۴:۲۰ ؛ ۱۶:۲۲

انکشتیره ، ۱۰و۳۴:۳

بزرک‌داشت ، ۷۰:۱۳

بزرکتر ، ۳۱:۲۵

پبزرکی ، ۳۶:۱۵

شکفت ، ۱۲:۱۹ ؛ ۴:۶

شکفتا[3] ، ۸۲:۹

شکفتتان نیاید ، ۱۹:۹

پشکفت‌آرد ، ۵:۱۳

پشکفتی بماند ، ۵:۱۵

کاو ، ۹:۲۶ ؛ ۸:۹ ؛ ۱۰ و ۶:۶ ؛ ۵:۶ ؛ ۷و۴:۳

۱- نگاه‌کنید به‌نمودارهای گونه‌های گاف.
۲- این واژه‌ها باگاف دونقطه یاگاف سه نقطه نیز آمده‌اند. نمونه‌هائی ازآنها درصفحه‌های بعد آورده شده است.
۳- یك‌بار نیز با «گ» دیده شده است. نگاه‌کنید به الف شگفتی دربخش پنجم.

کردن ، ۸:۳و۷ ؛ ۶:۲۶

کردن‌کشی ، ۲۳:۱۶

گفتن :

کفت ، ۳:۲... ؛ ۲:۱۸

بکفت ، ۲۱:۱۷

کفتند ، ۱۰:۱۹

بکفتند ، ۱۲:۸

کوید ، ۳:۲۲

بکوید ، ۴:۴

می‌کویید ، ۵۶:۳

بکوی ، ۳۱:۲۵ ؛ ۹:۶و۹

کفتندی ، ۱۲:۱۳

گرفتن :

کرفت ، ۶:۲۵

بکرفت ، ۴۱:۳

پکرفتن ، ۱:۱۹

نکرفتند ، ۱:۲۴

بازگشتن :

بازکرد ، ۶۸:۱۸ ؛ ۴۶:۱۹ ؛ ۲۱:۱۴ ؛ ۹:۶و۹

بازگردم ، ۲۲:۶

بازکشت ، ۷۳:۱۶

بازکشته‌اند، ۸۶:۸

گشادن :

بکشادند ، ۲:۱و۴

کشاید ، ۱۱:۶

برکشاد ، ۳۶:۱۸

گذاشتن :

بکدارم ، ۶۸:۲۶

بکداریم ، ۴۹:۹

نگریستن :

بنکریست ، ۲۲:۲

بنکرید ، ۴۲:۱۵

نکریستن ، ۸۸:۲

نکرندگان ، ۵:۱۳

سگالیدن :

بسکالیدند[1] ، ۳:۲

باید یادآورشدکه در واژه‌های بالا نیز به‌جز واژهٔ شگفت وفعل‌های گشادن وسگالیدن صورتهای نوشته شده باگاف‌هائی که دو یا سه‌نقطه دارند بیشتر ازنمونه‌هائی است که باکاف نوشته شده اند.

۱ـ ازفعل سگالیدن تنها همین نمونه وجود داشته‌است.

وابستگی شمارهٔ نقطه‌ها باگونه‌های نوشتاری گاف دراین دستنویس :

با پژوهش پی‌گیری که انجام گرفته آشکار گردیده است که نشان‌دادن گاف با گذاشتن دو یا سه نقطه برروی سرکج کاف بـه‌طور شگفت‌انگیزی بـه شیوهٔ نوشتن نویسه وابسته است بدین معنی که اگر گاف به قلم نسخ آمده باشد بر روی آن دو نقطه (گ ، گ ، گ) و در صورتی که به‌شیوهٔ کوفی نوشته شده باشد سه نقطه در نیمهٔ راست‌بالای نویسه کنارسرکج (ک ، ک ، ک) گذاشته شده است ، وتنها در دومورد که در درستی آنها نیز می‌توان تردید داشت برروی « گ» یك نقطهٔ دیگرافزوده شده است[1] :

ای کی گواژ کن‌تر یابی پارسی حرص گواژه کردن باشد، ۳۰:۵

در صورت اصلی بودن نقطه‌های سوم چگونگی این رویداد را شاید بتوان به اصطلاح زبان شناسان به گونـه‌ای از همگون سازی[2] ناپایدار نوشتاری توجیه کرد بدین معنی کـه چون در واژهٔ گواژکن دو نویسهٔ ژ و ک دارای سه نقطه بوده‌اند رونویسگر تحت‌تأثیر آنها ناخودآگاه روی گ نیز سه نقطه گذاشته است[3] .

تنها درچهار واژه برای نشان‌دادن **گاف**، برروی کاف کوفی به‌جای سه‌نقطه در عکس دو نقطه به نظر می‌رسد. در صورت درست بودن آنها نیز می‌توان گفت میزان فراموشی رونویسگر در گذاشتن نقطه‌ها کمتر از یك درصد بوده که از اندازهٔ عادی و پیش‌بینی شده تجاوز نکرده است :

بزرک ، ۴:۲۵

بندکان ، ۵۰:۶

۱ـ درعکس این تفسیردر دو یا سه مورد دیگر روی این‌گونهٔ گاف « گ» سه نقطه به‌طور متراکم به‌نظرمی‌رسد اما همانطور که درمبحث نقطه‌گذاری نویسه‌ها دربخش سوم شرح‌داده شده به‌احتمال زیاد در اصل دو نقطه بوده است.

۲ـ Assimilation

۳ـ همچنین بسنجید با «بشکستند» در صفحهٔ ۲۳ .

آنکه ، ۵۱:۲۱

مکر ، ۷۶:۲۲

فعل **افگندن** جز درسه مورد ونیز پاره‌ای از ساخت‌های فعل‌های **گفتن** ، **گردانیدن** ، **گرفتن** و **گرویدن** باکاف کوفی همراه با سه نقطه آمده‌اند[1]:

افکنم ، ۳۸:۲

افکنند ، ۴۲:۶

افکندم ، ۴۶:۲۵

افکند[2] ، ۲۳:۳

افکندند ، ۸۰:۱۲

افکنده است ، ۴۳:۲

برافکند[2] ، ۲۲:۱۹

فعل **افگندن** تنها در سه نمونهٔ زیر باگاف دونقطه آمده است:

نیڤگنده‌اند ، ۶:۴

بیڤگند[2] ، ۹:۲۲ ؛ ۷:۲ ؛ ۳:۲۴

نیڤگنیم ، ۸۰:۱۲

ازفعل **گفتن** ساخت‌های زیر بیشتراز ساخت‌های دیگر با گاف سه‌نقطه دیده شده‌اند :

کویند ، ۸۷:۱۳؛ ۸۴:۱۵ ؛ ۱۵:۳ ؛ ۱۳:۲۰؛ ۱۵ و ۳:۱۴؛ ۲:۲۶؛ ۱:۲۰

می‌کویند ، ۸ ـ ۶۳:۷ ؛ ۵۷:۱۵ ؛ ۱۵:۱۵ ؛ ۱۵ و ۱۴ و ۱۳:۶

۱ـ به‌جز فعل افگندن فعل‌های دیگربه‌طورکلی بیشترباگاف دونقطه(گ) نوشته شده‌اند.

۲ـ سوم شخص زمان گذشته .

از فعل گردانیدن ساخت‌های زیر بیشتر از ساخت‌های دیگر باگاف سه نقطه آمده‌اند:

ڴرداند[1] ، ۸۶:۲۱ ؛ ۸۰:۲۵ ؛ ۷۶:۱۰ ؛ ۱۰:۱۷

ڴردانید ، ۴۳:۲۵ ؛ ۱۷ و ۱۶ و ۱۲:۱۰ ؛ ۱:۲۶

از فعل گرفتن نمونه‌های زیر با گاف سه‌نقطه نوشته شده‌اند:

میڴیریم ، ۱:۱۸

بڴیرید ، ۳:۱۳

بڴیرٔید ، ۲۸:۱۶

قیاس ڴیرید ، ۱۲ ـ ۳:۱۱

بڴیرند ، ۶۷:۲۴ ؛ ۳:۱۷

برڴیرند ، ۳:۲۱

برنڴیری ، ۵۲:۱۳

نڴیرند ، ۸۸:۱۴ ؛ ۸۳:۲

راه ڴیرید، ۹۲:۲۱-۲۲

ڴرفتن ، ۳:۱

بڴرفتند ، ۳:۲۵

نشان‌ڴرفت ، ۶۹:۱۲

برڴرفته آید ، ۸۱:۲

ازفعل گرویدن نمونه‌های زیر باگاف سه نقطه آمده‌اند :

بڴروند ، ۳۲:۱۹ ؛ ۱۵:۲۵

بڴرؤید ، ۲۸:۱۲

۱ـ سوم شخص زمان حال.

نڴرود ، ۷۶:۱۸

نڴرؤیم ، ۵۲:۱۰

بڴرویده‌أیم ، ۱۲:۳

بڴرویده بودند ، ۶۵:۱۵

ڴرویده‌أید ، ۸۰:۱۸ ؛ ۱۲:۴

ڴرویدگان ، ۶۵:۱۷ ؛ ۶۳:۲۶ ؛ ۱۲:۲

ناڴرویدگان ، ۷۱:۴

ڴروید نی اندک ، ۲۴:۱۴

از فعل پراگندن یك نمونه بیشتر نیامده وآن هم باگاف سه نقطه نوشته شده است :

پراڴندند ، ۴۱:۷

از فعل شکستن تنها یك نمونه دیده شده‌که با گاف سه نقطه آمده اما دربقیه موردها همیشه باکاف نوشته شده است[1]:

بشڴستند ، ۵۴:۱۲

کاف به جای گاف :

به جز نکته‌های بالا این نکته رانیز بایدیادآور شدکه دراین دستنویس‌چنانچه واژه‌ای که می‌بایست باگاف نوشته شود به جای آن کاف آورده شده باشد این کاف همه جا به شیوهٔ نسخ نوشته شده است مگر در چهارجا که مورد نخست و دوم را می‌توان به آسانی حمل بر فراموشی رونویسگر در گذاشتن سه نقطهٔ « ڬ و ڴ » نمود اما در مورد سوم و چهارم باید گفت هیچ دورنیست‌که در زبان نویسنده یا رونویسگر، این دو واژه با کاف یا«گونه»[2]ای از آن فراگو می‌شده است :

۱ـ برای نمونه نگاه کنید به کاف‌های میانی دربند۹ . ۲ـ Variant .

۱ـ بزرک ، ۵۹:۱۹

۲ـ مکر ، ۷۴:۲

۳ـ کیسو ، ۶۹:۱۷

۴ـ مژدکان دهنده ، ۶۳:۲۶

ازواژهٔ سوم نمونهٔ دیگری‌بدست نیامده ولی بخش نخست از واژهٔ چهارم دوباردیگر با «کاف نسخ» بی‌نقطه دیده شده است :

مژدکان دهنده ، ۳۲:۵

مژدکانی ، ۷۶:۵

و نیز باید یادآوری‌کرد درتمام موردهائی‌که «ـ گان» از واژهٔ پیش ازخود جدانوشته شده، چه به عنوان نشانهٔ جمع وچه به عنوان نشانهٔ نسبت، جز در«مژدکان» هیچ‌گاه بی‌نقطه نیامده است. درحالت‌پیوسته نیزتنها یك‌بارصورت بی‌نقطهٔ‌آن‌دیده‌شده‌است :

فریشتکان[1] ، ۴۱:۲۲

گاف‌های آغازی و میانی:

گافهای آغازی و میانی بـه هـر سه صورت و بیشتر با کاف نسخ همراه با دو نقطه آمده‌اند .

واژه‌هائی که با هر سه‌گونهٔ گاف آمده‌اند :

آنکه ، ۴۳:۱۵

آنگه ، ۴۵:۲۱

آنکه ، ۴۴:۱۲

۱ـ برای صورتهای نقطه‌دار ـ کان در همین واژه نگاه کنید به «واژه‌هائی‌که باهرسه گونهٔ گاف آمده‌اند».

اکر ، ۵:۲

اگر ، ۵:۲۶

اگر[1] ، ۳۲:۲۴

انکشتیره ، ۸ و ۴ و ۳۲:۲

انگشتیره ، ۳۵:۴

انکشتیره ، ۳۴:۲

چکونه[2] ، ۹۰:۵

چگونه ، ۹:۶

چکونه ، ۳۰:۱۸

دیکر ، ۵۱:۱

دیگر ، ۶:۷

دیکر[1] ، ۴۳:۱۳

رستکاری ، ۶۷:۱۰

رستگاری ، ۵۵:۶

رستکاری ، ۶۷:۱۱

سنکها ، ۱۱:۳

سنگها ، ۱۱:۳

۱ـ «اگر» و «دیگر» به‌ندرت با کاف آمده‌اند .

۲ـ این واژه باکاف‌کوفی همراه با سه نقطه تنها همین یك‌بار دیده شده است .

سنکها ، ۱۱:۷

سوڪند ، ۳:۱۵
سوگند ، ۴:۱
سوکند ، ۱۶:۸

فریشتڪان ، ۱۵:۲۶
فریشتگان ، ۴۲:۱۲
فریشتکان ، ۴۱:۲۲

ڪاو ، ۳:۱۴
گاو ، ۸:۴
کاو ، ۶:۱۰

ڪردن ، ۵۸:۱۳
گردن ، ۲۱:۲
کردن ، ۸:۷

ڪروه ، ۱:۲۲
گروه ، ۱:۲۱
کروه ، ۱:۱۹

شیرخوارڪی ، ۴:۷
شیرخوارگی ، ۳۹:۲۴

شیرخوارکی ، ۳۹:۲۱

واژه‌هائی که با دوگونهٔ گاف آمده‌اند :

ڪاهی ، ۸۲:۲۴
گاهی ، ۲۸:۲۴

ڪرد ، ۷۲:۲۰
گرد ، ۷۳:۳

ڪرویدگان ، ۱۲:۲
گرویدگان ، ۷۱:۴

ڪزیدگان ، ۴۳:۲۴
گزیدگان ، ۴۳:۲۱

ڪفتار ، ۲۵:۴
گفتار ، ۲۴:۶

ڪوا ، ۸۵:۲۴
گوا ، ۸۵:۱۵

ڪوابی ، ۸۶:۱
گوابی ، ۸۵:۱۰

ڭور ، ۲۲:۲
گور ، ۲۲:۴

پیشینڭان[1] ، ۶۳:۱۳
پیشنگان ، ۶۳:۱۲

مردڭان ، ۱۰:۱۷
مردگان ، ۲۰:۱۷

مڭر ، ۴۰:۸
مگر ، ۲۴:۱۴

هرڭز ، ۶۴:۲۱
هرگز ، ۵:۲۶

گاف‌های میانجی[2] :

گافهای میانجی که به‌جای ه یا ـه پیش از یای مصدری و نسبت آورده می‌شوند بیشتر یا با کاف نسخ بی‌نقطه به‌کار رفته ویا باکاف نسخی که دو نقطه دارد نوشته شده‌اند و تنها در یك مورد باگاف سه نقطه دیده شده است :

گاف میانجی بی‌نقطه (ک ، ك) :

چگونکی ، ۵:۶
پخردکی ، ۱۵:۸ ؛ ۶:۲۰

۱ـ نگاه کنید به «های‌ناملفوظ» در بخش پنجم.
۲ـ گاف میانجی در پاره‌ای از واژه‌ها مانند «بندگی» به صورت آغازی و در برخی از واژه‌ها مانند «همشگی» به صورت میانی می‌آید .

شیرخوارکی ، ۲۹:۲۱
همبشکی ، ۲۶:۱۵
یگانکی ، ۶۲:۲۴
پیگانکی ، ۷۷:۹
جاودانکی ، ۲۴ و ۵۶:۲۳
خاصکی ، ۱۷ و ۱۶ و ۲۹:۱۰
ماندکی ، ۳۸:۹

گاف میانجی بادونقطه (گ ، گ):

پبردگی ، ۳۳:۲۲
چگونگی ، ۴۵:۱۴
شیرخوارگی ، ۳۹:۲۴
تشنگی ، ۷۳:۲۶
گرسنگی ، ۳۶:۲۳
پیگانگی ، ۲۴:۲۲
یڭبارگی ، ۲۹:۱۹
ببندگی ، ۶۱:۱۴

گاف میانجی با سه نقطه (ڭ):

شیرخوارڭی ، ۴۰:۷
شیرخوارڭي ، ۴۰:۴

گاف پایانی:

گاف پایانی به‌جز در چند مورد همه‌جا مانند نمونه‌های زیر با کاف نسخ همراه با دو

نقطه آمده است:

رنگ ، ۵ و ۸:۴ ؛ ۵:۹

هم سنگ ، ۹:۱

سنگ ، ۶۹:۹ ؛ ۲۰:۲۰ ؛ ۴ و ۱۱:۱

در واژهٔ زیر گاف پایانی ظاهراً بی‌نقطه است:

یک رنک، ۶:۷

تنها دریك واژه گاف پایانی با سه نقطه دیده شده است:

سنڬ ، ۷۲:۱۱ ؛ ۲۴ و ۶۹:۲۱

به نظر می‌رسد که گاف پایانی، تنها یك‌بار نیز در واژهٔ زیر با ک آمده است:

تنک دلی ، ۲:۲۱

ولی به‌احتمال زیاد این واژه بـه‌جای تنگ دلی بایـد تُنُک دلی باکاف بـاشد[1] زیرا دوبار دیگر واژهٔ تنک باکاف ونشانهٔ پیش دیده شده ، و یك بار نیـز با ك کـه در این دستنویس جز در دو نمونه همیشه به‌جای کاف آمده ، نوشته شده است :

تُنُک: اهل او تنک‌دلی بسیارمي‌کردند دل عیسی تُنُک شد، ۲۲ و۲۱:۲۰

تُنک : عیسي را دل بـروی تُنک شد ، ۲۱:۹

تنك دل : تنك دل گشت وبخدای عزوجل بنالید ، ۷۲:۴

تنها درسه واژه کاف پایانی بی‌سرکج (ك) به‌جای گاف آورده شده و در دو مـورد دربالای ك به‌جای سرکج دو نقطهٔ افقی دیده شده است[2]:

۱ـ تنک‌دل با ت و ن مضموم در «لغت‌نامهٔ دهخدا» به نقل از «آنندراج» برابر با تنگ حوصله (کم‌شکیب) و رقیق‌القلب آمده است.
۲ـ ممکن است این دو نقطه ازسوی کس دیگری جز رونویسگر کتاب گذاشته شده باشد .

سنكَ ، ۲۰ و ۶۹:۱۰ ؛ ۱۱:۷

رنكَ ، ۶:۷

اما در نمونه‌های زیر نقطه‌ای روی ك دیده نشده است :

سك[1] ، ۴۶:۱۲

سنك ، ۷۳:۶ ؛ ۶۹:۱۸

گاف تنها :

گاف تنها درپاره‌ای از واژه‌ها منحصراً به‌صورت کوفی با سه نقطه آمده‌است.

در واژهٔ «مرڬ» همیشه ودرواژهٔ «بزرڬ» دراکثرموردها کاف کوفی همراه‌باسه‌نقطه نوشته شده است :

مرڬ ، ۵۳:۱۶؛ ۴۹:۲۱ ؛ ۲۲ و۲۱ و۱۹ و۲۹:۱۸ ؛ ۲۲:۷ ؛ ۲۰:۱۰

۷۸:۹ ؛ ۷۷:۲۶ ؛ ۷۴:۱ ؛ ۷۳:۲۶

بزرڬ ، ۷۴:۱۷ ؛ ۶۸:۱۳ ؛ ۴۹:۳ ؛ ۱۷ و ۴۳:۱۶ ؛ ۳۱:۱۵

بزرڬ منشی ، ۲۳:۱۵

بر بنیاد نمودارهای‌آماری که‌از پنجاه صفحهٔ پی‌درپی‌ازبخش نخستین وازبیست وچهار صفحه از پایان این دستنویس فراهم شده می‌توان‌گفت که شمارهٔ گافهای نسخ دونقطه (گ ، گ ، گ) دربرخی ازصفحه‌ها ازسه برابرشماره‌گافهای مشابه سه‌نقطه (ڬ ، ڬ ، ڬ) تجاوز می‌کند و به ندرت صفحه‌ای را می‌توان یافت که‌در آن شماره گافهای سه نقطه برابر یا اندکی بیشتر از گافهای دونقطه باشد[2] .

۱ـ این واژه تنها همین یك بار آمده است.
۲ـ مانند صفحه‌های ۳ و ۲۷ و ۸۹ دستنویس.

۱۱ـ نویسهٔ ل به صورت آغازی[1] (لـ) هنگامی‌که پیش از الف آمده باشد به شیوهٔ کوفی « لا » نوشته شده است :

لام ، ۲۴:۴

لاجرم ، ۳۸:۱

لابد ، ۶۹:۶ ؛ ۱۶ و ۴۶:۱۵

ولایت ، ۵۱:۲۳

ولادة ، ۹ و ۶۱:۸

بالای خانه ، ۷۱:۲۰

گونهٔ میانی این نویسه هنگامی‌که پیش ازالف آمده همیشه به شیوهٔ نسخ آورده شده است :

هلاک ، ۲:۷

اسلام ، ۴۶:۶

سلامت ، ۴۳:۲۴

در دنبالهٔ گونه‌های پایانی وتنهای ل خمیدگی‌آشکاری مشاهده نمی‌شود به‌طوریکه در بیشتر موردهامانندایننشانهٔ « لـ » که به‌کاف بی سرکج می‌ماند ، نوشته شده‌است[2]:

حلالـ ، ۱:۱۲

دیوالـ ، ۲:۲

مالـ ، ۳:۲۱

بدلـ ، ۲۳:۱

دلـ ، ۲٤:۷

۱ـ نگاه کنید به پانویس کاف‌های آغازی در صفحهٔ ۱۱ .
۲ـ برای تمایز «ك» از «ل» نگاه کنید به پانویس ۲ از بند ۹ درهمین بخش.

سالـ ، ۳۰:۱۲

حالـ ، ۷۴:۷

گاهی درگونهٔ پایانی، دنبالهٔ افقی‌کوتاه‌ترازگونهٔ تنهای‌آن است (لـ):

بسملـ ، ۱۴ و ۳:۸

جبریلـ ، ۷۰:۱

انجیلـ ، ۶۵:۱۱

باطلـ ، ۹۲:۱۱

۱۲ـ نویسهٔ م به‌صورت پایانی در ترکیب‌های عربی که در فارسی کاربرد فراوان داشته در بیش ازهفتاد درصد[1] موردها کوتاه و بدون دنباله نوشته شده است:

رضی‌الله عنهم ، ۱۲:۳

رحمةالله علیهم ، ۸۶:۲۵ ؛ ۷:۱۹

صلی‌الله‌علیه وسلم[2] ، ۱۸ و ۱۱ و ۱۴:۴ ؛ ۱۲:۸ ؛ ۵:۱۶

علیهماالسلم ، ۲۷:۱ ؛ ۳۳:۲ ؛ ۷۲:۲۰

علیه‌السلم ، ۴:۲۶ ؛ ۳:۱۸ ؛ ۱۰ و ۱:۷

والله‌اعلم[3] ، ۶۲:۲۱ ؛ ۴۵:۱۹

در پایان واژه‌های فارسی نیزکم و بیش م بی‌دنباله دیده شده است:

بدهم ، ۷:۹

بدهیم ، ۳:۲۶

بنهم ، ۴۲:۱۹

۱ـ این آمار بربنیاد نمونه‌برداری طبقه‌بندی‌شده بدست آمده است.
۲ـ نیز نگاه‌کنید به بند ۶ از بخش چهارم.
۳ـ این ترکیب تنها دوبار با «م» آمده و در بقیه موردها با «م» نوشته شده است نگاه‌کنید به بند ۸ از بخش چهارم.

پهه‌جای ، ۳:۲۰

داره ، ۶۴:۲۴

شکه ، ۴۱:۳

شکمه ، ۷:۵

فرسته ، ۴۲:۲۰

که‌ندهه ، ۴:۶

خواهه ، ۴۰:۱۸

من‌هه[1] ، ۴۰:۱۲

اوهه ، ۶۱:۲۳

هه‌چنین ، ۵۷:۲۲

هه‌چنان ، ۴۰:۲۲

۱۳ـ نویسهٔ **ن** به‌صورت پایانی و تنها مانند ز بزرگی نوشته شده که در اکثر موردها دنباله‌اش با خمیدگی‌کمی در جهت افقی امتداد یافته است. باید یادآور شد که بزرگی **ـن** همواره به‌یك اندازه و یکـدست نیست مثلاً در ساخت امر فعل کردن گاهی کوچکتر آمده است:

یادکز ، ۶۶:۲ ؛ ۳:۶

دعا کز ، ۶:۲۱

شفاعت‌کز ، ۴۴:۱۲

۱۴ـ نویسهٔ **ه** در آغاز و میان واژه همیشه به‌صورت «های دو چشم» به‌طور روشن نوشته شده است. های پایانی به‌شکل ـه و های تنها همواره به‌صورت ه به‌کار

۱ـ نیز نگاه‌کنید به‌حرف ربط «هم» در بخش پنجم.

رفته است:

همه ، ۸ و ۲:۳

هرکی ، ۲:۲۲

ماهیان ، ۱۷ و ۱:۹

مهمان ، ۱:۲۳

شهر ، ۱:۲۴

نهی ، ۳:۴

خون‌بها ، ۳:۱۷

نُه ، ۷۱:۲۰

نه ، ۴۴:۱۲

بنه ، ۶۸:۱۱

ده ، ۳:۱۲

پنجاه ، ۳:۱۲

ره ، ۳:۲۵

گروه ، ۳:۶

بخش دوم

املای واکه‌ها[1]

۱ـ واکهٔ ā در آغاز واژه در بیشترموردها با الف مددار (آ) نشان داده شده ، اما گاهی نیز روی الف آغازی مدگذاشته نشده است[2]:

آب ، ۷۴:۱۱ ؛ ۷۳:۲۴ ؛ ۶۶:۶ ؛ ۱:۱۰

اب ، ۷۴:۱۳ ؛ ۶۷:۲۳ ؛ ۶۶:۶ ؛ ۳۴:۴

آخرالزمان ، ۲۵:۸

اخرالزمان ، ۳۳:۱ ؛ ۲۵:۲۳

آنجا ، ۶۸:۱۶ ؛ ۳۷:۵

۱ـ مصوت‌ها.

۲ـ نیز نگاه‌کنید به‌افتادن مدّ از روی «آن» در بخش پنجم.

انجا ، ۷۸:۶ ؛ ۷:۱۳

آنکس ، ۴۸:۸ آنکسها ، ۸۹:۲۶ ؛ ۷۰:۱۵ ؛ ۱۶:۲
انکس ، ۵۶:۱۲ ؛ ۵۱:۹ انکسها ، ۷۰:۱۴

آنگه ، ۷۴:۲۰ ؛ ۶۸:۱۴ ؛ ۴۵:۲۱
انگه ، ۷۷:۲۶ ؛ ۶۹:۲۲

آفتاب ، ۲۳ و ۵۹:۲۲ ؛ ۴۴:۲۱ ؛ ۲۸:۲
افتاب ، ۲۶ و ۸۴:۲۵ ؛ ۶۶:۲۳ ؛ ۴۴:۲۱ ؛ ۳۴:۱۷ ، ۸:۵

آموخته ، ۳۸:۲۴
اموختیم ، ۸:۲۱

واژهٔ **هرآینه** همیشه بی‌مدّ نوشته شده است[1] :

هراینه ۲۲ و ۸۸:۴ ؛ ۶۵:۱۷ ؛ ۳۰:۴

بین دو **ā** در میان واژهٔ هیچ‌گاه «یای میانجی» آورده نشده و دومین **ā** به‌جز در یك جا همیشه با مدّ نوشته شده است[2] :

داناآن ، ۱۲:۸
نابیناآن ، ۱۷ و ۲۰:۱۶
ترساآن ، ۱۹ و ۳۲:۱۶

۱ـ در «نمونه‌ای از قرآن مجید به‌خط ثلث با ترجمهٔ پارسی‌کهن» نشریه شماره ۱ سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس نیز واژهٔ **هرآینه** (که چند بار آمده) همیشه بدون مد نوشته شده است .

۲ـ نیز نگاه‌کنید به **ـان** نشانهٔ جمع در بخش پنجم .

تنها در نمونهٔ زیر روی الف ، مدّ دیده نشده است :

ترساان ، ۷۹:۱۲

هنگام پیوستن پیشواژهٔ «په» به‌واژه‌ای که با «آ» آغازشده مدّ روی الف برجا مانده است :

پآب‌خانه ، ۳۴:۲
پآتش ، ۶۶:۱۲
پآخر ، ۴۱:۱ ؛ ۳۶:۳ ؛ ۹:۱۱
پآدم ، ۷۲:۶
پآسمان ، ۴۳:۶ ؛ ۷۲:۱ ؛ ۲۳:۹
پآشکارا ، ۴۸:۵
پآهن ، ۱۱:۱
پآیت ، ۴۹:۲۴

تنها در دو نمونه پس از پیشواژهٔ په مدّ گذاشته نشده است :

پاتش ، ۱۱:۱
پابدستهای تمام ، ۵۴:۲۱

درپاره‌ای ازنامهای عربی وعبری الف نمایندهٔ واکهٔ **ā** نوشته نشده است مانند نامهای **ابرهیم** و **اسحق** که همیشه به‌همین صورت آمده‌اند[1] اما در مورد نامهای **اسمعیل** و **سلیمن**که بیشتر بی‌الف آورده شده ، چند نمونه را نیز مـی‌توان یافت کـه با الف نوشته شده‌اند :

اسماعیل ، ۱۹ و ۶۸:۱۲
سلیمان ، ۲۴ و ۳۷:۱۰

۲ـ واکهٔ **u** همیشه با **واو** نشان داده شده و گاهی نیز روی‌آن نشانهٔ **پیش** گذاشته

۱ـ نگاه‌کنید به «نامهای عربی و عبری» در بخش پنجم .

شده است[1] :

برربود ، ۸:۲۱

بلوغ ، ۱۶:۱۸

روح ، ۲۷:۱۱

معیوب ، ۶۰:۲۴

موجود ، ۶۱:۱۷

نمود ، ۶۹:۲

معصوم ، ۸۹:۲۲

گروه آوائی **vu** که در این تفسیر تنها در نام ویژهٔ **داود** دیده شده همیشه با یك **واو** آمده است :

داود ، ...، ۱۲:۶ ؛ ۱:۷

۳ـ واکهٔ ō (واو مجهول) در چند واژه و تنها در همین نمونه‌های زیر با الفی کوتاه‌که‌گاه دنبالهٔ پائین آن‌کمی به‌سوی چپ‌کشیده شده بربالای **و** مشخص‌گردیده است :

پروی ، روی[2] ، ۱۱:۱

یکی رودی ، ۱۳:۱۹

روزی[3] ، ۷۱:۸

نیوش ، ۴۷:۲۶

۱ـ نیز نگاه‌کنید به«نشانه‌گذاری نویسه‌ها» در بخش چهارم .

۲ـ فلز «روی»

۳ـ درچهار واژهٔ نخستین ، الف‌کوتاه در بالای فاصلهٔ میان **ر** و **و** گذاشته شده است و نیز در واژه‌های «روی» و «نیوش» این نشانه درست مانند الف خنجری است .

یک گونه ، ۶۳:۱۱

خوک ، ۱۰ : ۱۲

یك‌بار نیز برروی **و** در واژهٔ **او** که در این تفسیر در دو جا به‌معنی آیـا به‌کار رفته ، این نشانه‌گذاشته شده است:

او ، ۲۳:۱۸

او ، ۳۲:۱۸

همچنین برروی ـو در واژهٔ «فرغول‌کار» به‌معنی فراموش‌کار و در واژه‌های «یوبان» به‌معنی امیدوار و «یوبه‌گاه» برابر با امیدگاه این الف‌کوتاه را می‌توان دید .

فرغول‌کار ، ۱۱:۱۳

یوبان ، ۶۷:۱۵

یوبان ، ۶۷:۱۶

یوبه‌گاه ، ۶۷:۱۴

و نیز در واژهٔ «شکروفان» که در این تفسیر با «زبان زدگان» مترادف بوده ، پیش از و این نشانه‌گذاشته شده است:

شکروفان ، ۶۵:۲۲

۴ـ درگروه آوائی **au** (یا **aw**) که امروز **ow**[1] فراگـو مـی‌شود روی الف همیشه نشانهٔ « زبر » و روی واو نشانهٔ « سکون » گذاشته شده است :

اوس ، ۲۲ و ۱۸:۱۶

اندر رو ، ۸:۵

پیش‌رو[2] ، ۶۷:۳

۱ـ به‌صورت **ou** نیز نوشته می‌شود .

۲ـ به‌معنی «برگزیده» و «رهبر» .

رو ، ۴۶:۱۹ ، ۲۳ و ۸:۱۴

جو ، ۱۳ و ۱۴:۱

نو ، ۶۲:۹

۵ـ نویسهٔ ی در این دستنویس نمایندهٔ واکه‌های i ، ē (یای مجهول) و همخوان (صامت) y[1] و در موردی هم نشان‌دهندهٔ «الف مقصور» در واژه‌های عربی است به‌جز در یك مورد ویژه[2] هیچ نمونه‌ای را نمی‌توان یافت که در آن این نویسه چه در جایگاه آغازی ، میانی یا پایانی و چه به‌صورت تنها با دو نقطهٔ افقی نیامده باشد درگونهٔ پایانی و تنها ، این دو نقطه در اکثر موردها درون آن (ی) گذاشته شده اما گاهی نیز در زیر آن (ي) قرار داده شده است . این‌گونهٔ «ی» پایانی و تنها، به‌صورت برگشته (ے) نیز آمده است. هنگامی‌که گونه‌های آغازی، میانی و بویژه گونه‌های پایانی وتنها، نمایندهٔ واکهٔ ē (یای مجهول) هستند در اکثرموردها ـ و نه همیشه ـ یك الف خنجری کوتاه[3] در بالای جایگاه آغاز نویسه و گاهی هم در بالا و عقب‌تر از جایگاه آغاز وتقریباً روی نویسهٔ پیش از «ی، ے» گذاشته شده است برای واکهٔ i نیز در میان واژه کم و بیش الف خنجری آورده شده است .

نمونه‌هائی از الف خنجری که در بالای جایگاه آغازنویسه گذاشته شده است :

نشناسیم ، نکشتیم ، ۳:۱۶

پوادیکی ، ۳:۱۳

مالی ، ۳:۱۹

۱ـ در آوانویسی گاهی با J نیز نشان داده می‌شود .

۲ـ نگاه‌کنید به‌مورد ویژهٔ ې در همین بند .

۳ـ درست مانند accent grave در خط فرانسه شیب آن از چپ به‌راست رو به‌پائین است «`» .

کاوی ، ۳:۱۸

دری ، ۳:۲۳

برای صورت اصلی نمونه‌های بالا و به‌ویژه نمونه‌های زیر کـه الف خنجری پیش از نویسهٔ «ی» آورده شده است نگاه‌کنید به‌گراور صفحه سوم در پایان پیشگفتار :

بپرید ، ۳:۱۳

بدهیم ، ۳:۲۶

گفتندی ، ۳:۱۹

روزگاری : ۳:۱۸

دری ، ۳:۲۴

در موردهائی‌که روی «یای پایانی وتنها» الف خنجری‌گذاشته شده ، میان این گونهٔ «ی» با دو نقطهٔ درونی وآمدن الف خنجری (یٰ) وابستگی آشکاری مشاهده شده ، وهمچنین به‌ندرت برروی «ے» که‌گاهی به‌جای این گونهٔ «ی» آمده[1] ، الف خنجری گذاشته شده است :

کزے چند کرباس ، ۱۴:۱۴

نورے ساطع شدی ، ۲۸:۱

با اینکه‌گونهٔ دیگر با دونقطهٔ زیر آن (ي) کم و بیش درسراسر این دستنویس وجود داشته ، تنها در سه واژه روی آن الف خنجری دیده شده است و دور نیست که در ایـن سه واژه گذاشتن نقطه‌های «یٰ» در اصل فراموش شده و سپس از سوی شخص

۱ ـ بازگوکردن این‌که «ے» تنها به‌جای «ی» آمده ونه به‌جای‌گونهٔ‌دیگر (ي) ، بربنیاد استنباط آماری و برابر نهادن و بررسی دقیق واژه‌هائی‌که با «ی» یا «ے» آمده‌اند ، و از جمله همین آمدن الف خنجری بوده است .

دیگری به‌جای درون در زیر آن افزوده شده باشد[1] :

حصاري ، ۵۴:۵

علامت کردندي ، ۸۱:۱۶

گفتندي ، ۸۱:۲۰

برروی یای پایانی و تنها در شماره اندکی از واژه‌های عربی ـ و آن هم نه همیشه ـ الف خنجری گذاشته شده است :

دعوی ، ۲۹:۱۴ ؛ ۲۷:۱۳ ؛ ۳:۲۶

بلی ، ۴۰ و ۸۵:۱۳ ؛ ۵۶:۱۱ ؛ ۳۶:۱۸ ؛ ۱۴:۵

فدی[2] تو ، ۲۳:۲

پتحری[3] ، ۵۹:۲۴

پتحری ، ۵۹:۲۶

چنانکه یادگردید واژه‌های بالا بی‌الف خنجری نیز آمده‌اند :

دعوی ، ۸۹:۵ ؛ ۱۳ و ۶۱:۱۱ ؛ ۲۹:۱۵

دعوي ، ۶۳:۲۴

بلی ، ۹ و ۵۶:۷ بلی ۵۱:۲

فدی من ، ۲۲:۲۶

تحری ، ۶۰:۲

واژهٔ «کسی» بیشتر با «ـی» و در چند مورد نیز با «ـیٰ» آمده و تنها در دو یا سه نمونه با «ـ ي» دیده شده است :

۱ـ نگاه‌کنید به‌نویسهٔ ی در «ویژگیهای املائی جمله‌ها وواژه‌هائی‌که درحاشیه نوشته شده‌اند» در دفتر سوم .

۲ـ تنها در این واژه هم درون ی و هم زیر آن دو نقطه‌گذاشته شده است .

۳ـ به‌تحری.

کسي را ، ۲:۲۱

هرکسي‌که ، ۴۵:۶

واژهٔ یکی همواره با «ـی» نوشته شده و هیچ‌گاه الف خنجری روی آن گذاشته نشده است[1] :

یکی ، ۲۰:۱۶ ؛ ۱۳:۱۹ ؛ ۹:۲۰ ؛ ۱۵ و ۷:۴ ؛ ۶:۱۶

تنها یك‌بار برروی یای نکره پس از ترکیب سیك الف خنجری دیده شده‌است[2] :

سیکی ، ۷:۲۶

سیکي ، ۷:۲۶

واژهٔ چیزی همیشه با «ی» آمده و هیچ‌گاه الف خنجری برروی یای میانی و یای تنهای آن دیده نشده است :

چیزی ، ۴۶:۱۱ ؛ ۲۷:۴ ؛ ۲۴:۶ ؛ ۱۵:۱۴ ؛ ۱۴:۱ ؛ ۱۳:۹
۸۱:۲۳ ؛ ۶۲:۹ ؛ ۲۳ و ۲۰ و ۶۱:۱۶ ؛ ۱۴ و ۵۱:۱۰

بچیزی ، ۵۸:۲۲ ؛ ۵۱:۱۲

مرچیزی را ، ۵۶:۱۰

هرچیزی‌کی ، ۵۵:۴

چیزهایی‌کی ، ۴۲:۹

چیز ، ۶۶:۵ ؛ ۱۷ و ۶۲:۷

ی مصدری :

بر روی «یای مصدری» که جز درچند مورد تقریباً همیشه بااین‌گونهٔ «ـی» آمده ،

۱ـ تنها هنگامی‌که یای اسم مصدر به‌آن افزوده شده چنانکه شرح آن خواهد آمد به‌صورت یکیٰ نوشته شده است .

۲ـ نگاه‌کنید به «یای نکره ـ ی» در بخش پنجم .

هرگز الف خنجری گذاشته نشده است[1] :

دلیری ، ۳:۳

گرانی ، ۹:۱۲

توانایی ، ۱۰:۲۱

مسلمانی ، ۱۲:۳

نیکوی ، ۱۴:۷

یاری ، ۱۹:۵

ستمگاری ، ۱۸:۸

پارسایها ، ۳۶:۱۰

رسواییها ، ۵۹:۱۵

نیکوییها ، ۱۶ و ۱۶:۱۵

نیکیها ، ۶۷:۱

همان‌طور که یادگردید به‌ندرت یای مصدری با این دوگونهٔ «ي» و «ے» آمده است :

یارے ، ۵۲:۳

کافرے ، ۱۵:۲۰

زاري ، ۳۶:۲۱

مزدورکاري[2] ، ۳۶:۲۳

جادوي ، ۴۱:۷

پادشاهي ، ۵۱:۱۸

هنگامی که « یای نکره ، مصدری ، شرطی و استمراری » پس از واژه‌های پایان یافته

۱ـ نیز نگاه کنید به « ی » مصدری در بخش پنجم .

۲ـ نشانهٔ زیر برروی ـکار به‌طور پهن و پررنگ گذاشته شده که می‌توان آن را دو نقطه به‌هم چسبیده نیزانگاشت اما چون سه‌بار دیگر این نشانه به‌همین صورت روی کاف آغازی (کَار: ۱۴ و۵۷:۹ نیکوکَار۵۶:۱۹) دیده شده، ظاهراً دراینجا نیزباید آن را نشانهٔ زیرگرفت.

به « یای پایانی » (ـ ی) آورده شده ، همنشینی این دو « ی » همیشه به‌صورت « یۍ » نشان داده شده است[1] :

ماهیۍ ، ۴۱:۲ ، ۱:۸

نیکوییۍ کی ، ۲۶:۳

پیکیۍ[2] او ، ۷۷:۱۲

نشستیۍ ، ۸:۱۳

نکته‌ای را که باید در اینجا یادگرد اینست که چنانچه پیش از یای پایانی ، نویسهٔ پیوند ناپذیری آمده باشد ، همنشینی دو «ی» به‌صورت « يۍ » نشان داده شده است:

ندیدیۍ : اگر چنانست کی تو برمن نشستیۍ هرگز نیز مرا ندیدیۍ ، ۸:۱۳

بودیۍ : گفتند اکر تو پیغامبر بودیۍ ، ۲۴:۳

ی نکره :

همانطور که در نمونه‌های صفحه‌های پیش دیده شد یای نکره در اکثر موردها با « يۍ »[3] و زمانی هم بدون الف خنجری با « ی » نوشته شده و به‌ندرت (سه یا چهار مورد) مانند نمونه‌های زیر با یائی که دو نقطه در زیر آن گذاشته شده ، آمده است :

شهري ، ۱۸:۱۱

پیري ، ۲۱:۴

دختري ، ۳۳:۲۲

یای نکره پس از واژه‌هائی که به « های ناملفوظ » (های نمایندهٔ واکه : ‍ه ، ه) پایان یافته‌اند به‌جز یك‌جا همیشه و به‌طور یکدست به‌صورت « ۀ » نوشته شده است[4] :

۱ـ نیز نگاه کنید به « يۍ » در بخش پنجم .

۲ـ تنها در این واژه الف خنجری با نمونه‌های دیگر این مورد همانند نیست در اینجا راست‌تر و نازکتر آمده است .

۳ـ الف خنجری در یای نکره بیش از موردهای دیگری که یای پایانی و تنهای آنها این نشانه را دارند ، آمده است .

۴ـ نگاه کنید به « ۀ » دربخش پنجم.

نمونه ۍ ، ۲:۲۰

کشته ۍ ، ۳:۱۱

دست‌مایه ۍ ، ۱۷ـ۶:۱۶

تنها در یك نمونه روی های ناملفوظ نشانهٔ « ء » گذاشته شده است!

فایدهٔ : و این سخون را فایدهٔ باید ، ۵۷:۱۲

یای پیش ازکسرهٔ اضافه نیز در واژه‌ائی‌که به‌های نامفلوظ پایان یافته همواره به‌صورت « ۍ » آمده است:

کناره ۍ ، ۱:۷

کشنده ۍ ، ۳:۱۶

از جمله ۍ ، ۴:۲۱

تنها در دونمونهٔ زیرنوشتن این « ۍ » پس از های نامفلوظ ظاهراً فراموش شده است:

پخانه : بازگرد پخانه اهل خویش ، ۶۸:۲۶

همه : اندر همه قرآن ، ۸۴:۳

مورد ویژهٔ ۍ

این « ۍ » در یك مورد ویژه‌کوچکتر و باریکتر از موردهای دیگر نوشته شده و تنها درهمین مورد درچند جا بی‌نقطه نیزآمده است. در این دستنویس هنگامی‌که داستانی آغاز می‌گردد همواره صورت « و قصهۍ ...[1] » در سرآغاز آن آورده شده است. واژهٔ قصه در اینجا به‌جز یك یا دومورد همیشه به‌صورت کشیده به‌شیوهٔ کوفی نوشته شده و « ۍ » پس از آن مانند نشانهٔ همزه « ء » و چنانکه یادگردیدگاهی هم بی‌نقطه آمده است:

و قصـه ۍ آن ، ۱:۶

۱- گاهی واو عطف افتاده وگاهی هم به‌جای آن واژهٔ « اما » آورده شده است.

و قصـه ۍ و آن[1] ، ۳:۱۰

و قصـه ۍ این ، ۴۲:۱۱ ، ۳۳:۲۰

و قصـه ۍ این ، ۱۲:۱۰

قصـه ۍ انگشتیره ۍ سلیمن ، ۳۴:۱۰

اما قصـه ۍ کشتن ، ۹:۱۸

واژهٔ قصه چنانچه در سرآغاز داستان قرار نگرفته باشد همواره به‌شیوهٔ نسخ و « ۍ » پس از آن نیز به‌طور عادی با دو نقطهٔ زیر آن نوشته شده است:

اینست قصه : ۲:۱۴

و قصه تا پاخر ، ۹:۱۱

و این قصه برتر گفته شده است ، ۱۲:۴

قصه ۍ بنی نظیر[2] ، ۵۴:۱۶

و قصه ۍ این ، ۶۸:۱۳

زنش این قصه با وی بگفت ، ۶۸:۲۴

گونهٔ « ۍ » پس از واکهٔ ā (الف پایانی) به‌ندرت به‌جای « ی ، ي » که همیشه در نقش یای میانجی با کسره اضافه آورده‌شده ، آمده است:

دلهاۍ ما ، ۲۴:۳

سخونهاۍ تو ، ۲۴:۷

باید افزود در موردی‌که در بالا یادگردید به‌طور کلی (و نه همیشه) دوگونهٔ « ی ، ي » کوچکتر از گونه‌های دیگر آمده‌اند و همین کوچکتر بودن آنها موجب می‌گردد

۱- « و » پیش از « آن » تحت تأثیر نخستین « و » به‌طور زائد نوشته شده است.
۲- صورت درست این واژه « بنی‌نضیر » است در متن نیز به‌نظر می‌رسدکه خط عمودی و کم‌رنگ روی ضـ بعداً افزوده.شده است در « بخشی ازتفسیری‌کهن » از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سه بار به‌صورت « بنی‌نظیر » در صفحه ٦ و۲۱ ویك‌بار به‌صورت «بنی‌نضیر » درصفحه ۸۷ آمده است.

که در بررسی‌های سطحی این دوگونهٔ یاد شده با « ي » برابر گرفته شوند مانند نمونه‌های زیر:

درهاي آن مسجد[۱] ، ۳:۲۴

غلافهاي علم ، ۲۴:۱

دلهاي ایشان ، ۲۴:۱۱

پسخونهاي تو ، ۲۴:۱۴

در حالیکه بربنیاد نمونه‌برداری دقیق آماری (با کنارگذاشتن نمونه‌های مشکوك و کمیاب) درمی‌یابیم که جایگاه‌گونهٔ املائی « ي »[۲] همیشه پس از واژه‌هائی است که به‌های ناملفوظ پایان یافته‌اند[۳].

بی چه در نقش پیشواژه و چه هنگامی که در نقش پیشوند صفت‌ساز آمده به‌جز در یکی دو مورد همیشه یای پایانی آن همراه با دو نقطه درونی و الف خنجری است[۴] :

بی رضای مادر ، ۹:۱۰

بی خبر ، ۱۱:۱۲

تنها در نمونهٔ زیر پیشوند بی با یائی‌که دو نقطه در زیر دارد ، آمده است :

بي گمانی ، ۱۳:۱۵

در یك مورد نیز با یای برگشته دیده شده است :

بےگمان ، ۶۳:۲۱

۱ - برای این واژه نگاه‌کنید به‌گراورصفحهٔ سوم در پایان پیشگفتار این دفتر وبسنجید با« ي » در واژهٔ « وادي » در سطر سیزدهم همان‌گراور .

۲- نگاه‌کنید به‌نمونه‌های « ي » درصفحه‌های پیش.

۳ - باید افزود که تمام نمونه‌هائی را که برای این نمونه‌برداری گردآوری شده‌اند در زیر نویسهٔ « ي » در بخش پنجم نیاورده‌ایم بلکه از هردسته به‌آوردن چند نمونه بسنده کرده و تنها به‌بهرهٔ این پژوهش در اینجا اشاره نموده‌ایم .

۴- نگاه‌کنید به « بی » در بخش پنجم و « بی - » در بخش ششم .

چی همیشه با « ـ ی » و بدون الف خنجری آمده و هیچ‌گاه با یای برگشته (ے) یا یائی که در زیرش دو نقطه‌گذاشته شده (ـ ي) نیامده است[۱] . باید یادآور شد که در این دستنویس صورت « چه » بیشتر از « چی » دیده می‌شود به‌طوریکه شمارهٔ « چه » با های ناملفوظ نسبت به‌این « چی » که شمارهٔ آن از دوازده نمی‌گذرد نزدیك به‌سه برابر می‌رسد :

چی، ... ؛ ۵۷:۹ ؛ ۵۴:۲۶ ؛ ۴۷:۲۶ ؛ ۳۶:۱۹ ؛ ۲۲:۲۲ ؛ ۷:۳ ؛ ۲:۱۲

چه، ۱۲:۲۰ ؛ ۱۱:۱۴ ؛ ۹:۶ ؛ ۷:۸ ؛ ۵:۹ و ۲۱ ؛ ۴:۲۴ ؛ ۳:۶

... ؛ ۱۹:۱۳

تنها در دومورد ، زیر « چی » الف‌کوچکی گذاشته شده‌که دراصل نشانهٔ « زیر » چ بوده است[۲و۳] :

چی ، ۷۷:۸ ؛ ۵۵:۲۴

کی ربط و موصول برخلاف چی که بیشتر با های ناملفوظ آمده در اکثر موردها با یای مجهول نوشته شده است و در برابر نزدیك به‌هزار بار[۴] که « کی » آمده کمتر از سیزده یاچهارده بار که با های ناملفوظ دیده شده است[۵]. اگر به‌طور نظری بخواهیم میانگینی از نظر پراکندگی « کی » در هرصفحه داشته باشیم عدد ده را بدست خواهیم آورد، در حالیکه در عمل نیز می‌بینیم در هرصفحه « کی ، کے ، کي » کمتر از شش بار نیامده است. باید افزود که تنها در دو صفحه فاصله زیادی با میانگین یاد شده دیده مشاهده می‌شود ، بدین ترتیب کـه در صفحهٔ ۱۸ چهاربار[۶] و در صفحهٔ ۵۱

۱- نیز نگاه‌کنید به « چی » در بخش پنجم .

۲- نگاه‌کنید به‌نشانهٔ « زیر » در « آوانمائی و نشانه‌گذاری » در بخش چهارم .

۳- آوردن نشانهٔ زیرشاید به‌خاطر اندك تفاوت معنائی میان این مورد با موردهای دیگر بوده‌که احیاناً موجب دگرگونی فراگوئی (تلفظ) نیز شده است نگاه‌کنید به‌بخش پنجم .

۴- به‌عبارت دقیق‌تر ۹۶۸ بار.

۵- نگاه‌کنید به« که» در بخش پنجم .

۶- در سطر سیزدهم همان صفحه یك‌بار نیز به‌صورت « که» آمده است .

بیست ودوبار آمده است . با شگفتی باید گفت که دربرابر مجموع ۹۶۸ «کي، کی، کي، کیٖ» که ظاهراً می‌بایست برروی اکثر آنها نشانهٔ یای مجهول یعنی الف‌خنجری گذاشته شده باشد تنها یك‌بار «کی» با الف خنجری دیده شده است !:

کیٰ، ۴۶:۱۰

بنابراین نسبت آن را باید یك در هزار به‌شمار آورد. بیش از نود وشش درصد «کی»ها بایائی که درون آن دونقطه گذاشته شده است آمده‌اند (کي) وحدود یك درصد به‌صورت «کي» و نزدیك به‌دو درصد با یای برگشته (کے) دیده شده‌اند.

تنها در یازده مورد زیر، دو نقطه در زیر «کی» گذاشته شده است:

کي، ۲۷:۲۶؛ ۲۵:۷؛ ۲۱:۱۸؛ ۱۹:۲؛ ۱۷:۱۸؛ ۱۲:۲۶؛ ۲:۱۰
۵۰:۱۳؛ ۴۰:۷؛ ۳۷:۱؛ ۲۸:۱۶

شماره‌های زیر نماینده پاره‌ای از نمونه‌هائی است که در آنها «کی» با یای برگشته نوشته شده است:

کے، ...؛ ۶۵:۱۰؛ ۲۵ و ۱۷ و ۴۰:۱۲؛ ۱۶ و ۳۹:۱۴؛ ۱۴ : ۱۹؛ ۳:۳

می، پیشوند فعلی که همواره جدا از فعل پس از خود نوشته شده، به‌جز در سه یا چهار مورد همیشه با یائی که دو نقطه درون آن گذاشته شده، آمده است و بربالای یای پایانی آن در بیشتر موردها الف خنجری به‌چشم می‌خورد[1]. باید یادآور شد که گاهی نیز با یای برگشته دیده شده، اما در این حالت به‌ندرت برروی آن الف خنجری گذاشته شده است:

مےشود، ۱:۲۰

در نمونه‌های زیر دو نقطه در زیر می گذاشته شده است:

مي‌آمدند، ۴:۱۱
مي‌غلطانید، ۷:۲

۱ـ نگاه کنید به «می» در بخش ششم.

مي‌کردند، ۲۰:۲۱

پیشوند فعلی همي که شمارهٔ آن دربرابر «مي» اندك است بیشتر با «ـی» و به‌ندرت با «ـي» (مانند دو نمونهٔ زیر) آمده و دوگونهٔ «ي، ے» در این پیشوند دیده نشده است[1]:

همي‌ستود، ۳۶:۸
همي‌شد، ۷۴:۱۰

۶ـ در گروه آوائی ay که امروز به‌جای آن ey فراگو می‌شود در بیشتر موردها روی «ی» نشانهٔ «سکون» و روی نویسهٔ پیش از آن نشانهٔ «زبر» گذاشته شده است:

پیْ، ۶۷:۱۱؛ ۴۸:۶
کیْ، ۳۲:۲۵
میْ، ۹۱:۲۰؛ ۲۷:۱۰
بیدخت، ۴۳:۸
میل، ۴۵:۸
ویل، ۱۳:۱۹
واویل، ۱۳:۲۳

«ی» در ضمیر سوم شخص «وی» و واژهٔ ندای «ای» و حرف تفسیر عربی «ای» به‌جز در یك یا دو نمونه همیشه بدون نشانه دیده می‌شود:

وی، ۲۰:۲۳؛ ۱۷:۳؛ ۹:۲۱؛ ۲۵ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۹ و ۷ و ۳ و ۸:۱؛ ۱:۹
۲۱:۸؛ ...

۱ـ نگاه کنید به همی در بخش ششم.

ای جوان[1] ، ۸:۲۶

ای ، ... ؛ ۱۹ و ۱۰:۱۲ ؛ ۲۲ و ۱۱:۱۵ ؛ ۱۳ و ۱۰:۱۱

اې ، ۱۰:۱۰

در دو مورد زیر ، « وی » و « ای[2] » نشانهٔ « زبر » و « سکون » دارند :

باوَیْ : غزوکرد با وَیْ او را بکُشت ، ۳۵:۱۳

از وَیْ : و آن حال از وَیْ دفع کرد ، ۴۳:۱

اَیْکی : اَیْکی فَرویش کار نیست ، ۱۱:۱۳

اَیْ : اَیْ بباش چنانك او خواهد بباشد ، ۶۲:۲۲

۷ـ همچنین درگروه آوائی ây و uy روی گونه‌های « ی ، ې ، ي » هیچ نشانه‌ای گذاشته نشده است :

برپای دار'ید ، ۵۴:۲۱ ؛ ۱۷:۶

پاي وه ، ۲۰:۳

جای ، ... ؛ ۲۸:۱۳ ؛ ۷ و ۲۴:۱ ؛ ۸:۱۴

جاي ، ۲۴:۱۳

چهارپای ، ۱۷:۱۵

راه‌نمای ، ۳۲:۴

خدای ، ۸:۹

وای ، ۳:۲۱

همی‌آی ، ۱۰ ـ ۷۴:۹

اوې ، ۳ و ۱۰:۱

۱ـ نگاه‌کنید به « ای » در بخش پنجم .

۲ـ یك‌بار نیز در سطر چهاردهم از صفحهٔ ۳۳ چاپ عکسی نقطهٔ پهنی برروی « ای » دیده می‌شود که ممکن است نشانهٔ سکون باشد .

اوی ، ۲۴ و ۶ و ۳۱:۵ ؛ ۱۳:۲۰

بگوی ، ۳۱:۲۳ ؛ ۶:۲۱ ؛ ۱:۱۱

بگوي ، ۲۹:۱۸

روی ، ۳۸:۹ ؛ ۱۷:۲۰

شوی ، ۲۱:۱۰

موی ، ۵ و ۴ و ۳ و ۲۲:۲ ؛ ۸:۵

۸ـ صفت «تعالی» دربیش ازهشتاد درصد موردها به‌صورت «تعلی» نوشته شده و در آن الف مقصور با یائی‌که دو نقطه در درون دارد (ی) بدون هیچ نشانهٔ دیگری آمده است :

ایزد تعلی ، ۴:۴ ؛ ۳:۱۰ ؛ ۲۵ و ۱:۱۰

ایزد تعالی ، ۳۲:۲۵ ؛ ۲۲:۲۶

خداوند تعلی ، ۷:۱۳ ؛ ۵:۱۰ ؛ ۷ و ۳:۳

خداوند تعالی ، ۱۱:۱۲

نامهای ویژهٔ « موسی » و «عیسی» که در این تفسیر کاربرد فراوانی داشته هرگز با یای برگشته (ې) نوشته نشده است و نیز الف خنجری در نام «موسی » تنها سه بار و در نام « عیسی » تنها یك‌بار دیده شده است :

موسی ، ۳۴:۱ ؛ ۱۳:۲۵

پموسی ، ۸۰:۶

عیسی ، ۲۳:۴

این‌گونهٔ « ـ ي » در نام موسی هرگز دیده نشده[1] و در عیسی تنها یك‌بار آمده است :

عیسي ، ۲۱:۸

۱ـ در سطر دوم از صفحهٔ ۴ چاپ عکسی یك خط‌خوردگی یا دست‌بردگی در نام موسی به‌نظر می‌رسد که در آن هرسه‌گونه (ې ، ی ، ي) به‌طور درهم نوشته شده است ، از این‌رو این نمونه را کنار گذاشته‌ایم .

بخش سوم

نقطه‌گذاری نویسه‌ها

از دیدگاه نقطه‌گذاری نویسه‌ها «تفسیر قرآن پاك» یکی از دستنویس‌های برگزیده و درخور بررسی است زیرا از یك سو برخلاف برخی از دستنویس‌های کهن که در آنها یك نقطه زیر نویسه‌های د ، ر و مانندآن ، برای تمایز از ذ ، ز و نویسه‌های مشابه و سه نقطه زیر س برای تمایز از ش گذاشته شده[1] در این تفسیر مانند املای امروز زیر این نویسه‌ها نقطه‌ای دیده نشده است . ازسوی دیگر برخلاف رونویسگران پیشین که زیاد پایبند آوردن نقطه‌های تمایزدهنده نبوده و بیشتر نویسه‌های «پ ، چ ، ژ» را بایك نقطه مانند «ب ، ج ، ز» می‌نوشته‌اند[2]، نویسنده یا رونویسگراین‌تفسیردر گذاشتن نقطه‌ها و بویژه درمورد نویسه‌هائی‌که یك نقطه دارند[3] (ب ، ج ، خ ، ز ، ن) بسیار دقیق بوده به‌طوریکه درعکس تنها در چهار جا نقطه‌ای روی‌ن دیده نمی‌شود:

۱ـ مانند «الابنیه‌عن حقایق‌الادویه» به‌خط اسدی طوسی در ۴۴۷ هجری محفوظ در کتابخانهٔ ملی وین .

۲ـ مانند « تفسیر قرآن مجید » نوشته شده در ۶۲۸ هجری ، محفوظ درکتابخانه دانشگاه کمبریج و « تفسیر سورآبادی » نوشته شده در ۵۲۳ هجری محفوظ درکتابخانه دیوان هند در لندن .

۳ـ البته به‌جز ذالهای فارسی ، نگاه‌کنید به‌بخش نخست .

پدران ، ۲۸:۷

در باطن ، ۸۲:۶

ازین ، ۸۳:۸

پدین ، ۸۹:۱۰

همچنین تنها یك‌بار نقطه‌ای زیر ج در جفت و بربالای خ در سخت بچشم نمی‌خورد :

پحفتی : ازیراك فرزند جوی حاجتمند بود پحفتی ، ۶۰:۲۵

پسحتی : دلهاي شما چون سنگهاست پسحتی ، ۱۱:۳

یك‌بار نیز روی ز در واژهٔ بهزیر ظاهراً نقطه‌ای گذاشته نشده است :

پریر زمین ، ۷۲:۲۴

نقطه‌های نویسه‌های دونقطه‌ای (ت ، ق ، گ ، ی ، ې) به‌طور کلی در یك خط افقی وگاهی هم با شیب کمی درکنار یك دیگر گذاشته شده است وهیچ‌گاه این دو نقطه به‌طور عمودی روی هم قرار نگرفته‌اند . نقطه‌های پ ، چ در برخی از موردها به‌طوری فشرده آورده شده که در عکس مانند این شکل ‥ وگاهی هم مانند یك نقطه پهن دیده می‌شود برای نمونه نگاه‌کنید به‌چند واژهٔ زیر درگراور صفحهٔ سوم در پایان پیشگفتار :

پند ، ۳:۳

پیر ، ۱۴ و ۳:۱۳

پخون ، ۳:۲۵

آنچ ، ۳:۲

ازانچ ، ۳:۲۳

چه ، ۳:۶

چنان ، ۳:۱۰

چون ، ۲۴ و ۱۸ و ۳:۱۶

در بیشتر موردها نقطه‌های « پ ، چ » همانند نقطه‌های « ث ، ش » به‌یك شیوه گذاشته شده و به‌سختی دیگر سر مثلثی که از این سه نقطه پدید آمده در پائین نویسه نیز رو به‌بالاست (ٿ ، ٻ) برای نمونه نگاه‌کنید به‌صورت اصلی واژه‌های زیر در گراور صفحهٔ سوم :

پس ، پنجاه ، ۳:۱۴

پخداي عز وجل ، ۳:۱۵

پهن جای ، ۳:۲۰

برانج ، ۳:۲۱

سر مثلث پدید آمده از نقطه‌های پ ، چ به‌ندرت[1] مانند روش کنونی رو به‌پائین است :

پ :

پداود ، ۱:۱۰

پدین ، ۲:۲۵

پستر ، ۹:۱۷

پرستش ، ۳۵:۲۲

پغایت ، ۳۵:۱۴

پقرآن ، ۶۵:۱۵

پیغامبر ، ۸۵:۲۵

پدین ایشان ، ۸۹:۱۷

چ :

چنین ، ۲۳:۵

بچه ، ۴:۱۲

۱ـ کمتر از یك درصد .

نقطه‌های «ت ، ث ، ژ ، ش ، ڤ ، ق ، ی ، ی» برخلاف «پ ، چ» تقریباً در همهٔ موردها به‌طورگسترده و روشنی آورده شده‌اند . نویسه‌های «ب ، ت ، ث ، ن[1]» هنگامی که در پایان واژه واقع می‌شوند چه به‌صورت پایانی و چه به‌صورت تنها نقطه‌هایشان در سوی راست نزدیك مکانی که نوشتن نویسه از آنجا آغاز شده گذاشته شده است :

آب ، ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱:۱۰

شب ، ۸:۷

جواب ، ۳۱:۸

فرموده است ، ۳:۸

نزدیك‌ترست ، ۳:۱۲

پمیراث ، ۱۰:۵ ؛ ۳:۲۱

میراث ، ۱۰:۷

بعث ، ۱۰:۱۸

آن را ، ۳:۲۲

ایز مرد ، ۳:۲۳

ونیز بایدافزودکه دراین دستنویس نقطه‌های «ژ ، ڪ ، ڤ»[2] از دیگر نویسه‌ها مشخص‌تر و روشن‌تر گذاشته شده است به‌طوریکه درنخستین نگاه «ژ و ڤ» از «ز ، ف» بازشناخته می‌شوند .

۱- نیز نگاه‌کنید به‌نویسهٔ « ن » درنخستین بخش.

۲- نیز نگاه کنید به « ژ ، ڪ ، ڤ » در بخش نخست.

بَاژْوانی ، ۲۱:۳

با ژبان ، ۲۱:۱۸

اژدها ، ۲۸:۱

مژده‌دهنده ، ۳۲:۴

مژدکان دهنده ، ۳۲:۵

دوژخیان ، ۱۴ و ۱۳ و ۸ و ۳ : ۶۴

هژده سالکی ، ۷۷:۷

همانطورکه در پیشگفتار یادگردید در پاره‌ای از صفحه‌های نسخهٔ عکسی نقطه‌های ناشناخته‌ای به‌چشم می‌خوردکه‌گاه با افزوده شدن به‌نقطه‌های اصلی خواننده را از داوری درست در بارهٔ نقطه‌گذاری نویسه‌ها بازمی‌دارد اما باید گفت که بیشتر این نقطه‌ها یا در خودکاغذ وجود داشته و یا هنگام عکس‌برداری به‌وجود آمده و یا از سوی‌کس دیگری افزوده شده است مانند نیمهٔ نخست از سطر یکم در صفحهٔ سوم نسخهٔ عکسی .گاهی در موردهائی که دو نقطه می‌بایست‌گذاشته شود مرکب یا گوشهٔ قلم به بیرون از جایگاه اصلی یکی از دو نقطه برخوردکرده و ظاهراً در عکس نقطهٔ سومی را تشکیل داده است[1] مانند نقطه‌های « ز ، گ ، ی ، ی » در نمونه‌های زیر :

ز : فرژند[2] ، ۶۰:۲۵

گ : گرفتند ، ۴:۱۷

گور ، ۲۱:۱۴

نگرفتی ، ۳۸:۱۸

۱- باید یادآور شدکه در این مورد و در همه موردهای دیگری‌که وابسته به‌نقطه‌گذاری است نتیجه‌هائی‌که از نسخه‌های چاپ عکسی بدست می‌آید ازجهت پررنگ یا کم‌رنگ بودن مرکب چاپ، ممکن است اندکی با هم متفاوت باشند .

۲- واژهٔ « فرزند » در همان سطر و در سطر بعدی از صفحهٔ ۶۰ و نیز در صفحه‌های ۶۱ و ۶۶ و ۶۷ و ۷۷ و ۷۸ و ۹۰ از نسخهٔ عکسی بیش از بیست‌بار آمده‌که تمام آنها با «ز» نوشته شده‌اند .

چگونه ، ۶۴:۱۲

پ : گوپند ، ۸۵:۱۶

پاران ، ۸۴:۱۹

ی : شیرخوارگی ، ۴۰:۲۱

هرکی ، ۴۱:۱۵

هرکی ، ۴۷:۹

نشایدکی ، ۵۰:۲۴

اوی ، ۸۵:۱۶

از همین روی‌گاهی یك نقطه مانند دو یا سه‌نقطه به‌نظر می‌رسد مانند نقطه‌های « ب ، ج ، خ ، ن » در نمونه‌های زیر:

ب : روز یکشنبد ، ۱:۱۸

پیامهای ایشان ، ۲:۳

پدانند ، ۳:۳

کارپند ، ۶۵:۱۳

پی‌دادگرتر ، ۸۳:۷

ج : می‌چنبانیدندی ، ۲:۶

خ : پدوژخ ، ۵۸:۱

خ : خود ، ۸۵:۲۵

ز : ثباید ، ۳:۴

اندر ، ۳:۱۹

زنده ، ۲۱:۱

ن : ایژ ، ۴۱:۲۰

و نیز یك‌بار در واژهٔ یك دو نقطهٔ زیر « ی » مانند سه نقطهٔ افقی به‌نظر رسیده است:

پك دیگر ، ۴۳:۱۴

در برابر نکته‌های یاد شده در بالا بایدگفت به‌ندرت موردهائی را نیز می‌توان یافت که سه نقطه مانند یك نقطه به‌نظر می‌رسد مانند نقطه‌های پ و چ در نمونه‌های زیر[1] :

پ :

نوسپاسی ، ۲۵:۱۹

پستر ، ۴۹:۱۸

پسری ، ۶۰:۱۷

پستان ، ۷۴:۱۴

پدر ، ۹۲:۲۲

چ :

چون ، ۱۰ و ۶۰:۹

نه چنانست ، ۶۱:۷

بچگان ، ۶۷:۱۹

۱ـ نیز ممکن است رونویسگر تحت تأثیر دستنویسی که از روی آن می‌نوشته ، به‌طور ناخودآگاه به‌جای سه‌نقطه یك نقطه‌گذاشته باشد .

بخش چهارم

آوانمائی و نشانه‌گذاری

در این دستنویس در برخی از موردها برای فراگوئی درست بیشتر واژه‌های عربی‌که وارد این متن شده و نیز درپاره‌ای از واژه‌های فارسی واکه (مصوت)‌های a ، e ، o ، ē ، i وهمخوان (صامت)‌های مشدد با «زبر ، زیر ، پیش ، سکون ، الف خنجری» و نشانهٔ تشدید مشخص شده‌اند .

چنانکه شرح‌آن خواهد آمد نشانه‌هائی‌که برای آوانمائی (ضبط تلفظ) به‌کار رفته‌اند درهمهٔ موردها یکدست به‌نظر نمی‌رسند و دور نیست‌که پاره‌ای ازاین نشانه‌ها ازسوی‌کس دیگری به‌جز رونویسگر اصلی گذاشته شده باشند وازهمین روی چگونگی آمدن‌آنها را در واژه‌های نشانه‌دار (کلمات مشکول) با نمونه‌های زیر به‌طورجداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم :

۱- الف خنجری[۱] که در بیشتر موردها به‌صورت « ٰ » آمده است به‌ندرت به‌شکلی نزدیك به این نشانه « ٖ » دیده می‌شود[۲] :

۱- نگاه‌کنید به‌الف خنجری در نویسهٔ « ی » در بند ۵ از بخش دوم .

۲- در این مورد با اینکه در شکل نشانه تغییری مشاهده می‌شود، به‌نظر می‌رسد که با همان قلمی که متن را نوشته‌اند این الف خنجری گذاشته شده است .

نانیِ ده ، ۳۸:۱۰

کشته‌ایم ، ۴۲:۱

جعودانیم ، ۵۵:۱۸

هردزدی را ، ۶۱.۲۰

طواف می‌کردند ، ۷۲:۲۱

یك‌بار نیز نشانهٔ پیش به‌همین صورت دیده شده است :

ببرد ، ۷:۱۶

گاهی برای نشان‌دادن واکه‌های u ، o و ō (واو مجهول) روی و نشانهٔ پیش یا الف خنجری گذاشته شده است[1] برای نشان‌دادن واکهٔ o در میان و پایان واژه به‌جز در دو واژهٔ دنیا و بنا که تقریباً همیشه با الف خنجری آمده‌اند در موردهای دیگر به‌ندرت الف کوتاه یا الف خنجری به‌کار برده شده است :

دنیا ، ... ؛ ۷۱:۱۲ ؛ ۲۴ و ۴۳:۲۳ ؛ ۱۹:۲۰

بنا ، ۷۴:۱۸ ؛ ۶ و ۵ و ۷۳:۱ ؛ ۱۹ و ۷۲:۱۱ ؛ ۷۱:۲۰ ؛ ۶۹:۱۹

بابل ، ۳۱:۱۲

باین ، ۴۶:۳

زنـا ، ۱۶ و ۴۵:۱۵

ساخت ، ۷۳:۲۴

ساکن ، ۲۴:۵

۲ـ نشانهٔ زبربیشتر به‌صورت مایل وبا شیب کمی ازراست به‌سوی چپ « ـَ »

۱ ـ نگاه‌کنید به‌واکهٔ u و ō در بخش دوم و به «نشانهٔ پیش» در همین بخش .

روی برخی از واژه‌ها گذاشته شده است :

أسکرد[1] ، ۱۷:۷

بد ، ۵۴:۷ ؛ ۴۸:۱ ؛ ۲:۱۰

بدل ، ۲۳:۱

بها و جمال ، ۴۱:۴

خزرج ، ۱۸:۱۶

رمه ، ۷:۷

رود ، ۸۶:۱۲

مذبح ، ۳۷:۹

معاودت ، ۵:۷

وَحْی ، ... ؛ ۱۰:۷ ؛ ۳:۱۰ ؛ ۱:۱۱

برروی واژهٔ « ده » همواره نشانهٔ زبرگذاشته شده است :

ده‌گان و پنجگان ، ۲:۵

و این ده خصلت ، ۶۶:۱۰

چهار ماه و ده روز ، ۵۰:۳

برروی واو عطف نیز به‌ندرت نشانهٔ زبر دیده می‌شود :

وکم و بیش ، ۲:۵

و قصـه ‌ی ، ۳:۱۰

و جهت قبله ، ۶۰:۸

۱ ـ به‌معنی « واجب » آمده است .

در یك مورد نشانهٔ زبر مانند الف کوتاه گذاشته شده است :

خون بها[1] ، ۳:۱۷

در پاره‌ای از واژه‌های عربی برای نشان‌دادن واکهٔ ة نویسهٔ پیش از الف با نشانهٔ زبر آمده است :

روا ، ۸۷:۱۲

سحاب ، ۱۳ و ۸۷:۱۲

سما ، ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۸۷:۱۱

هاجر ، ۲۰ و ۱۹ و ۷۳:۱۶

در این مورد ویژه ، نشانهٔ زبر به‌ندرت مانند الف خنجری گذاشته شده است[2] :

ندا ، ۷۳:۸

۳ـ نشانهٔ زیر که در برابر نشانه‌های « زبر » و « پیش » بسامدکمتری دارد به‌دوگونه آمده است در برخی از موردها و بویژه برای نشان‌دادن کسرهٔ اضافه به‌طور مایل (ـِ) و نیز به ندرت به‌طور افقی در زیر برخی از واژه‌ها گذاشته شده وگاهی نیز مانند الف خنجری تقریباً به‌طورعمودی زیر پاره‌ای از نویسه‌ها قرارگرفته است.

نشانهٔ « زیر » در این نمونه‌ها به‌صورت مایل دیده شده است:

امر مادر ، ۸:۱۳

در شارستان دیگر ، ۲:۱

زرد زرد ، ۵:۱۱

سر او را ، ۲۲:۲

۱ـ به‌سنجید با واژهٔ « بها » در چند سطر بالاتر .
۲ـ نیز نگاه‌کنید به‌واکهٔ ة با « الف خنجری » در بند ۱ از همین بخش .

مادر خود را ، ۹:۸

مرگ فرزند ، ۷۴:۱

اناهید ، ۴۳:۹

نان ده ، ۳۸:۱۰

کم علم‌تر ، ۱۲:۱۱

ملك ، ۳۸:۲۴

نبی ، ۲۷:۱۸

در این دو نمونه نشانهٔ زیر به‌طور افقی گذاشته شده است:

ده ، ۳:۱۲

بنه ، ۶۸:۱۱

نشانهٔ « زیر » در نمونه‌های زیر مانند الف خنجری و تقریباً به‌طور عمودی در زیر نویسه‌ها گذاشته شده است :

ازان ده ، ۳:۱۲

دهش ، ۱۶:۲۶

دیت ، ۳:۲۶

شرك ، ۷۵:۷

عز ، ۳۴:۱۲

علم ، ۲۴:۱

مسلم ، ۷۹:۱۸

ملك ، ۲۴ و ۲۳ و ۵۱:۲۲

منكر ، ۵۶:۱۰

نبی ، ۲۴:۲۱

هند ، ۷۲:۱۰

گاهی برروی یای پایانی وتنها، نشانهٔ سکون و در زیر نویسهٔ پیش‌ازآن به‌جای نشانهٔ زیر، الف خنجری آورده شده است تا نمایندهٔ « یاء ماقبل مکسور » یا واکهٔ i (یاء مدی) باشد :

بی‌آبی ، ۱۰:۲۵

چی ، ۷۷:۸ ؛ ۵۵:۲۴

سیف ذی‌یزن ، ۶۵:۱۲

روزی : ۷۱:۸

راه‌بری : ۷۲:۱۰

زهی ، ۱۷:۱۶

کبی . ۲:۵

وادی ، ۷۴:۴

ولی ، ۳۱:۷

نکتهٔ یاد شده در بالا را در مورد یای آغازی و میانی نیز به‌ندرت می‌توان یافت :

بد ایمانا ، ۲۹:۵

سین ، ۸۰:۲۶

۴ـ نشانهٔ پیش در بیشتر موردها به‌صورتی مانند الف خنجری ولی راست‌تر از آن نمایان می‌شود اما گاهی نیز درست مانند « واو » کوچکی بربالای نویسه نوشته شده است .

در واژه‌های زیر نشانهٔ پیش مانند الف کوتاه به‌چشم می‌خورد :

امت ، ۸۵:۱۳

بت ، ۳۷:۲۶ ؛ ۳۶:۱۹

برده ، ۲۲:۲۳

پرزر ، ۹:۱۰

پشت ، ۳۲:۲۱

حکمه ، ۵۷:۲۶

خرد ، ۳۱:۱۳ ؛ ۴:۲۴ ؛ ۳:۴

خفتن ، ۱۷:۹

علما ، ۴۴:۲۳

فرمان‌بردار ، ۱۲ و ۱۶:۱

کتب ، ۴۱:۱۲

کشته ، ۱۰:۱۴

کهن ، ۲۱:۲۲

مرده ، ۲۰:۲۶

مزد ، ۱۶:۲۰

در نمونه‌های زیر نشانهٔ پیش درست مانند « و » گذاشته شده است :

برد ، ۳:۲۴

بیدُخت ، ۴۳:۸

خُشك ، ۷۳:۲۶

زُهاد ، ۳۵:۱

سُبك ، ۴۴:۲۴

عُمر ، ۱۵:۳

کُشته ، ۳:۱۱

کُهن ، ۷۳:۲۴

مُرده ، ۲۱:۷

نُصرت ، ۲۵:۲

نشانهٔ پیش را در واژه‌های فارسی بیشتر ازهمه درساخت‌های فعل‌های **کشتن** ، **بردن** ، **مردن** و ساخت امر فعل **کردن** می‌توان دید :

کُشتن ، ۲۹:۶ ؛ ۲۷:۱۶ ؛ ۱۸ و ۹:۱۶

کُشته ، ۲۷:۲۱ ؛ ۵:۲۵ ؛ ۳:۱۱

بکُشت ، ۹:۲۱

بکُش ، ۱۰:۷

کُشنده ، ۱۰:۷

بُرده بردن ، ۷۰:۲۴ ؛ ۶۷:۱۹

تاراج بُردن ، ۶۷:۱۹

ببُرد ، ۷:۱۶

بُرد ، ۷۴:۱۱ ؛ ۴۶:۱۴ ؛ ۳۷:۶ ؛ ۹:۲۲ ؛ ۳:۲۴

بُرده ، ۱۵ و ۴۴:۱۳ ؛ ۲۲:۲۳ ؛ ۶:۲۰

فرو بُردند ، ۳۸:۲۶

فرمان‌بُردار ، ۷۸:۲۱ ؛ ۷۵:۸ ؛ ۲۳ و ۲۸:۱۰ ؛ ۱۲ و ۱۶:۱

مُردن ، ۷۷:۲۵

مُرد ، ۲۳:۷

مُرده ، ۵۰:۱ ؛ ۴۹:۲۱ ؛ ۴۰:۲۲ ؛ ۲۲:۸ ؛ ۲۱:۷؛۲۶ و۱۸:۲۰ ؛ ۱۰:۲۱

بمُرده باشد ، ۱۶:۲۴

بناکُن ، ۷۳:۱

دعاکُن ، ۲۲:۶

زنده کُن ، ۲۱:۲۳

سلام‌کُن ، ۹:۹

شتاب مکُن ، ۱۴:۹

شرط‌کُن ، ۸:۲۴

قربانی بکُن ، ۳۷:۱۹

یادکُن ، ۷۴:۲۵ ؛ ۷۱:۱۸ ؛ ۷۰:۲۱ ؛ ۱۶:۷

گاهی نیز بر روی پیشوند فعلی بـ (بای تأکید) نشانهٔ پیش گذاشته شده است:

بُباش ، ۲۲ و ۶۲:۱۷

بُبْرِ ، ۸:۲۴

بِبینلم ، ۵۲:۱۹

بشد ، ۳۸:۲۶

۵ـ نشانهٔ سکون تقریباً همیشه مانند دایرهٔ توخالی بسیار کوچکی گذاشته شده است که‌گاه در عکس به‌صورت یك نقطهٔ گرد توپر به‌نظر می‌رسد[1] :

پرواز ، ۷:۱۵

خزرج ، ۱۸:۱۶

دست ، ۲۱:۱۲

زر ، ۵۲:۲۱

فراست ، ۳۸:۱۸

مذبح ، ۳۷:۹

نسخ ، ۸۶:۲۴

۶ـ نشانهٔ تشدید به‌جز در دو مورد که شرح آن در زیر خواهد آمد در بیشتر موردها گذاشته شده‌است. این نشانه بیش از همه برروی واژهٔ **اما** دیده می‌شود :

امّا ، ۲ و ۱۱:۱ ؛ ۱۸ و ۱۷ و ۹:۱۵ ؛ ۱۹ و ۶:۱۲ ؛ ۱۷ و ۴:۱ ؛ ۳:۱۷

۱۷:۱۹؛۲۱:۱۴ ؛ ۲۳:۷ ؛ ۲۴:۱ ؛ ...

امّت ، ... ؛ ۳۲:۲۶

اوّل ، ۴۹:۲۴ ؛ ۴۲:۲۶

ایّام ، ... ؛ ۳۶:۱۱ ؛ ۱:۷

۱ـ نیزنگاه‌کنید به‌گروه آوائی ay دربند۶ از بخش دوم وبه‌نشانهٔ سکون در پایان شرح «نشانهٔ زبر» .

بقیّت ، ۸:۱۶

قصّه ، ... ؛ ۳:۱۰

متکبّر ، ۳۴:۱۶

نیّت ، ... ؛ ۷:۱۳

در ساخت‌های ببرم و نبرند از فعل بریدن نیز نشانهٔ تشدید آورده شده است :

ببّرم ، ۴۸:۸

نبرّند ، ۲۱ و ۶۱:۲۰

نبرّند ، ۲۳ و ۶۱:۲۲

در ترکیب‌های عربی « صلی‌الله‌علیه‌وسلم » و « عزوجل » که هردو فراوان به‌کار رفته‌اند هیچ‌گاه نشانهٔ تشدید یا نشانه‌های آوانمائی دیگر دیده نشده است !

صلی‌الله علیه و سلم ، ۲۴:۲۲ ؛ ۱۸:۱۲ ؛ ۲ و ۱۷:۱ ؛ ۱۲:۷ ؛ ۵:۱۶

... ؛ ۲۵:۲۶

صلی‌الله علیه وسلم، ۲۳ و ۸ و۴۸:۳ ؛ ۱۰ و ۳۳:۱ ؛ ۳۰:۲۶ ؛ ۱۳:۲۲

... ؛ ۵۶:۲

عزوجل ، ...؛ ۱۹:۱ ؛۱۵:۱۴ ؛ ۱۳:۴ ؛ ۱۱:۲۶ ؛ ۹:۸ ؛ ۵:۲۴ ؛ ۴:۳

تنها در یك مورد وبژه روی جل نشانهٔ تشدیدگذاشته شده است :

جل‌جلاله : و خواست اوراست جلّ‌جلاله ، ۹:۱۸

۷ـ نشانهٔ « ۷ » :

در برخی از دستنویسهای کهن[1] بالای نویسهٔ ر برای بازشناختن از نویسه‌های

۱ـ مانند « هدایةالمتعلمین فی‌الطلب » رونویس شده در سال ۴۷۸ هجری، محفوظ درکتابخانهٔ بادلیان آکسفورد وبویژه «ترجمان‌البلاغه رادویانی » رونویس شده در سال ۵۰۷ هجری، محفوظ درکتابخانه فاتح استانبول .

همانندآن نشانهٔ «۲» یا «۷» گذاشته شده است ، اما دراین دستنویس تنها در نُه جا این نشانه روی ر دیده می‌شود ! :

زرد ، ۵:۱۲

روان ، ۱۱:۶

کردم ، ۲۳:۲

بنگرم ، ۵۸:۲۴

بسیار ، ۶۳:۳

مرورا ، ۷۴:۲۳

رحمةالله علیهم ، ۸۶:۲۵

مرایمان را ، ۸۷:۷

پدر ، ۹۲:۲۲

۸ـ نشانهٔ « ○ » :

پس از پاره‌ای از عبارت‌ها وآن‌هم نه به‌طور یکدست ، نقطه‌ای‌که پیرامون‌آن دایرهٔ‌کوچکی (وگاهی هم مانند ٥) کشیده شده به‌چشم می‌خورد. این نقطه در بیشتر موردها پایان جمله یا عبارت را نشان می‌دهد :

برما فسوس می‌کنی ○، ۳:۹

این روایت بوصالح بود ○، ۷:۱۸

صلوات‌الله علیهما ○، ۲۳:۲۲

والله‌اعلم ○، ۴۵:۲۴ ؛ ۲۸:۲۴ ؛ ۲۲:۹ ؛ ۲۱:۱۹

وگاهی نیز نشانهٔ ○ کاربرد دو نقطهٔ عمودی[1] (:) را در نشانه‌گذاری امروز دارد :

بقیت قصهٔ کلبی ○ ، ۸:۱۶

اما پروایتی دیگر آنست ○ ، ۶:۱۲

این نشانه از نظر پراکندگی در صفحه‌های این دستنویس حالت یکنواختی ندارد به‌طوریکه دربرخی از صفحه‌ها مانند ۱ و ۴ و ۵ حتی یك‌بار هم نیامده ولی دربرابر آن در صفحه ۶۶ نه بار دیده شده است .

۹ـ نشانهٔ « ∴ » :

این نشانهٔ مثلث مانند که از سه نقطه تشکیل یافته و تنها در سه صفحه و از دیدگاه ساختمان دستوری در میان چند « صورت همپایه » دیده شده است ازنظر نقشی که در خواندن دارد شاید بتوان آنرا در نشانه‌گذاری امروزی برابر مکث « ؛ » پنداشت[2] :

یاحیّ ∴ یا قیوم ∴ یا ... ، ۲۲:۱ ـ ۲۱:۲۶

یکی آب اندر دهان‌کردن ∴ واب اندربینی‌کردن ∴ و سَبلت پست داشتن ∴ و مسواك‌کردن ∴ و موی سر فرق کردن ∴ ... ، ۶۶:۶

۱۰ـ نشانهٔ « ⁄⁄ » :

آغاز سطرهای این دستنویس در همهٔ صفحه‌ها به‌طور یکنواخت و منظم در زیر یکدیگر قرارگرفته است . با اینکه پایان سطرها نیزمانندآغاز آنها تقریباً خط راستی را می‌نماید اما گاهی بخشی از یك واژه ازنقطهٔ پایان سطرگذشته به‌کنارهٔ سفید صفحه کشیده شده است[3]. در بیشتر موردها هنگامی که در پایان سطر فاصله‌ای می‌مانده‌که

۱ـ Colon

۲ـ این سه نقطه مثلث شکل درخط اوستائی نشان‌دهنده پایان جمله بوده است. خط اوستائی یا « دین دبیره » که در اواخر دوره ساسانی ابداع شده در زمان خودکامل‌ترین خطی بوده است که در آن واکه‌های بلند وکوتاه و همچنین پایان واژه و جمله با نشانه‌های ویژه‌ای نشان داده می‌شدند. برای‌نمونه نگاه‌کنید به « یشت‌ها »، گزارش پورداود چاپ طهوری .

۳ـ برای نمونه نگاه‌کنید به‌صفحه‌های ۱۰ تا ۱۴ چاپ عکسی بنیاد فرهنگ ایران .

برای نوشتن یك واژه بسنده نبوده ، رونویسگر با به‌کار بردن نشانهٔ « ــــ » آن فاصله را پرنموده و دنبالهٔ نوشته را به‌سطر بعدکشانده است[۱]:

چنانك روی آب از ماهی پوشیده گشتی ایزد تعلی پداود علیه ــــ
السلم وحی کردکی قوم خودرا بگوی تا روزشنبد ماهی‌نگیرند و گرفتن ، ۱۰:۱

۱ـ برای نمونه نگاه‌کنید به سطر دوم ازگراوز صنفحه سوم و نیز به‌صفحه‌های ۱ و ۵و۷ و ۸و ۹ و ۱۴ و ۱۵ در چاپ عکسی).

دفتر دوم

املای واژه‌های ساده و ترکیبی

بخش پنجم

واژه‌های ساده و نشانه‌های دستوری

آن

ضمیر وصفت اشاره

«آن» در موردهای زیر جدا نوشته شده است[1]:

آن جهان : برگزیدند زندگانی وکامرانی این جهان برآسانی وکامرانی آن جهان ، ۱۹:۲۶

آن چنان : بفرمود تا آن‌چنان صورتی بکردند ، ۳۵:۱۹

آن را : بنی‌اسرایل را یکی مسجد بود آن را دوازده در بود ، ۳:۲۲

آن ره : چون روز شد مردمان آن ره بگرفتند ، ۳:۲۵

آن روز : آن روز مبادا کی من از جملهٔ جاهلان باشم ، ۴:۲۰

آن‌کار : از عاقبت آن‌کار خبر ندارد ، ۵۱:۱۰

۱- برای نمونه‌های دیگر نگاه‌کنید به « کی » ربط و موصول در همین بخش .

آن‌کس : و آن‌کس را حَلیفْ خواندندی ، ۱۸:۲۰

آن‌کسها : و آن‌کسهاکی پدان مشغول نگشتند ، ۴۱:۹

آن‌وقت : آن وقت‌گفتند یا موسی بپرس ازبهر ما مرخداوند خود را ، ۴:۲۳

در صورتهای زیر مدّ از بالای «آن» افتاده است :

الف - پس از پیشواژه (حرف اضافه) :

ازان : و ایشان را ازان فعل بَد باز نداشته بودند ، ۲:۹

ازان جهت : عرب مرباران را هم سَما خواند ازان جهت‌کی ازسوی سَما آید ، ۸۷:۱۴

ازان چه : این سَما را پسَحاب تفسیر کرده‌اند ازان چه سَحاب سوی سَماست ، ۸۷:۱۲

ازان‌کس : ای‌کی کینه‌آهنجی ازان‌کس‌کی نگرود پدین پیامبر ، ۷۶:۱۸

ازان گاه‌باز : ازان گاه‌باز تا قیامت سُنّت گشت ، ۱۰:۷

اندران : و بند آب را ببستندی تا ماهی اندران حوضها بماندی ، ۱:۱۶

اندران وقت : اندران وقت هنوز کودک بود و خرد بود ، ۳۱:۱۳

بران : شیطان مریشان را بران داشت‌کی روز آدینه حوضها ساختند ، ۱:۱۳

بران : دست بران نهند و پخدای عزوجل سوگند گویند ، ۳:۱۵

بران جانب : روی بران جانب کنید ، ۵۹:۲۶

بران حال : و هرباری‌کی سوی فرزند نگریستی او را بـران حـال دیدی ، ۷۴:۶

بران‌گونه : برشما عهْد هم بران‌گونه بوده است ، ۱۸:۱

پدان جانب : ایشان روی پدان جانب‌کردندی ، ۹۰:۲۴

پس ازان : این آیت اندر نبشتن و خواندن پس از آن آیت پیشین است ، ۹:۱۵

پیش ازان : امّا اندر معنی پیش ازان بایدکی باشد ، ۹:۱۶

ب- پس از نشانهٔ تأکید « مر » :

مران را : بی‌آنك پیش ازان مران را مثالی بود ، ۶۲:۱۲

مران ...را : از حرمت مران انکشتیره را با خود نداشتی ، ۳۴:۳

بازکرد و مران فریشته را بکوی‌کی چه فرمایی ، ۹:۶

ج- در پیوستن به « هم » :

همان : باز آمدند پنزد موسی و موسی همان جواب داد ، ۴:۱۰

تا مـن همان شهوت کی اندر فرزندان آدم نهاده‌ام اندرین فریشتگان بنهم ، ۴۲:۱۹

پجای راعنا انظرنا گویید چه همان معنی دهد ، ۴۸:۱۲

در نمونه‌های زیر «آن» به‌واژهٔ پس از خود پیوسته است :

الف- باآمدن مد :

آنجا : آنجا روند و گوش دارند مران کلمات را ، ۴۴:۲۵

آنچ : و آنچ مانند اینست و آنچ منسوخ است برسه ویست ، ۵۰:۴

آنرا : و بی‌فرمان من آنرا برکس نفروشی ، ۶:۲۳

آنرا کی او خواهد نه آنرا کی کافران خواهند ، ۴۹:۲

آنست‌کی : معنی این سخون آنست‌کی آن‌گاو پزردی چنان باشد ، ۵:۱۴

آنک : ای آنک شماید مریک دیگر را می‌کشید ، ۱۸:۴

آنکسها[1] : دیوان و آنکسها کی اعتقاد جادوی دارندآنجاروند ، ۴۴:۲۵

آنکس : از هیچ‌کس بشنوم کی پیغامبر را صلی‌الله‌علیه‌وسلم راعنا گوید زبان آنکس ببرم ، ۴۸:۸

۱ - این واژه ومفرد آن بیشتر به‌صورت پیوسته آمده است.

آنگاه : ازانجا برود آنگاه هرجا کی بگیرند حدّش برپای کنند ، ۶۷:۲۳

آنگه : تا آنگه‌کی قضای خدای عزوجل با آن برابر نیارد ، ۴۵:۲۱

جز آنك : نه چنانست کی ایشان می‌کویند جز آنك دلهای ایشان را و ایشان را خدای عزوجل پنفرین خویش کرده است ، ۲۴:۱۱

ب‌ـ با افتادن مد :

انجا : و خداوند تعلی از نیت تو بداند ترا انجا رساند ، ۷:۱۳

اندرانجا : وخشك گشت کی اندرانجا بیم و اومید و نور یقین نماند ، ۱۰:۲۴

از انچ : آن را دوازده در بود از انچ ایشان دوازده سبط بودند ، ۳:۲۳

انکس : این صفت انکس باشد کی از عاقبت آن‌کار خبر ندارد ، ۵۱:۹

انگه : پامر خدای عزوجل انگه ابرهیم علیه‌السلم آواز داد ، ۶۹:۲۲

انم : و تو دانی‌کی من امروز اندر عبادة بیش از انم کی در کودکی بودم ، ۳۶:۱۷

جز انک : کفت جز انک کروهی ازیشان می‌بپوشاند مرراستی را ، ۹۰:۱۰

ـ آن

نشانهٔ جمع[1]

پس از واژه‌هائی که به‌واکهٔ (ـ ا) پایان می‌یابند روی الف نشانهٔ جمع « ـ ان » مدّگذاشته شده است[2] :

پارسا آن : بیدادگران فرزندان ترا امام پارسا آن نگردانم ، ۶۷:۷

۱ـ نیز نگاه‌کنید به « ـ ان » در همین بخش .

۲ـ به‌اصطلاح در التقاء دو مصوّت در میان آنها هیچ نویسه‌ای (جز نشانهٔ مدّ) به‌عنوان وقایه نیامده است .

ترساآن[1] : گفتند کی این ترساآن هیچ‌کس نیستند و بر هیچ نیستند ، ۵۷:۱

داناآن : چون این نادانان پنزد داناآن خود باز آمدندی آن داناآن مریشان را ملامت‌کردندی ، ۱۲:۱۸

نابیناآن : ایزدتعلی پیسان را درست‌گردانیدی ونابیناآن‌را بینا گردانیدی ، ۲۰:۱۷

ـ ا

الف شگفتی (اعجاب)

الف شگفتی همواره به‌نویسه‌های پیوندپذیر پیش از خود پیوسته است :

بدایمانا : بدایمانا کی ایمان شماست کی مرشما را پیبامبرکشتن فرماید ، ۲۹:۵

بدجایگاها : ولکن کافر را وابشاوانم اندران جهان بپای واهلی دردناك ای بدجایگاها کی آنست ، ۷۱:۱۵

شگفتا : ای شگفتا شما پیش یاران محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم بگفتید آنچ خداوند تعلی اندر توریت با شما گفته بود ، ۱۲:۷

حقا[2] : حقا کی برنگیرند ازیشان آن پای وه دوزخ ، ۲۰:۳

۱ـ تنها یك‌بار به‌صورت « ترسآن » آمده است ، ۵۷:۱۹

۲ـ این الف در مورد حقا الف سوگند نیز نامیده می‌شود .

ـ ا

آمدن ـ ا بهجای ی (الف مقصور۱) در واژههای عربی

مبتلا : این از ما میاموزید و یاد مگیریدکی ما پدین مبتلا ایم ، ۴۵:۱
ایزد تعلی ابرهیم را مبتلا کرد پدان دعاها کی بکرد ، ۶۶:۱۹

مصلا : و پس بیاوردند آنرا زیرکرسیها و مصلاهای سلیمان فرو بردند ،
۳۸:۲۶

ـ ات

نشانهٔ جمع

نشانهٔ جمع «ـ ات» در نمونههای زیر آمده است۲:

نیرنجات : کتابها ساختند از جادوی و نیرنجات واندران نبشتند کی . . . ،
۳۸:۲۳
علم توریت پجای ماندند و پجادوی و نیرنجات مشغول گشتند ،
۴۱:۸

کلمات : آنجا روند و گوش دارند مران کلمات را ، ۴۴:۲۶

عرصات : ایشان را از عرصات قیامت بازگردانند ، ۱۹:۱۸

معجزات : ما پیغامبران را معجزات بسیار دادیم ، ۶۳:۱۶

از

پیشواژه (حرف اضافه)

پس از واو عطف در بیشتر موردها الف «از» افتاده است۳ :

وزانجا : واندر هوا برآمد وزانجا پرواز داد ، ۷:۱۵

۱ـ نیز نگاهکنید به « ی » در همین بخش .
۲ـ دو واژهٔ نخست بهصورت نیرنگها و کلمها نیزبهکار رفتهاند، نگاهکنیدبه «ـها» درهمینبخش.
۳ـ شاید در چنین موردها Vaz فراگو میشده است .

وزدریا : حوضها ساختند وزدریا آب را پدین حوضها راه دادند ، ۱:۱۴

وزپس ازان : بیفتاد وزپس ازان نیز هیچ سخون نگفت ، ۱۰:۶

وزعلما : وزعلما کسی گفته است ... ، ۲:۱۲

وزوی : جوان پمادر بازگشت وزوی دستوری خواست ، ۹:۴

تنها در چند نمونهٔ زیر، الف «از» پس از «و» نوشتهشده است :

واز : واز عکرمه روایت آرندکی او کوید ، ۳:۲۱

و ازان شما : کفت او خداوند ماست وازان شما و پروردهٔ ماست ، ۸۲:۱۱

و از پس آن : سه روز بزیستند و از پس آن هلاک شدند ، ۲:۷

و از پس او : و از پس او پیغامبر ما صلیاللهعلیه وسلم این خصال تمامی
پجای آورد ، ۶۶:۱۷

و از دریافتن : و از دریافتن سخونهای خویش دورکرده است ، ۲۴:۱۳

است

رابطه و فعل یاریگر (معین)

۱ـ «است» در موردهای زیر همیشه با الف آمده است :

الف ـ پس ازواژههای پایان یافتهبه های ناملفوظ :

پدید آرنده است : گفت خدای عزوجل پدیدآرنده است وآشکارا کننده ،
۱۰:۱۰

جاهلانه است : و ترفند جاهلانه است این چه ایشان میکویند ، ۵۵:۲۵

چگونه است : ما را خبر دهکی خواب تو چگونه است ، ۳۰:۱۹

میوه است : اینجا نه میوه است و نه کشتزار ، ۷۱:۲

مژده دهنده است : این قرآن راهنمای و مژده دهنده است مرمومنان را ،
۳۲:۴

بـ بهعنوان فعل یاریگر :

آمده است : و پندارند کی آن علم است پا از آسمان آمده است ، ۱۳:۱۳

افتاده است : ما را بروی دشمنی ازین‌جهت افتاده است ، ۳۱:۱۶

بوده است : ازیراك نخست‌کشتن بوده است پس خریدن گاو ، ۹:۱۶

گرفته است : گفتی غم پدرم گرفته است مرا ، ۳۵:۱۶

ج- پس از یای نکره به‌صورت ‌ٔ [1]:

فریشته‌ٔ است : پندارم‌کی آن فریشته‌ٔ است ملی ترا بیازماید، ۹:۵

قصه‌ٔ است : و این را نیز قصه‌ٔ است ، ۷۳:۱

و او را بـاز خرید و برهانید و این را قصه‌ٔ است ، ۱۸:۱۲

۲- الف « است » در موردهای زیر همیشه افتاده است :

الف - پس از واکهٔ ة (- ا) :

آوندهاست : جهودان گفتند دلهای ما چون آوندهاست ، ۲۳:۲۶

اوراست : و خواست اوراست جل‌جلاله ، ۹:۱۸

بیناست[2] : خداوند تعلی دانا و بیناست ، ۳۰:۱۴

پیداست : چنانك اندر فقه شرایط آن پیداست ، ۱۷:۱۲

سنگهاست : دلهای شما چون سنگهاست ، ۱۱:۳

مرشماراست : در حکم خدای عزوجل چنانست‌کی آن مرشماراست ، ۲۹:۱۰

ب- پس از واکهٔ u :

اوست : ازینجا تا پدانجا کی اوست مسافتی دورست ، ۳۷:۱

حق اوست : موسی گفت حق اوست اکر نفروشد ، ۴:۸

ج- و نیز در صورتهای زیر همیشه به‌واژهٔ پیش از خود پیوسته است :

آنست‌کی[3] : جواب آنست‌کی ایزد تعالی هرپیغامبری‌کی بفرستادتی ، ۳۲:۲۵

۱- نگاه‌کنید به « ‌ٔ » در همین بخش.

۲- تنها یك‌بار به‌صورت « بینا است » دیده شده است ، ۵۵:۱۲

۳- نیز نگاه‌کنید به‌بند ب در « کی » در همین بخش.

اینست[1] کی : اینست قصه و اینست‌کی خداوند تعلی گفت ، ۲:۱۴

چنانست‌کی : و بروایت دیگر چنانست‌کی پیش از عیسی مرد ، ۲۳:۶

چیست : پس مسلمانان وا درآموخت‌کی روش‌توحید چگونه است وبرچیست ، ۷۹:۲۲

کلیست : از شما فریشتگان‌کلیست خویشتن‌دارتر و پارساتر ، ۴۲:۱۶

نیست : خداوند تعالی ازکردهای شما فرغول‌کار نیست ، ۱۱:۱۳

۳- در نمونه‌های زیر، «است» در بیشتر موردها با الف آمده است :

الف- پس از واژه‌های پایان یافته به‌همخوان (صامت) :

اختلاف است : بدان‌کی اندرین مسله اختلاف است ، ۸۶:۲۴

ایشان است : و عذاب‌کافران عقوبت ایشان است ، ۲۶:۲۰

پند است : آنچ با ایشان‌کردیم اندران پند است مرمومنان را ، ۳:۳

حق است : پدینج می‌کویید کی ما مومنانیم و ایـن نبـی‌کی حق است ، ۲۷:۱۸

اندر خبر است : و اندر خبر است‌کی هرروز پمکه صد و بیست رحمت فرود آید ، ۷۰:۱۵

زرد است : همه پوست او زرد است ، ۵:۱۱

علم است : و پندارند کی آن علم است ، ۱۳:۱۳

فضل است : بعضی آنست‌کی مرو را یك فضل است ، ۵۱:۴

معروف است : اندر طریق عرب معروف است ، ۸۷:۹

ب- پس از « ی » :

بی‌گمانی است : اندر انچ می‌کنند و با می‌کویند یقینی و بی‌گمانی است، ۱۳:۱۵

۱- نیز نگاه‌کنید به «این» در همین بخش.

رودی است : یکی رودی است از آنش و کوهی از آنش ، ۱۳:۱۹

گاوئی است : آن گاوئی است کی همه پوست او زرد است ، ۵:۱۱

یارئی است : و این یارئی است از یاران من ، ۲۳:۹

۴- گاهی در موردهای زیر الف «است» افتاده است :

الف- پس از نویسه‌های پیوندناپذیر ز ، ر، و ، د :

امروزست : و چون این مسجد کی امروزست بمدینه بنا کردند ۱۸:۱۳

اندر خبرست : و اندر خبرست کی پیغامبر گفت : ۱۶:۲۰

دورست : مسافتی دورست، ۳۷:۲

چه گاوست : چه گاوست این خردست یا بزرگ ، ۴:۲۴

زردست : و رنگ آن گاو زردست ، ۸:۴

ب- به‌پاره‌ای از نویسه‌های پیوندپذیر پیوسته است :

آگهست : خدای عزوجل آگهست و آگاهی دارد بهرچ ایشان اندر پنهان می گویند ، ۱۳:۴

اختلافست : واندرین مسله اختلافست ، ۳۹:۱۵

تست : بازآموز ما را آنچ دربایست حج است وآنچ دربایست پرستش تست ، ۷۵:۱۲

حقست : فرستادن وحی بسوی تو حقست از خداوند تعلی ، ۹۱:۱۱

خدایست : محمد رسول خدایست عزوجل ، ۹۰:۱۳

رویست : بدانک قرآن برسه رویست بعضی ناسخ است و بعضی منسوخ ، ۴۹:۱۵

کدامست : پرسیدندی ایشان را کی فلان توی و فلان‌کدامست ، ۲:۶

ج - در چند مورد نیز مانند نمونه‌های زیربه‌واژه‌های پایان یافته به ی پیوسته است:

سوالیست‌کی : این جواب سوالیست‌کی رئیسی ازان جهودان‌کی... ، ۳۰:۱۶

گاویست : و آن گاویست کی هنوزش بکار اندر نیفگنده‌اند ، ۶:۴

مسلمانیست : دین خدای دین مسلمانیست ، ۶۵:۴

(برای -ام و -اند نگاه‌کنید به « بودن »)

-ان

نشانهٔ جمع[1]

نشانهٔ جمع « -ان » به نویسه‌های پیوندپذیر پیش از خود پیوسته است:

آدمیان : اندر لغت عرب از آدمیان یتیم آن بودکی پدر ندارد ، ۱۶:۱۷

جاهلان : و آن روز مبادا کی من از جملهٔ جاهلان باشم ، ۴:۲۱

چهارپایان : مرا اندران چهارپایان خود هست ، ۷:۱۱

ماهیان : از هرجایی از دریاها ماهیان بزیارت وی آمدندی ، ۱:۹

پس از « و » :

جادوان : این جهودان و دیوان و جادوان ازیشان یادگیرند ، ۴۲:۴

او

ضمیر سوم شخص مفرد[2]

در موردهای زیر الف « او » افتاده است :

الف - پس از پیشواژه :

برو : تابروی نشینی وکس را برو ننشانی ، ۶:۲۳

درو : گاوئی باشد بسلامت‌کی درو عیبی نباشد ، ۶:۶

ب - پس از نشانهٔ تأکید « مر » :

مرورا : مالی بسیار بود مرورا و دو عم‌زاده بود مرو را ، ۳:۲۰

خواست‌کی مرورا بفریماند ، ۳۷:۲۱

۱- نیز نگاه‌کنید به « آن » و « -گان » در همین بخش.

۲- این ضمیرگاهی نیز به‌صورت « اوی » آمده است. نگاه‌کنید به‌بند ۷ ازبخش دوم.

ای

نشانهٔ ندا

« ای » همواره جدا نوشته شده است :

اي پسر : مادرش گفت رَواي پسر این گاو را ببر و پسه دینار بفروش ، ۸:۲۳

ای جوامرد : و گفت ای جوامرد نیکوکار پجای مادر برنشین برمن تا مانده نشوی ، ۸:۱۱

ای جوان : گفت ای جوان این گاو پچند فروشي ، ۸:۲۶

اي دشمنان : و گفت اي دشمنان خدای اگر ازپس این ازهیچ کس بشنوم کی ، ۴۸:۷

ای مادر : و با مادر دیدار کرد و کفت ای مادر من پآسمان رفته‌ام ، ۲۳:۹

ای مادر : کفتی ای مادر اگر از قیام شب ضعیف گشته‌ئ ، ۷:۲۳

(برای ـ**اید** نگاه‌کنید به « بودن »)

ایشان

ضمیر سوم شخص جمع

پس از پیشواژه‌های زیر و پس از « حرف تاکید مر » الف « ایشان » افتاده است :

ازیشان : و چون بازکسي ازیشان پبند گرفتار شدی و اسیر افتادی ، ۱۸:۲۶

اندریشان : ایزد تعلي شهوت اندریشان مرکب کرد ، ۲۳ : ۴۲

بریشان : آن ره را بگرفتند و بریشان پخون دعوی کردند ، ۳:۲۵

مریشان را : یافتند مریشان را همه کپیان گشته خروش برداشتند ، ۲:۳

پس از واو عطف و نیز هنگامی‌که « ایشان » درآغاز سطرقرارگرفته با الف نوشته شده است :

و ایشان : و ایشان را ازان فعل بَد باز نداشته بودند ، ۲:۹

مرایشان را : ازیشان بیاموزند چیزهایی کی مرایشان را زیان دارد پدو جهانی ، ۴۲:۹-۱۰

(برای ـ **ایم** نگاه‌کنید به « بودن »)

این

ضمیر و صفت اشاره

« این » به‌جز درچند مورد همیشه جدا نوشته شده است :

این جوان : این جوان پبازار شد ، ۸:۲۴

این چنین : گفتند این چنین باشید تا راه یابید سوي حق ، ۷۹:۷

این چه : وترفند جاهلانه است این چه ایشان می‌گویند ، ۵۵:۲۶

این را : چه باشدی گر ما این را چون قبله سازیمی ، ۶۹:۲۶

این کس : این کس نیز هم‌چنین در دوزخ افتاده است ، ۸۶:۱۳

این کی : گفت بد چیزا این کی ایشان خویشتن پدان بفروختند ، ۴۷:۱۱

این مادر : این مادر مرورا گفت ، ۸:۲

این همه : این همه سه روز بزیستند و پس از آن هلاک شدند ، ۲:۷

پس از واو عطف همواره الف «این» نوشته شده است :

و این : و این اَیلَه جاییست برکنارهٔ دریاي طَبَریه ، ۱:۷

و این هم : و این هم پدرانشان کرده بودند ، ۲۸:۷

پس از پیشواژه‌هالی که به همخوان پایان یافته‌اند الف «این» افتاده است[۱] :

ازین : پس مردی چند ازین ناپاکان بی‌باکان ، ۱:۱۳

ازینجا : و گفت ازینجا تا پدانجا کي اوست مسافتي دورست ، ۳۷:۱

ازین جهت : ازین جهت اندر خبر آمده است ، ۴:۱۳

۱- نیز نگاه‌کنید به « قیدهای مرکب » در بخش ششم .

ازین‌کی : بی‌خبر نیست ازین کی شما می کنید ، ۹۱:۱۳

اندرین : ماهی بسیار بیامدی براثر آب اندرین حوضها گرد آمدندی ، ۱:۱۵

برین : و ایشان یکچندی برین جمله فرمان نگاه می‌داشتند ، ۱:۱۲

جزین[1] : و در اخبار دیگر جزین چهارتن آمده است ، ۲۲:۸

در پیوستن به «هم ـ»[2] :

همین : کی پیغامبران پیشین را همین گفتند ، ۶۳:۸

کافرانی کی پیش از ایشان بودند مرانبیاءِ خود را همین گفتند ، ۶۳:۶

پس از نشانهٔ تاکید « مر » :

مرین : ما مرین خداوند را فرمان برداریم ، ۷۸:۲۱

گویند این پیش‌روان مرین پس‌روان خود را ، ۱۲:۷

« این » تنها در صورتهای زیر به واژه‌های پس از خود پیوسته است :

الف ـ پیش از « است »[3]:

اینست‌کی : اینست‌کی ایزد تعلی گفت ، ۲۳:۱۰

اینست : و آنچ مانند اینست ، ۱۸:۲۳

ب ـ در قید « اینجا » :

اینجا : اینجا افتاده‌ام و ترسم کی آن امانت مردمان ضایع شود ، ۷:۶

ج ـ پیش‌ازگونهٔ کوتاه چه موصول و ربط (ـچ) :

اینچ : اینچ گفتیم ترا خبری راست گفتیم ، ۹۰:۱۵

۱ـ « جز » به‌تنهائی قید استثنا نامیده می‌شود .

۲ـ نیز نگاه‌کنید به « هم » حرف ربط در همین بخش .

۳ـ نیز نگاه‌کنید به « است » در همین بخش .

بودن

املای صورتهای وابستهٔ فعل بودن

ـ ام :

الف ـ با نقش فعل یاریگر (معین) در ماضی نقلی :

افتاده‌ام : پمیان راه درد شکمه بگرفت اینجا افتاده‌ام ، ۷:۶

یافته‌ام ، نهاده‌ام : من از پدر تو گاوی میراث یافته‌ام نشانی برکردن وی نهاده‌ام ، ۸:۳

ب ـ به‌صورت رابطه با افتادن الف پس از واکهٔ o :

توم : همی‌گوید من دوست توم ، ۵۶:۹

ج ـ به‌واژه‌هائی‌که به‌همخوان پایان یافته‌اند پیوسته است :

آنم : گفت نه من آنم کی بودم ، ۳۸:۶

سلیمانم : کفت من سلیمانم ، ۳۸:۱۰

شبانم : من یکی مرد شبانم ، ۷:۴

ـ ی :

الف ـ پس از واکهٔ o :

توی : پرسیدندی ایشان را کی فلان توی ، ۲:۶

و درگذار از ما جرمهاءِ ما کی توی پدیرندهٔ توبه ، ۷۵:۱۴

ب ـ پس از واکهٔ u یا گروه آوائی uy :

اویی : و چرا ما را خبر ندهد کی تو پیامبر اویی ، ۶۲:۲۶

راست‌گویی : تو بدین دعوی راست گویی نه دروغ زن ، ۶۳:۲۵

ج ـ در ماضی نقلی به‌صورت ءِ آمده است[1] :

گشته‌ءِ : اگر از قیام شب ضعیف گشته‌ءِ تسبیح و تهلیل می کن ، ۷:۲۴

۱ـ نیز نگاه‌کنید به « ءِ » در همین بخش .

نشده‌ی : گفتند نشده‌ی پس بازکرد ، ۴۶:۱۸

د ـ پس از همخوان (صامت) :

آنی : تو آنی کی پدعای عیسی از گور برآمدی ، ۲۱:۱۴

است : نگاه‌کنید به « است » در همین بخش.

ـ ایم :

الف ـ پس از واکهٔ ه :

مبتلاایم : و یاد مگیریدکی ما پدین مبتلاایم ، ۴۵:۱

ب ـ در ماضی نقلی :

یافته‌ایم : نشان او اندر توریت یافته‌ایم ، ۱۲:۱۴

ج ـ پیوسته به‌همخوان :

مومنیم : می گوییدکی ما مومنیم ، ۲۹:۵

مخلصانیم : مامرخداوند را تعلی مخلصانیم ای‌کی یکی گویانیم ، ۸۲:۵

ـ اید :

الف ـ پس از واکهٔ ه :

شمااید : ای آنک شمااید مریک‌دیگر را می کشید ، ۱۸:۴

ب ـ پس از همخوان :

برحق‌اید : شما برحق‌اید و ایشان برباطل‌اند ، ۵۳:۷

ج ـ به صورت پیوسته :

جهودانید : شما کی جهودانید می‌گوییدکی ، ۸۲:۲۴

راست‌گویانید : اگر شما پدین گفتار راست گویانید ، ۵۶:۴

مخلصید : ولکن شما نه مخلصید مخلص ماییم ۸۲:۱۷

مومنید : اگر شما مومنیدی این چنین نه‌کنیدی ، ۲۹:۶

ـ اند

الف ـ پس از واکهٔ ه (ـا) :

آنکسهااند : این آنکسهااند سزاوار بهشت ، ۱۶:۲

شمااند : اندر خلاف‌اند با خدای عزوجل وبا شما و اندر دشمنی شمااند ، ۸۰:۲۳

مبتلااند : وکلماتی است‌کی ایشان آنرا برزبان می‌رانندکی‌ایشان پدان مبتلااند ، ۴۴:۲۲

ب ـ پس از واکهٔ u (و) :

اواند : چون اینجا دعوی‌کردکی همه اندر[1] ملك اواند ، ۶۱:۱۱

ج ـ پس از واکهٔ o الف « اند » افتاده است :

توند : آنکسها را کی فرمان‌بردار توندکی نماز کرده‌اند پدان قبله ، ۸۶:۷

د ـ پس از همخوان :

اسحق‌اند: جهودان از نسل اسحق‌اند ، ۲۵:۲۵

اندر خلاف‌اند : ایشان هنوز اندر خلاف‌اند با خدای عزوجل وبا شما، ۸۰:۲۲

ایشان‌اند : ایشان‌اند اندران بهشت جاویدجاوید می‌باشند ، ۱۶:۴

برباطل‌اند : شما برحق اید و ایشان برباطل‌اند ، ۵۳:۷

جهودان‌اند : اگر ایشان‌کی جهودان‌اند بکروندی بمحمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم ، ۴۷:۱۹

گرفتاراند : چه ایشان خود بکردهای خود گرفتاراند ، ۶۴:۱۶

ه ـ به‌عنوان فعل یاریگر در ماضی نقلی :

تفسیرکرده‌اند : مفسران این سما را بسحاب تفسیرکرده‌اند ، ۸۷:۱۲

گفته‌اند : اهل معانی گفته‌اند ، ۱۵ ـ ۹:۱۴

۱ ـ واژهٔ اندر با قلمی دیگر بربالای فاصلهٔ میان واژهٔ پیش و پس از آن افزوده شده است.

و ـ « اند » در نمونه‌های زیر به‌صورت پیوسته آمده است :

آنانند : و آنانندکی برگزیدند زندگانی وکام‌رانی این جهان ، ۱۹:۲۵

ایشانند : ایشانند زیان زدگان شکروفان ،۶۵:۲۲

کمدانانند : ازین جهودان گروهی کمدانانند از توریت چیزی ندانند، ۱۳:۹

نیند : و گروهی گویند این خود فریشتگان نیند ، ۴۵:۷

و ترساآن گفتند نی این جهودان کس نیند و برهیچ نیسند ، ۵۷:۳

(برای پیشواژهٔ **به** نگاه‌کنید به **په**)

(برای **بِ‍** پیشوند صفت‌ساز نگاه‌کنید به‌بخش پیشوندها)

بی
پیشواژه

پیشواژهٔ[1] «بی» همواره جدا نوشته شده است :

بی‌آنک : خواست کی مرورا بفرلماند بی‌آنک اندر دین او خلل اندر آید، ۳۷:۲۱

بی‌پاداش‌کردن : کفت بگداریدشان بی‌پاداش‌کردن ، ۵۳:۲۴

بی‌رضای مادر : فریشته گفت شش دینار بستان بی‌رضای مادر ، ۹:۱

بی‌رضای مادر : گفت اگر هم‌سنگ او زردهی بی‌رضای مادر نفروشم، ۹:۱-۲

بی‌وی : و دل من در وی بسته است و بی‌وی نمی‌شکیبم ، ۲۱:۸

(برای **بی** پیشوند صفت‌ساز نگاه‌کنید به‌بخش پیشوندها)

۱ـ حرف اضافه.

په
پیشواژه (حرف اضافه)

پیشواژهٔ په (= به) بیشتر به‌صورت پیوسته آمده است :

پآب خانه[1] : و هرباری کی سلیمن‌علیه‌السلم پآب خانه اندر شدی ، ۳۴:۲-۳

پآهن : پسنک مانندکرد نه پروی و نه پآهن ، ۱۱:۱

پامر : پامر خدای عزوجل آن گاو بیامد ، ۸:۱۰

پبازار : این جوان پبازار شد ، ۸:۲۵

پبامها : کسی را برفرستادند تا پبامهای ایشان فرو شد ، ۲:۳

ببندگی[2] : چه همه مرورا ببندگی اقرار داده‌اند ، ۶۱:۱۴

بتزویج[3] : چون این جوان پجایگاه مردان رسید رغبت افتاد ویرا بتزویج ، ۶:۱۷-۱۸

پتو : مفروش تا پوست او را پرزر پتو ندهد ، ۹:۱۰

پجای : پجای ختنه فرزند خود را پآب عموریه‌بشستندی ، ۸۱:۱۹

پجز : گفت پجزاین پیامبران کی یادکردیم پهمه پیغامبران دیگرنیز بگرویدیم ، ۸۰:۹

پدین : اگر تو پقبلهٔ ایشان نماز کنی و یا پدین ایشان اندرآیی ، ۸۹:۱۷

پزبان : پزبان سخون نتوانستندی گفت ، ۲:۶

پزمین : و پس ایشان را پزمین فرستم ، ۴۲:۲۰

پکدام : قیاس کیرید تا پکدام ده و محلت نزدیک‌ترست ، ۳:۱۲

پکسی : ایشان پدین جادوی پکسی بدی نتوانند رسانید ، ۴۲:۷

پمن : آن گاو را پمن رسان ، ۸:۹

۱ـ نگاه‌کنید به‌واکهٔ ō در بخش دوم.

۲ و ۳ـ در این دو نمونه پیشواژهٔ بِ‍ ظاهراً با یك نقطه نوشته شده است.

پنزد : ایشان پنزد موسی آمدند گفتند یا موسی ، ۳:۲۶

پهر : و ناخستون شدند پهرکتابی کی جز از توریت بود ، ۲۶:۲۶

پیشواژهٔ په به‌صورت جدا نیز نوشته شده است :

په‌بیابان : په بیابان اندر رَوْ بخوان خدای ابرهیم و اسحق را ، ۸:۵

په‌بیم : مگر په‌بیم می‌آیند پنهان ، ۵۹:۱۲

په برکت : په برکت آن فرمانی کی تو مادر خود را داشتی ، ۸:۱۵

په‌پدرگان : چیست کی فرزند گروهی په‌پدرگان ماند و گروهی پمادرگان ، ۳۰:۲۵

په‌پوست : و بخریدند آن کاو از وی په‌پوست او پرزر ، ۶:۱۰

په‌پیغامبری : هم‌چنان بشناسند په‌پیغامبری کی فرزندان خود را شناسند ، ۹۰:۱

په‌جایگاه : و قصه په‌جایگاه گفته آیدان شاالله ، ۲۴-۲۳:۲۳

په‌زمین[1] : وقتی فریشتگان آسمان په‌زمین نگریستند ، ۴۲:۱۲

په‌مقدار : باد ایشان را همه برگرفت په‌مقدار یك شباروز آنجا بُرد ، ۶-۵:۳۷

ت

در واژه‌های زیرتای گرد عربی (ة ، ـة) به صورت ت نوشته شده است[2]:

آخرت : و ایشان عذاب دنیا را برعذاب آخرت اختیارکردند ، ۴۴:۱۹

آیت : این آیت اندر شأن ایشان آمده است ، ۵۲:۱۷

اشارت : این پاشنای درگردانیدن اشارت پتو دارد ، ۶۸:۲۵

امّت : او را فرمان دادی کی با امّت خویش عهد بندید ، ۳۲:۲۶

۱- به‌صورت پیوسته نیز آمده است. نگاه کنید به‌نمونه‌های صفحهٔ پیش.

۲- برخی از واژه‌ها با هردو ة و ت نوشته شده‌اند . نگاه کنید به « ة » در همین بخش .

برکت : و برکت پی خویش اندر خانهٔ ما اندر آری ، ۶۹:۴

بقیّت : بقیّت قصهٔ کلبی ، ۸:۱۶

توریت : و ناخستون شدند پهرکتابی کی جز از توریت بود ، ۲۶:۲۶

حجّت : این پظاهر حجت نماید امّا پحقیقت نه حجّت است ، ۹۲:۱۲

حلیَتْ : پیری آمده بود برین هَیْئَتْ و برین حلیَتْ پدیدار تو، ۶۸:۲۲

پحقیقت : و ندانی تو ای کی می‌دانی پحقیقت ، ۴۹:۱۱

دیَت : گفتند یا موسی ما این دیَت بدهیم ، ۳:۲۶

زهادت : واندر علم و حکمت و عبادة و زهادت و مرد پای‌گاه‌دار بود ، ۳۵:۲۶

زیادت : و یا گوید نفقه زیادت ازان خواهم کی دیگران ستانند ، ۴۰:۱۸

روایت : امّا اندرین روایت گفت کی... ، ۲۳:۷

رحمت : هرروز پمکه صد و بیست رحمت فرود آید ، ۷۰:۱۶

سنّت : ازان گاه باز تا قیامت سنّت گشت ، ۱۰:۸

سورت : و قصهٔ بنی قریظه اندر سورت آحْزاب ، ۵۴:۱۷

شریعت : شریعت موسی علیه‌السلم برین جمله بود ، ۳:۱۷

شهوت : ایزد تعلی شهوت اندریشان مُرکّب کرد ، ۴۲:۲۳

صورت : خویشتن را برصورت سلیمن علیه‌السلم ساخت ، ۳۴:۷

عادت : روزی هم برین عادت انگشتیره پدو داده بود، ۳۴:۵

عدّت : از پس مرگ خویش آن زنان را عدّت باید داشت ، ۵۰:۲

غارت : ای اهل مکه را ایمن گردانیدیم از غارت‌کردن خواسته ، ۶۷:۱۸

قیامت : تا قیامت سنت گشت ، ۱۰:۸

کفارت : چه عذاب مومنان کفارت ایشانست ، ۲۶:۱۸

لغت : اندر لغت عرب از آدمیان یتیم آن بودکی پدر ندارد ، ۱۶:۱۷

محلت : قیاس گیرید تا پکُدام دِه و محلت نزدیک‌ترست، ۳:۱۲

مُداهَنَت : با ایشان نان خوردند و مُداهَنَت کرده بودند ، ۲:۹

مشاورت : پخشنودیِ یك دیکر و مشاورت کنند ، ۴۰:۲۵

مُعاوَدَت: و باز پسوال مُعاوَدَت کردند، ۵:۷

معجزت : عصا معجزت موسیٰ گشت و انکشتیره معجزت سلیمن ، ۳۴:۱

موافقت : و یك گروه یا ایشان پدین موافقت نکردند ، ۱:۲۱

مکافات : از بهرکردن حساب را و دادن مکافات را ، ۹۱:۳

مِلت : جزکیِ مِلت ابرهیم نگاه داریم ، ۷۹:۱۳

نصرت : پبرکت تو از خدای عزوجل نصرت خواستندی ، ۲۵:۲

ة

واژه‌های زیر با تای‌گرد نوشته شده‌اند :

آخرة : عذاب دنیا خواهید یا عذاب آخرة ، ۴۴:۱۷

آیة : امّا در آیة تقدیم و تاخیرست ، ۸۷:۲۴

برکة : تا برکة تو اندر خانهٔ ما بماند ، ۶۹:۷

تجارة : اکر چهار پای بود چنان بایدکی زهی باشد یا از بهر تجارة ، ۱۷:۱۶

توریة : دادیم ما مرموسی را نامهٔ و آن‌توریة است، ۲۰:۸

حجة : پارسی حجة بهانهٔ بودکی خصم را پرده گرداند ، ۹۲:۳

دعوة : چون عیسی علیه‌السلم دعوة خود را آشکارا کرد ، ۲۲:۱۳

رأفة : ازیراچ رأفة اندر صفت رحمت بلیغ‌تر بود از رحمت ، ۸۷:۲۳

رسالة : گوایی پیغامبر خود باشید برجهودان و ترساآن و مغان پرسانیدن رسالة و پیغام خدای عزوجل پدیشان ، ۸۵:۲۶

زکوة : و واجب شذن زکوة را هفت شرط است ، ۱۷:۱۳

سُنّة : و این ده خصلت از دین حَنیفیْ است و اندرین شریعت سُنّة است ، ۶۶:۱۰

سورة : قصهٔ بنی نظیر[1] اندر سورة حَشْر ، ۵۴:۱۶

پصورة : تا ایزد تعالی مرور را مانند من کرداند پصورة ، ۲۳:۱

عبادة : من امروز اندر عبادة بیش از انم کی در کودکی بودم، ۳۶:۱۷

عبارة : و حسد را پتازی عبارة کرده‌ایم ... ، ۲۶:۱

عدّة : چون این عدّة چهارماه و ده روز بیامد این ناسخ گشت ، ۵۰:۳

قرآة : و قرآة اندر وی درست خوانید ورکوع وسجود آن تمام نکاه دارید ، ۵۴:۲۲

کَرّة : یك کَرّة این آمد و یك کَرّة آن آمد ، ۵۹:۷

کلمة[2] : پدین کلمة آنرا ردکنند ، ۶۱:۳

لعنة : و اکر تو دیوی لعنة برتو باد ، ۷:۱۳

ولَادة : هرجا کی نسبت ولادة آمد ملك از میان برخیزد ، ۶۱:۹

(برای ـ ت و ـ **تان** نگاه‌کنید به« ضمیرهای پیوسته »)

ـ تر

نشانهٔ برتری (صفت تفضیلی) .

« ـ تر» در نمونه‌های زیر جدا از واژهٔ پیش از خود آمده است :

آسان‌تر : ازینجا غایب شوم تا مرگ فرزند را نبینم برمن آسان ترآید ، ۷۴:۲

۱ـ نگاه‌کنید به‌پانویس ۲ از صفحهٔ ۴۹.

۲ـ این واژه هم به‌صورت « کلمات » و هم به‌صورت «کلمها» جمع‌بسته شده‌است. نگاه‌کنید به « ـ ات » و « ـ ها » در همین بخش.

بی‌آب‌تر : دلهاي شما چون سنگهاست پسختی نی چه از سنگها سختر و بی‌آب‌تر ، ۱۱:۳

پتمام‌تر : و قصهٔ این پتمام‌تر پجای دیگر گفته آیدان شاالله ، ۶۸:۱۳

حریص‌تر : ایشان‌را هراینه از همه[1] مردمان دیگر برزندگانی حریص‌تر یابی ، ۳۰:۴

حق‌تر : سخوني دیگرکی حق‌تر ازان باشد ، ۶۱:۴

کم علم‌تر : این گروهی از جهودان‌کی کم علم‌تر بودند ، ۱۲:۱۱

در صورتهای زیر به واژهٔ پیش از خود پیوسته است :

بزرکتر : وکدام خیرست بزرکتر از قرآن ، ۳۱:۲۵

بیشتر : بیشتر ازیشان روی خویش از قبله‌گردانیده یافتند ، ۶۰:۹

پیشتر ، پستر : اما ایزد تعلی این پیشتر یادکرد و آن را پستر ، ۹:۱۷

سبکتر : تا عذاب برما سبکتر شود ، ۴۲:۲

صعبتر : آن عذاب صعبتر و دشخوارتر و دردمندتر از عذاب دنیا باشد ، ۱۹:۱۹

«ت» و «د» درپایان واژه هنگام پیوستن به « ـ تر » بجز دریك‌مورد همیشه‌افتاده‌اند :

بتر : بعضی بهتر باشد و بعضی بتر ، ۵۰:۲۳

بعضی بهتر است و بعضی بتر ، ۵۰:۲۴

بتری : آن بهتری و بتری اندر نصیب ماست ، ۵۰:۲۶

راستر : و از پس آن سخونی کی حق بود و راستر از سخون ایشان بود ، ۶۱:۶

سختر : از سنگها سختر و بی‌آب‌تر ، ۱۱:۳

۱ـ واژهٔ « همه » در بالای سطر روی « مردمان » با قلمی دیگر افزوده شده است .

تنها در مورد زیر دال بجا مانده است :

زودتر : و معنی دیگر آن بودکی ازان زودترکی بگویند ، ۸۴:۲

ـ چ

گونهٔ کوتاه شدهٔ چه (چی) موصول و ربط

این « ـ چ » همواره به‌نویسه‌های پیوندپذیر پیش از خود پیوسته و بیشتر در صورتهای زیر آمده است :

آنچ : آنچ در ظاهر داریم در باطن هم چنان داریم ، ۸۲:۶

ازیراچ : ازیراچ خدای عزوجل پهرچ شما کنید بینا است و دانا ، ۵۵:۱۱

اینچ : اینچ گفتیم ترا خبرلی راست‌کفتیم ، ۹۰:۱۵

پدانچ : کی بنده را پدانچ خواهد فرمان دهد ، ۹۲:۱۳

پدینچ : بگروید پدینچ ما فرو فرستادیم ، ۲۶:۲۳

هرچ : و پیعقوب گرویدیم و هرچ پدو آمد ، ۸۰:۳

چه

«حرف ربط و موصول» و واژهٔ پرسش

«چه» موصول همیشه ناپیوسته است :

این چه : و ترفند جاهلانه است این‌چه ایشان می‌گویند ، ۵۵:۲۶

پدان چه : پدان چه مسلمانان ظفر یابند بربعضی شهرهاي ایشان ، ۵۹:۱۶

پدین چه : اگر پدین‌چه شما می‌گوییدکی ما مومنیم ، ۲۹:۴

«چه» درکاربرد «حرف ربط» نیز جدا نوشته شده است :

چه : وکفت آن مرغ نبود چه آن ابلیس بوَد ، ۸:۲۰

چه ایشان خود پکردهاي خود گرفتاراند ، ۶۴:۱۶

چه پرسش نیز بیشتر جدا آمده است :

چه سود : مریشان را چه سود می‌دارد ، ۵۷:۱۳

چه‌کار : ترا با دین ایشان چه‌کارست ، ۵۷:۱۱

چه پرسش تنها در صورتهای زیر پیوسته است :

چرا : و چرا ما را خبر ندهدکی تو پیامبر اوبی ، ۶۲:۲۶

چگونه : می‌ترا بیازمایدکی تو حق مادر چگونه نگاه داری ، ۹:۶

چکنیم : چکنیم نتوانیم کی مرخلفای خود را یاری ندهیم ، ۱۹:۴

چگویند[1] : چگویند پیش جهودان وترساآن ، ۷۹:۲۲

چی

واژهٔ پرسش و ربط

«چی» همواره جدا نوشته شده است :

چی‌کارست : ترا با دین ایشان چی‌کارست ، ۵۷:۹

چی‌کردند : کاسکی بدانمی کی با آن سوم گروه چی‌کردند ، ۲:۱۲

چی بوده است : یا عبدالله چی بوده است مرترا ، ۷:۳

چی‌می‌گوید : سلیمن بجای آوردکی چی می گوید ، ۳۶:۱۹

چی‌می‌گزارید : و دل حاضردارید درمیان نمازتا بدانیدکی‌چی می‌گزارید ، ۵۴:۲۶

چی : ازیراچ اگر بنده چی معصوم است از پند وز امر ونهی خالي نباشد ، ۸۹:۲۲

۱- یك‌بار به‌صورت جدا نیز دیده شده است : چه گویند ، ۸۴:۱۶

تنها در دو مورد زیر، «چی» با نشانهٔ زیر[1] و سکون آمده است :

چیْ : یا ابرهیم این بتان کی پدرانتان می‌پرستند چیْ‌نیند آسلم اَخْلص‌خالص گردان دل خویش‌را پشناخت خدای عزوجل ، ۷۷:۸

گفت این آرزوهاست‌کی ایشان می‌برند په‌آرزو چی نیابنده ، ۲۴ : ۵۵

را

نشانهٔ مفعول بی‌واسطه

«را» به دوگونهٔ پیوسته و جدا نوشته شده است :

الف ـ بیشتر به صورت جدا آمده است :

آن را : و آن را زبان بند نام می‌کنند ، ۴۶:۵

آن ره را : مردمان آن ره را بگرفتند ، ۳:۲۵

ایشان را : ایشان را از عرصات قیامت باز گردانند ، ۱۹:۱۸

این را : چه باشدی گر ما این را چون قبله سازیمی[2] ، ۶۹:۲۶

کسی را : کسی را برفرستادند تا پیامهای ایشان فرو شد ، ۲:۲

مرمومنان را : اندران پند است مرمومنان را ، ۳:۳

وی را : این دست بریدن مروالی راست وجزوی را کسی را نشاید ، ۶۱:۲۶

یکی را : یکی را بفروختی نان خریدی و یکی را نان‌خورش کردی ، ۳۸:۱۶

ب ـ «را» در نمونه‌های زیر به‌واژهٔ پیش از خود پیوسته است :

آنرا : بخریدند آنوا پیوست او پرزو ، ۹:۱۲

ایشانرا : اینجا بنه مرایشانرا و خود بازکرد چون‌ابرهیم ایشانرا آنجا بنهاد

۱- نگاه‌کنید به‌نشانهٔ زیر در « آوانمائی و نشانه‌گذاری » در بخش چهارم .

۲- در عکس روی «ـیمی» سایه‌ای دیده می‌شودکه ممکن‌است الف خنجری بوده باشد.

و خود بازگشت ، ۱۲ و ۱۱: ۶۸

ترا : مرو آنجا تا من ترا دو گاو قوی بدهم ، ۷:۹

خدایرا : فرمان‌بردارم خدیرا و رسول اورا ، ۳۹:۱

کرا : با ایشان گفت کرا خواهید گفتند سام‌بن‌نوح را ، ۲۱:۲۳

مردمانرا : پند دهند مردمانرا و گویند ما آزموده گشته‌ایم پدین بلا و عذاب ، ۴۲:۱

ویرا : فرمان و نهی ویرا خرد نباید داشت ، ۳:۴

س

«س» در واژهٔ «شست» که امروز با «ص» می‌نویسند :

شست رحمت : صدوبیست رحمت‌فرودآید ازان شست رحمت طواف‌کنندگان را بوذ ، ۷۵:۱۶

پشست رش : چون ایزد تعلی بالای ویرا پشست رش باز آورد ، ۷۲:۳

(برای ـ ش ، ـ شان نگاه‌کنید به « ضمیرهای‌پیوسته »)

ص

«ص» در واژهٔ فارسی :

صد فریشته : صد فریشته بگزینید و پس گفت نود فریشته بگزینید ، ۱۷ و ۴۲:۱۶

صد دینار : کفت صد دینارکم ندهم ، ۴:۱۱

ضمیرهای پیوسته

صورتهای وابستهٔ مفعولی و ملکی

۱ـ م :

پدرم : امانت پدرم پمن بازده ، ۶:۲۲

شکمم : پمیان راه درد شکمم بگرفت ، ۷:۵

مادرم : این جوان گفت مادرم نفرموده است ، ۷:۸

۲ـ ت :

پدرت : اگر مسلمانی نپذیری پدرت را بکشم ، ۳۷:۱۲

کت : پدان قبله‌کت فرمودم ، ۹۲:۱۷

۳ـ ش :

مبتلاش : مبتلاش کرد په‌بسمل کردن فرزند و پآتش نمرود ، ۶۶:۲۲

وقتهاش : و وقتهاش نگاه دارید و قرآة اندر وی درست خوانید ، ۵۴:۲۱

مسلمانیش : و این دختر منافقه بود و مسلمانیش پاک نبود ، ۳۵:۱۴

معنیش : معنیش بپارسی چنان باشد کی وای بریشان ، ۱۳:۲۰

دلش : پشکفتی بماند و دلش شادمانه گردد ، ۵:۱۵

مملکتش : مرورا از مملکتش معزول گردانید ، ۳۳:۲۴

مادرش : مادرش کفت یا فرزند دست‌مایه نداری ، ۶:۱۸

هنوزش : آن گاو بست کی هنوزش بکار اندر نیفگنده‌اند ، ۶:۴

۴ـ تان :

بدیهاتان : بلی از انک شما را مکافات بدیهاتان بدهد ، ۸۳:۱۳

پدانچتان : فرمان پجای آرید پدانچتان فرموده شد ، ۵:۵

دلتان : و اندر دلتان این مقدار خرد نیست کی بدانید ، ۱۲:۲۶

معیشتتان : کار معیشتتان چگونه است ، ۶۸:۲۱

جمله‌تان : جمله‌تان پیکجا آرد خداوند تعلی ، ۹۱:۳

دشمنیتان : ایشان را بگوی اگر دشمنیتان با جبریل ازین جهت است ،
۳۱:۲۳

۵- شان :

اندکیشان : واندکیشان برخوردارے[1] دهم اندرین دنیا ، ۷۱:۱۱

پدرانشان : و این هم پدرانشان کرده بودند ، ۲۸:۷

خانهاشان : آن بیرون کردن شما مریشان از خانهاشان حرام بود برشما ،
۱۹ :۷

دلهاشان : همیشه دلهاشان با سلیمن علیه‌السلم بخصومت می بود ، ۴۱:۹

رَشْکشَان : و رَشْکشَان آمد کی این پیغامبر از فرزندان اسمعیل آمد ،
۲۵:۲۲

ط

در واژه‌های زیر « ط » به‌جای « ت » نوشته شده است :

طپیدن : ماهی برکنارهٔ آب پدید آمد و برطپیدن گرفت ، ۴۱:۲

طلخی : هنوز از مرگ اول طلخی جان‌کندن در گلوی من است ، ۲۲:۷

طوفان : در وقت طوفان نوح ، ۷۱:۲۳

می‌غلطانید : و خویشتن را اندر خاك می‌غلطانید ، ۷:۲

فرو غلطد : از بالای کوه در لغزد و فروغلطد و پاره پاره شود ، ۱۱:۱۰

قیدهای مرکب

آنجا : آن گاو را آنجا بسمل کنند ، ۳:۱۴

۱- نویسهٔ «ے» به‌طور نا روشن بالای «ر» نوشته شده است.

آنجا روند و گوش دارند مران کلمات را ، ۴۴:۲۵

اینجا : اینجا افتاده‌ام و ترسم کی امانت مردمان ضایع شود ، ۷:۶

این‌چنین : ترا این‌چنین گفت ، ۷۳:۱۸

اگر شما مومنیدی این چنین نه کنیدی ، ۲۹:۷

این چونین : بازآمدم گفتم این چونین دیدم ، ۴۶:۲۲

بهمه جای : هردو بهمه جای بسکالیدند تا مرو را بکشند ، ۳:۲۰

هم چنان : و هم چنان ویران بماند وکس ندانست کی آنجا هرگز خانه بوده
است ، ۷۲:۲۵

و دیو هم چنان برسر منبر خلق را علم همی گفت ، ۳۸:۱۶-۱۷

هم چون : وز فرزندان ما قومی را نیز همچون ما گردان ، ۷۵:۹

هم‌چون : پیداشت کی حدیث روزی نیز هم‌چون حدیث امامی است ، ۷۱:۸

هم‌چونین : هم‌چونین خبر می‌دهید تا بدان پیغامبر بگروند ، ۳۳:۴

هم‌چنین : هم‌چنین هفت بار از انجا بدینجا آمد وزینجا بدانجا شد ، ۷۴:۵

همچنین[1] : و همچنین باز می‌آمدند و باز می‌رفتند ، ۴:۱۱

(برای ترکیب‌هائی که با یك ـ ساخته شده‌اند نگاه کنید به « یك ـ »)

ـ کَ

گونهٔ کوتاه «کی» (= که)

« ـ ک» در صورتهای زیر به‌طور پیوسته آمده است :

آنک : و آنک نگرفته بودند ماهی همه برستند ، ۲:۸

هرکی پدر ندارد و آنک مادر ندارد هردو یتیم باشند ، ۱۶:۱۹

برانک : ابرهیم برین سنگ بیستاد برانک تا آواز دهد ، ۶۹:۲۰

۱- « همچنین » به‌صورت پیوسته تنها همین یك‌بار آمده است .

بی‌آنک : خواست کی مرورا بفرماند بی‌آنک اندردین او خلل اندرآید ، ۳۷:۲۱

پدانک : این همه پاداش ایشان بود پدانک ایشان کفر را اختیارکردند ، ۲۹:۲

پدانك : و این را قصهٔ است پدانك یثرب شهري بوده است پنزدیک مدینه ، ۱۸:۱۱

چنانک : گاوی سخت زرد چنانک گویی از رنگ موی وی افتاب مِی‌برخشدی ، ۸:۴

چنانك : از وی چشمهٔ آب کشاید چنانك جویها از وی روان گردد ، ۱۱:۶

در حرف ربط مرکب «ازیراك» همیشه بی سرکج آمده است[1] :

ازیراك : ازیراك نخست کُشتن بوده است پس خریدن گاو ، ۹:۱۶

کی

«حرف ربط و موصول»

«کی» همیشه جدا نوشته شده است[2]:

الف ـ پس از واژه‌بست[3] ـ ی ($-i$) :

آن کسی کی : من با آن کسی کی یتیمی را کی از مادر و پدر مانده باشد بپرورد...، ۱۶:۲۱

آن فرمانی کی : په برکت آن فرمانی کی تو مادر خود را داشتی، ۸:۱۵

پهروقتی کی: پهمه عمر پهر وقتی کی کسی‌شیرزنی بخورد میان ایشان حرمت رضاع افتد، ۴۰:۲

۱ـ نیز نگاه کنید به «کاف‌های تنها» در صفحهٔ ۱۵ .
۲ـ نیز نگاه‌کنید به «کی» در شرح نویسهٔ «ی» در بخش دوم.
۳ـ نام « واژه بست » (enclitic) را برای صورتهائی که به واژه افزوده می‌شوند ولی تکیه نمی‌گیرند و میان آنها با واژهٔ پیشین مکث ممکن نیست، به‌کار می‌بریم.

ب ـ پس از «است» :

آنست کی : معنی این سخون آنست کی آن گاو پزردی چنان با شدکی. . . ، ۵:۱۴

اینست کی : اینست قصه و اینست کی خداوند تعلی گفت ، ۲:۱۴

بوده است کی : و اندران دریا ماهی بوده است کی آنرا زاهدَه خواندندی ، ۱ : ۸

چیست کی : چیست کی تو سپید موی برخاستی از گور ، ۲۲:۳

نه چنانست کی : نه چنانست کی شما می‌گویید ، ۵۶:۱۶

ج ـ پس از «آن» و «این» :

آن کی : از پس آن کی ترا آگاهی داده باشند ، ۸۹:۱۷

این کی : این کی عزازیل بود چون اندر خویشتن آن شهوت بدید ، ۴۲:۲۳

د ـ نیز در نمونه های زیر :

از انچ کی : ازانچ کی‌خداوند عزوجل برانچ‌خواهدکی بکند قادرست، ۴۹:۱۳

ازیراکی[1] : ازیراکی تا پیغامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم پمکه بود ، ۵۰:۷

بدان کی : بدان کی اندرین مسله اختلاف است ، ۸۶:۲۴

بل کی : گفت بل کی شما کی جهودانید ، ۷۸:۵

نه چنانست کی شما می‌گویید بل کی چنین است کی من می‌گویم ، ۵۶:۱۶

هم‌چنان کی : هم‌چنان کی مَیْخوردن ابتدا مباح بود ، ۹۱:۲۰

ه ـ «کی» در کاربرد ضمیر پرسشی[2] :

کی کُشته است : و بگویید کی او را کی کُشته است ، ۵ـ۴:۴

۱ـ این ترکیب بجز در این نمونه همیشه به‌صورت «ازیراك» آمده است. نیز نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۵.
۲ـ نیزنگاه‌کنید به «که» در همین بخش .

په‌کی : هاجر گفت ما را په‌کی می‌بکداری ، ۷۳:۱۷

که

ضمیر پرسشی و « حرف ربط و موصول »

شمارهٔ این‌گونهٔ « که » در برابر « کی » اندك است[1]:

«که» در کاربرد ضمیر پرسشی :

که‌کشته است : تا پما باز نمایدکی او را که‌کشته است ، ۴:۲

هرجا کی کُشته‌ی بابید وندانیدکی که کشته است ، ۳:۱۱

«که» ربط و موصول :

که[2] : زن‌که این سخون بکفت در ساعت بیفتاد و جان بداد ، ۲۱:۱۷

آورده‌اندکه : و در تفسیر آورده‌اندکه اگر ایشان این ان‌شاآلله نگفتندی ، ۵:۲۶

چنین است‌که : و بعضی گویند خود چنین است‌که چون خواهدچیزی را کی پدید آرد ، ۶۲:۲۱

در خبر است‌که : در خبر است‌که از عُلمای جهوذان تنی چند پخانه‌ی کَعْب اشرف آمدند ، ۱۴:۲

ای‌که : ای‌که همه را[3] دروغ زن کند اندر دوژخ کنده ، ۵۸:۲

سخونهایی‌که : سخونهایی‌که پدان سبب میان زناشویی جدایی افکنند ، ۴۲:۵

۱ـ نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۹ و به‌نمودارگونه‌های « کی » در دفتر سوم .
۲ـ در این مورد به‌معنی « همین‌که » آمده است.
۳ـ « را » ظاهراً با قلمی دیگر دربالای فاصلهٔ میان « همه » و « دروغ » افزوده شده است.

هرچ‌که : خداوند تعلی قادرست برهرچ‌که خواهد بتواندکرد ، ۹۱:۵

هم‌چنین‌که : گفت هم‌چنین‌که این کافران مرترا می‌گویند ، ۶۳:۵

هرکسی‌که : و آن‌کلماتی است‌کی هرکسی‌که برچیزی برخواند آن مُراد او حاصل آید ، ۴۵:۶

مگرکه : مگرکه این مشرکان مکه برتو حجتی نمایند و بهانه‌ی نمایند ، ۹۲:۹

ـگان

گونهٔ وابستهٔ نشانهٔ جمع « ـ ان »

در واژه های پایان یافته به « ـه » یا « ه » هنگام پیوستن به « ـگان » های ناملفوظ نوشته نشده است :

بچکان : ما ازین جهت است‌کی پخردکی بچکان را ختنه‌کنیه ، ۱۵:۸

بندگان : و نبی پدان‌کس فرستاد از بندگان خویش کی او خواست ، ۲۶:۱۰

بیچارگان : پجای درویشان و بیچارگان نیکوی کنند ، ۱۶:۲۶

زبان زدکان : ایشانند زبان زدکان شُکرْوفان ، ۶۵:۲۲

سفلکان : پدین سبب از سفلکان خویش هدیها یافتندی ، ۱۴:۲۱

فریشتگان[1] : وقتی فریشتگان آسمان په زمین نگریستند ، ۴۲:۱۲

گرویدگان : مژدگان دهنده فرستیدیم ترا مرگرویدگان را پُبهشت ، ۶۳:۲۶

مردگان: نابینـاآن را بینـا گردانیدی ومردگان را زنده گردانیدی ، ۲۰:۱۷

نبیرگان : و پفرزندان یعقوب و نبیرگان او و هرکی ازیشان پیامبر بود پهمه گرویدیم ، ۸۰:۴

۱ـ مفرد این واژه به‌صورت « فریشته » آمده است. نگاه‌کنید به‌بند ۲ از نویسهٔ « ی » در همین بخش .

واژهٔ « پیشین »[1] با اینکه به های ناملفوظ پایان نیافته، با « ـگان » جمع بسته شده است :

پیشینگان : وگفتارهای ایشان با گفتارهای پیشینگان یکسان شده است ، ۱۲ : ۶۳

پیشینگان : چون گفتار این کافران با گفتار پیشینگان یکسان شده است بایدکی ، ۶۳:۱۳

و همچنین در واژه‌های زیر:

په‌پدرگان، پمادرگان: گفت چیست کی فرزند گروهی په‌پدرگان ماند و گروهی پمادرگان پیغامبر گفت صلی‌الله علیه وسلم هرکرا آب غلبه کند فرزند پکسهای او ماند، ۲۵ : ۳۰

نامهای عربی و عبری

نامهای عربی و عبری به‌صورتهای زیر نوشته شده‌اند :

۱ ـ با « الف محذوف »[2] :

ابرهیم و اسحق : پامانت پخداوند ابرهیم و اسحق سپرده است ، ۶:۲۰

اسمعیل[3] : و ابرهیم را علیه‌السلم از هاجر اسمعیل بیامد ، ۶۸:۶

سلیمن[4] : و هرباری کی سلیمن علیه‌السلم پآب خانه اندر شدی ، ۳۴:۲

۲ ـ با الف پایانی :

زکریا : چنان چون زکریا و یحیی را علیهماالسلم ، ۲۳:۲۳

۳ ـ با « الف مقصور » :

عیسی : تو آنی کی پدعای عیسی ازگور برآمدی ، ۲۱:۱۴

۱ـ پیشین ، ... ۱۴ و ۶۳:۸
۲ـ نیز نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۳۹.
۳ و ۴ـ این دونام با الف نیز آمده‌اند. نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۳۹.

محمد مصطفی : مرمحمد مصطفی را صلی‌الله‌علیه‌وسلم همچنان بشناسند په پیغامبری‌کی ، ۹۰:۱

موسی : گفتند یا موسی برما فسوس می‌کنی ، ۳:۹

یحیی : وگروهی را بکشتند چنان چون زکریا و یحیی را علیهماالسلم ، ۲۳:۲۳

۴ ـ با « واو محذوف »[1] :

داود : اندرشارستان اَیْلَه اندر ایام داود علیه‌السلم ، ۱:۷

۵ ـ با تای گرد (ة)[2] :

تورية : دادیم ما مرموسی را نامهٔ و آن تورية است ، ۲۰:۸

ـ ها

نشانهٔ جمع

نشانهٔ جمع « ـها » پس از نویسه‌های پیوندپذیر همه‌جا به‌گونهٔ پیوسته نوشته شده است :

الف ـ پس از واکهٔ i ـ (یای پایانی) :

تباهیها : ایشان گناهان کنند و تباهیها کنند ، ۴۲:۱۴

نشانیها : وزان نشانیها یکی آن بودکی دعا کردی ، ۲۵:۱۶ ،

نیکوییها : تا پراستای خویش و پیوندان نیکوییها کنند ، ۱۶:۱۵

ب ـ پس از های ناملفوظ که در این صورت می‌افتد.

بهانها : بهانهای دروغ آرند ولکن اندران بهانهای ایشان هیچ روشنی نباشد ، ۹۲:۶

۱ـ نیز نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۴۰.
۲ـ نیز نگاه‌کنید به « ة » در صفحهٔ ۱۵۲.

بیٖهدها : آن بیٖهدهایِ تَرْفَنْدها کی از سَرَیاکَان خویش و دانشمندان خویش
مِیٖشنوند ، ۱۳:۱۱

جزیرها : مسافتی دورست بردریا گذشت باید وز جزیرها ، ۳۷:۲۰

چشمها : نگرویٖم تا ما را از میـان این گوهها چشمهایِ آب پدید نیاری ،
۵۲:۱۲

خواستها : وبگزاریٖد زکوتهای خواستهاتان برموجب شریعت ، ۵۵:۱

خانها : یافـتند اندر خانها دهگان و پنجگان و کَمْ و بیشْ مرد و زن ، ۲:۵

فایدها : و آنگاه فایدهایِ سنگ پدیدکرد ، ۱۱:۳

گردها : خداوند تعالی از[1] گردهای شما فُرغول کار نیست ، ۱۱:۱۳

کلمها : آن کلمها ایشان برخواندند من یادگرفتم ، ۴۶:۲۴

هدیها : از سفلگان خویش هدیها یافتندی و رشوتها ستدندی ، ۱۴:۲۱

ج- پس از همخوان (صامت) :

آنکسها : آنکسها کی ایشان بیٖدادگر باشند ، ۶۷:۶

پیغامها : کسی را برفرستادند تا پیغامهای ایشان فروشد ، ۲:۳

جایها : از هر گونه میوهٔکی جایهایِ دیگر باشد ، ۷۱:۱

جویها : چنانك جویـها از وی رٌوان گردذ ، ۱۱:۶

حوضها : حوضها ساختند وز دریا آب را پدین حوضها راه دادند ، ۱:۱۴

دلها : گفت دلهایِ شما چون سنگهاست پسختی ، ۱۱:۲

رویها : رویهای خویش را پوقت نماز سوی خانهٔ کعبه‌کنید ، ۸۸:۱۹

سخونها : این سخونها بهر آن خوانیم برخویشتن تا عذاب برما مکر سبکتر
شود ، ۴۲:۱

۱- « از » در حاشیه نوشته شده است .

کوهـها : و این کوهـها را همه از میان ما برنگیری بدَل کوهـها باغـها
نگردانیٌ ، ۵۲:۱۳

نعلینـها : و دور باشید ازین نعلینـها کی از پوست گاو سیاه‌کنند ، ۵:۱۷

نیٖرَنْگها : و آن نبشتـها را کی دیٖوان نبشـته بودند از جادویها و نیٖرنْگها،
۳۳:۱۸

د ـ پس ازبرخی ازجمع‌های عربی :

عجایبها : ما پتو نگرویٖم تا تو ما را عجایبها ننمایی وزان عجایبها اندر
سورهٔ بنیٖ‌اسـرایـل یادکرده است ، ۵۲:۱۰

کُتبها : دیوان آن کُتْبها را برآوردند اندر میـان مردمان پراکندند ،
۴۱:۶

مسایلها : و مسایلهایی کی برین مقالست ، ۶۱:۲۳

معجزاتها[1] : و آوردند از خداوند تعالی پسوی شما معجزاتهایی کی ،
۲۷:۲۵-۲۶

هم

«حرف ربط»

« هم » همیشه جدا از واژهٔ پیش یاپس از خود نوشته شده است :

ایشان هم : ایشان هم برین حال روزگاری مِیٖآمدند و مِیٖشدند ، ۴۳:۶

ترساآن هم : و ترساآن هم چونین گفتند مرجهودان را ، ۵۵:۱۸

من هم : پدان نفـقاتی کی دیگر دایگان این بچه را پدارند من هم پدان بدارم،
۴۰ : ۱۲

۱- مفرد این واژه به‌صورت « معجزت » به‌کاررفته است. نگاه‌کنید به « ت » درهمین بخش.
جمع آن به صورت معجزات ، ۶۳:۱۶ نیز آمده است.

هم[1] این معنی : اکنون هرچ اندر همه قرآن سوف و سیْن بینی هم این معنی دارد ، ۸۴:۳

(برای **هم** در ترکیب‌ها، نگاه‌کنید به « قیدهای مرکب »)
(برای **هم ـ** نگاه‌کنید به‌بخش پیشوندها)

هیچ

«صفت مبهم»

« هیچ » همواره جدا از واژهٔ پس از خود نوشته شده است :

هـیچ جای : هـیچ جای نشان آب ندید پس زاری‌کرد ، ۷۴:۳

هیچ چیز: گفتند چه دیدی گفتم هیچ چیز ندیدم، ۱۸ : ۴۶

هـیچ‌کس : و نه نیـز هـیچ‌کس مریشان را یاری دهنده باشد ، ۲۰:۵

هیچ‌گونه : و هیچ‌گونه ندانسـتم کی سوار را وپـیاده را آنجا راه بوذ ، ۳۷:۲

یك

« عدد در ترکیب »

در ترکیب با واژه‌های دیگر دربیشتر موردها جدا نوشته شده است :

یک دیگر : چون بیرون شدند یک‌دیگر را گفتند ، ۴۸:۴

یك‌دیگر : و مریك‌دیگر را از خانها و از شهرها بیرون مکنید ، ۱۷:۲۴

یک‌رنک : گویندگاوی است یک‌رنک ، ۷ـ۶:۶

یك روی : پارسیِ مُخلص یك روی باشذ ، ۸۲:۱۷

۱ـ در اینجا درست‌تر می‌نمایدکه با نگرش به‌بافت این جمله « هم » را به‌معنی « نیز » گرفت. نگاه‌کنید در صفحهٔ ۹۴ به « همین » که همیشه پیوسته نوشته شده است.

یك ساله : و گاوی یك ساله را با خود ببرید ، ۳:۱۳

یك شنبد : چون‌روز یك شنبد بودی برفتندی ، ۱:۱۷

یک‌گونه : با دلهای آن‌کافران یکسان و یک‌گونه شده است ، ۶۳:۱۱

« یك » تنها در صورتهای زیر پیوسته است :

یکبار : ابرهیم علیه‌السلم هرماهی یکبار بزیارت هاجر و پسر بیامدی ، ۶۹:۱۵

یکبارگی : اگر چنانست‌کی بهشت یکبارگی مرشما را خواهد بودن ، ۲۹:۲۰

یکپاره[1] : و بعضی گفتند یکپاره گوشت کی در میان دوکتف او باشد ، ۱۰:۳

پیکجا : جمله‌تان پیکجا آرد خداوند تعلی از بهرکردن حساب را ، ۹۱:۳

یکچندی : و ایشان یکچندی برین جمله نگاه می‌داشتند ، ۱:۱۲

یکسان : دلهای این‌کافران با دلهای آن‌کافران یکسان و یک‌گونه شده است ، ۶۳:۱۰

یـ

یای میانجیَ میان دو واکه[2]

این‌گونه یای میانجی در موردهای زیر آمده است :

الف ـ پس از واکهٔ a و پیش از واکهٔ i :

می‌نـمایِیم : ودروقت تو بامحمد نیز معجزات بسیاری می‌نـمایِیم ، ۶۳:۱۷

می‌نماییم : گفت ما آیت و معجزت می‌نماییم ، ۲۰ـ۶۳:۱۹

۱ـ یك‌بار دیگر نیز دیده شده است : یکپاره، ۷۲:۱۵
۲ـ این « یـ » که امروز بیشتر به‌صورت «ئـ» نوشته می‌شود از دیدگاه دستوری «یای میانجی» و از دیدگاه فن چاپ « یای آغازی » به‌شمار می‌آید. نیز نگاه‌کنید به‌پانویس صفحهٔ ۱۱.

ب- پس از واکهٔ u و پیش از واکهٔ i :

بپویید : چون میان وٰادیْ رسید بپویید تا پَمْروَه برآمد ، ۷۴:۵

مگویـید : شما کی مومنانید نیـز این مگویـید ، ۴۸:۱۰

میٖ گویید : پس کفتند شما هم میٖ گویید او را رَاعنا ، ۴۸:۹

میٖ گوییم : اکنون پآشکارا دشنام میٖ‌دهیٖم و[1] میٖ گوییم رَاعنَا ، ۴۸:۵

ـيـ
یای میانجی[2]

این یای میانجی پس از های ناملفوظ وپیش از واکهٔ ə آمده است:

سـیم : بار دیگر هم نشدم تا سـیم باربرسر تنور شدم ، ۴۶:۲۰

ـ یی

صورت املائی « ـ یی » در شش مورد زیر آمده است :

۱ـ « ـ ی » پایانی همراه با یای نکره :

پوادیٖی : و کاوی یك ساله‌را با خود ببرٖ‌ید پودایٖی کی آن را وادي قذرون کویند ، ۳:۱۳

جایٖی[3] : ازهرجایٖی ازدریاها ماهیان پزیارت وی آمدندی[4]، ۱:۹

۱ـ « و » ظاهراً با قلمی دیگر افزوده شده است.
۲ـ این « ـيـ » در فن چاپ « یای میانی » نامیده می‌شود . نیز نگاه کنید به‌پانویس صفحهٔ ۱۱ .
۳ـ نگاه‌کنید به‌گروه آوائی ây در بند ۷ از بخش دوم.
۴ـ نگاه‌کنید به‌بند ۱۰ از بخش چهارم.

۲ ـ یای میانجی با یای نکره پس از واکهٔ â[1] :

سخونهایی : و سخونهایی بیٖ‌اصل است ، ۵۵:۲۵

شـارستانهایی : آن[2] شـارستانهایی کی در پیش آن بود ، ۲:۲۴

نشانیهاییٖ : بداد[1]یم مرعیسی پسرمریم را علیهماالسلم نشانیهاییٖ برراستی پیغامبری ، ۲۰:۱۵

۳ ـ یای میانجی با یای مصدری پس از واکهٔ â :

توانایی : خداوند تعلی توانایی آن داردکی مُرده زنده کند ، ۱۰:۲۱

جدایی : اینك جدایی افتاد ، ۴۶:۳

گوایی : عیسی گفت گوایی یک تن بحکم درست نیاید ، ۲۱:۱۳

۴ ـ پی‌بند شناسهٔ دوم شخص مفرد پس از واکهٔ â :

اندر آبی : و یا پدین ایشان اندرآبی ، ۸۹:۱۷

فرمایی : و مران فریشته را بگوی کی چه فرمایی تا این گاو را پچند فروشم ، ۹:۶

۵ ـ گونهٔ وابستهٔ دوم شخص مفرد فعل « بودن » پس از واکهٔ u[3] :

اوبی : و چرا ما را خبر ندهدکی تو پیامبر اوبی ، ۶۲:۲۶

راست گویی : تو پدین دعوي راست گویی نه دروغ زن ، ۶۳:۲۴-۲۵

۶ ـ یای شرطی و استمراری پس از یای شناسهٔ دوم شخص مفرد :

بودیٖی : اکر تو پیغامبر بودیٖی راستی سخونهاي[4] تو در دلهاي[5] ما جُاي گیردیٖ ، ۲۴:۳

۱ـ نیز نگاه‌کنید به‌واژه‌های «مسایلهایی» و «معجزاتهایی» در بند «د» از نشانهٔ جمع «ـها» در همین بخش.
۲ـ در عکس به‌نظر می‌رسدکه « آن » در اصل « از » بوده و با قلمی دیگر تصحیح شده است .
۳ـ در این مورد« یی » می‌تواند نماینده ترکیب uy + i باشد نگاه کنید به‌گروه آوائی uy در بند ۷ از بخش دوم.
۴ و ۵ـ برای آمدن این‌گونهٔ «ي» در این مورد، نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۴۹.

ـی

گونهٔ پایانی و تنهای نویسهٔ « ی »[1] در موردهای زیر آمده است :

۱ ـ یای « نکره » و « وحدت » :

مردی چند : مردی چند ازین ناپاکان[2] بی‌باکان ، ۱:۱۳

گروهی : و گروهی گویندکی ایشان نیز کپی گشتند ، ۲:۱۱

سیکی : و آن را بفروختنی و بهای آن سه قسمت کردی سیکی بدرویشان دادی ، ۲۶-۷:۲۵

سیکی : و سیکی خود خوردی و سیکی بمادر دادی ، ۷:۲۶

۲ ـ یای مصدری :

الف ـ « ـ ی » به‌همهٔ نویسه‌های پیوندپذیر پیش از خود پیوسته است :

عاقلی : دیگر رسیدگی سدیگر عاقلی چهارم بی‌قامی ٭ ، ۱۷:۱۴

مسلمانی : و واجب شدن زکوة را هفت شرط[3] است اول مسلمانی ، ۱۷:۱۳

ناخواهانی : مردین ابرهیم را ناخواهانی نکنند ، ۷۶:۲۴

ب ـ پس از واکهٔ u :

نیکوی[4] : گفت فرمودیم بجای درویشان و بیچارگان نیکوی کنند ، ۱۶:۲۶

۳ ـ پی‌بند شناسهٔ دوم شخص مفرد:

کِری : چون پرسیدی مرو را کی چرا کِری گفتی غم پدرم گرفته است مرا ، ۱۶ : ۳۵

۱ـ نگاه‌کنید به ی در بند ۵ از بخش دوم و به‌صفحهٔ ۹۵.

۲ـ واژهٔ « ناپاکان » بالای « بی » ریزتر از واژه‌های متن نوشته شده است .

۳ـ لکهٔ سیاهی روی نویسهٔ « ط » را پوشانده است .

۴ـ به‌صورت نیکویی نیز آمده است . نگاه‌کنید به « ـیٔ » و به‌نشانهٔ جمع « ـ ها » در همین بخش .

۴ ـ یای میانجی میان دو واکه :

الف ـ پیش ازکسرهٔ اضافه و پس از واکهٔ ō :

درهای شارستان : و درهای شارستان بگشادند و اندر آمدند ، ۲:۴

رضای من : روَ شش دینار بفروش برشرط رضای من ، ۹:۳

ب ـ پیش ازکسرهٔ اضافه و پس از واکهٔ u[1] :

آرزوی فرزند : چون یکچندی برآمد ابرهیم را باز آرزوی فرزندگرفت ، ۶۹:۱

۵ ـ الف مقصور[2] :

تعلی : ایزد تعلی بداود علیه‌السلم وحی کرد ، ۱:۱۰

تعالی : جواب آنست کی ایزد تعالی هرپیغامبری کی بفرستادی ، ۳۲:۲۵

ـیٔ

این « یٔ » که همواره به‌طور پیوسته آمده ، نمایندهٔ چهار نقش زیر است[3] :

۱ـ یای نکره پس از واژه‌هائی که به « ـ ی » پایان یافته‌اند :

زشت نامیٔ : اما این زشت نامیٔ باشدکی برما نشیند ، ۴:۱

عرابیٔ : چنانك عرابیٔ یکی را پرسد نه من دوست توم ، ۵۶:۸

ماهیٔ : و اندران دریا ماهیٔ بوده است کی آنرا زاهِده خواندند[4]ی ، ۱:۸

۲ـ یای «تخصیص نکره» (یای پیش از نشانهٔ موصول) پس از یای مصدری:

گوابیٔ کی : پنهان کردند آن گوابیٔ کی خداوند را تعلی بود ، ۸۳:۹

۱ـ یك‌بار پس از واکهٔ u نویسهٔ « ی » نوشته نشده است : آرزو عرش، ۷۲:۸ .

۲ـ نیز نگاه‌کنید به «نامهای عربی و عبری» در همین بخش.

۳ـ نیز نگاه‌کنید به صفحهٔ ۴۷.

۴ـ میان « خواندند » و « ی » که در آخر سطر نوشته شده ، فاصله افتاده است.

نشانیِ کی : پهرنشانیِ کی از تو میِ درخواهند برراستیِ دعویِ تو ، ۸۹:۵

نیـکوییِ کی : پسبب نیـکوییِ کی بارےِ ازان کسی را پدید آید ، ۵۳:۲۲

نیـکوییِ کی : حسد غمیِ بودکیِ پدید آید در دل تو په نیـکوییِ کیِ پدید آید بربرادر تو ه ، ۲۶:۳

۳ ـ یای شرطی و استمراری پس از یای شناسهٔ دوم شخص مفرد :

نشـستیِ : اگر چنانست کیِ تو برمن نشـستیِ هرگز نیز مرا ندیدبیِ ، ۸:۱۳

۴ ـ یای مصدری با واژهٔ «یکی» :

پیـکیِ : یکیِ گویانیم و پیـکیِ پرستندگانیم ، ۸۲:۵

پیکیِ : و یگانه گشتم از بـهر خداوند خویش را و پیکیِ او اقرار دادم ، ۷۷:۱۲

ۂ

این « ۂ » نمایندهٔ سه نقش زیر است :

۱ـ یای میانجی پیش از کسرهٔ اضافه پس از واژه‌های پایان یافته به های ناملفوظ (ye =) :

خانهٔ : و برکت پیِ خویش اندر خانهٔ ما اندر آریِ ، ۶۹:۴

عم‌زادهٔ : عم‌زادهٔ مرا شما کُشتید ، ۹:۲۳

قصـهٔ[1] : و قصـهٔ آن چنان بودکیِ قومیِ بودند، ۱:۶

کنارهٔ : جاییست برکنارهٔ دریایِ طَبَرِیَه ، ۱:۷

گفـتهٔ : از گفـتهٔ خود پشـیمان شدند ، ۱۴:۸

۱ـ نگه‌کنید به « مورد ویژهٔ » در صفحهٔ ۴۸.

۲ـ یای نکره پس از های نا ملفوظ :

پشت‌وارهٔ : و چون روز شدیِ پشت‌وارهٔ هیزم آوردیِ ، ۷:۲۵

توشهٔ : پسویِ خانه رفتم کیِ تا توشهٔ آرم ، ۷:۵

خانهٔ ، قصهٔ : آنجا خانهٔ بناکن و این را نیـز قصهٔ است ، ۷۳:۱

دست مایهٔ : یا ضیعتیِ داشتیِ یا دست‌مایهٔ بودیِ او را[1] ، ۱۷ـ۶:۱۶

فریشتهٔ : یا پسر پندارم کیِ آن فریشتهٔ است میِ ترا بیـازماید ، ۹:۵

میوهٔ : از هرگونه میوهٔ کیِ جایهایِ دیگر باشد ، ۷۱:۱

نمونهٔ : آن را نمونهٔ گردانید یم ایشان را ، ۲:۲۰

۳ ـ در نقش دوم شخص فعل یاریگر (معین) در ماضی نقلی :

گشتهٔ : اگر از قیام شب ضعیف گشتهٔ تسبیح و تهلیل میِ کن ، ۷:۲۴

نشدهٔ : گفتند نشدهٔ پس بازکرد ، ۴۶:۱۸

ء

«همزه»

در واژه‌های عـربی زیر، همزه آورده شده است:

رٲفة[2] : ازیراچ رٲفة اندر صفت رَحمت بلـیغ‌تر بود از رحمت ، ۸۷:۲۳

رئیسیِ[3] : رئیسیِ ازان جـهودان کیِ اورا عبدالله‌بن‌صُوریا گفتندیِ، ۳۰:۱۶

شٲن : این آیت اندر شٲن ایشان آمده است ه، ۵۲:۱۷

مَنشَا[4] : و مَنشَاء او از بـابل باشد ، ۳۱:۱۲

۱ـ « او را » در بالای « یِ » ظاهراً با قلمی دیگر افزوده شده است.

۲ـ صورت همزه در این واژه ناروشن و مانند خط پهن کوتاهی به‌طور مایل « / » دیده می‌شود.

۳ـ در عکس به‌نظر می‌رسد پیش از همزه و در آغاز واژه یك « ی » به‌طور زائد نوشته شده است.

۴ـ در این واژه همزه کمی بالاتر و در امتداد نقطه‌های ش گذاشته شده است.

هیـٔات : خادمی را ازان تو برتخت تو بنشـانم و هیـٔات تو بروی پدید آرم، ۳۸:۱

هَیْـٔتْ[1]: بگوی کی پیری آمده بود برین هیـْٔتْ ، ۶۸:۲۲

در موردهای زیر همزه افتاده است :

الف ـ پس از واکهٔ ā (انداختن همزهٔ آخر) :

ابتدا : کفت مریشان را کی ابتدا دشمنی شما با جبریل ازکجا افتاده است ، ۳۱:۸

اِلْتِجا: چون پمکه اِلْتِجا کند...، ۶۷:۲۱

انبیـا واولیـا : تا بابّامی دراز انبیـا و اولیـا علیهم السلم آنرا زیارت می‌کردند ، ۷۲:۲۰

انتـها : پابْتدا تا انتـها هم بران حال مانده است ، ۵۰:۱۷

ب ـ پس از واکهٔ ā و پیش از واکهٔ i :

بنی‌اسـرایل : مردی بود اندر بنی‌اسرایل او را عامیل گفتندی ، ۳:۱۹

میـکایل : اکر پجای جبریل پنزدیک تو میـکایل آمدی ، ۳۱:۴

ج ـ پیش از واکهٔ a :

انشالله[2] : و قصه په‌جایکاه گفته آیدان شالله ، ۲۷:۲۴

مسله : و اندرین مسله اختلافست ، ۳۹:۱۵

بدان کی اندرین مسله اختلاف است ، ۸۶:۲۴

د ـ پس از واکهٔ a :

تاخیر : امّا در آیة تقدیم و تاخیرست ، ۸۷:۲۴

۱ـ در این واژه همزه به صورتی نزدیك به « ۲ »نوشته شده است.
۲ ـ نیز نگاه کنید به مورد آمدن نشانهٔ مدّ به‌جای همزه.

تاویـل : معنی و تـاویل این...، ۸۷:۱۹

ه ـ پیش از واکهٔ e :

قایْم : چون پمکه اِلْتِجا کند آن حد بروی قایْم نکردانند ، ۶۷:۲۱

مسایلها : و مسایلهایی کی برین مقالست ، ۶۱:۲۳

و ـ پس از واکهٔ o :

سوال : اگرکسی سوال کندکی روا باشد ، ۵۰:۲۲

مومنان : اندران پند است مرمومنان را ، ۳:۳

در نمونه‌های زیر نشانهٔ مدّ « ~ » به جای همزه آورده شده است :

انشاآلله : چنانک صفت در[1] قصه گفته آید انشاآلله ، ۶:۱۱

قرآة[2] : و قرآة اندر وی درست خوانَد ، ۵۴:۲۲

برآة : ازآن ده خصلت اندر سورة برآة یادکرده است ، ۱۳ : ۶۶

شآن[3] : این آیت اندر شآن ایشان آمد ، ۵۳:۱۶

۱ـ « در » در بالای « ت » پس از واژهٔ « صفت » با قلمی ریزتر افزوده شده است .
۲ـ همیشه به‌جای « قرائت » آمده است .
۳ـ این واژه شش‌بار با همزه و تنها یك‌بار با مدّ آمده است. نیز نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۲۷ .

بخش ششم

پیشوندها و پسوندها

پیشوندهای فعلی پیوسته

بـ

الف ـ پیش از واکهٔ ŏ با یای میانجیَ :

بیـازماید : میترا بیـازمایدکی تو حق مادر چگونهٔ نگاه داری ، ۹:۵

بیافتند : این گاو بیافتند پنزدیک کسی وآن بقیمت روز ازوی بخواستند ، ۴:۵

بیامد : پامر خدای عزوجل آن گاو بیـامد ، ۸:۱۰

بیـاموزم : گفتم لابد مرا میبـایدکی بیـاموزم ، ۴۶:۱۵

ب ـ پیش از واکهٔ i :

بیستاد : و پنزد این جوان آمد و بیستـاد ، ۶:۲۵

بیستانید : مرا پیش ایشان بُرد و بیستانید ، ۴۶:۱۴

ج ـ پیش از واکهٔ a با یای میانجی :

بیڤگند : چون عامیل را بکشت بر درئ از درهاي آن مسجد برد و بیڤگند ،
۳:۲۴

بینداختند : یعنی قرآن را بینداختند ای‌کی کار نبستند ، ۳۳:۱۴

د ـ پیش از واکهٔ o با یای میانجی :

بیفتاد : این بگفت و باز بیفتاد وز پس از[1] ان نیز هیچ سخون نکفت ،۶:۱۰

ه ـ پیش از همخوان (صامت) :

بُبَرْ[2] ، بفروش : این گاو را بُبَرْ و پسه دینار بفروش ، ۸:۲۴

بشدندي ، ببستندئ : و ایشان بشدندي و بند آب را ببستندئ ، ۱:۱۵

بماندی : تا ماهی اندران حوضها بماندی ، ۱:۱۶

و ـ پیش از پیشوند نفی :

بندهم : گفت تا پوست او پُر زرلدهید بندهم ، ۴:۱۲

ز ـ پس از پیشوند «می» :

می‌بخندد : پنداشتئ کی ازان نور می‌بخندد ، ۳۴:۱۹

مـ

پیشوند نهی « مـ » همواره پیوسته نوشته شده‌است :

مَبَادا : وَ آن روز مَبادا کی من از جملهٔ جاهلان باشم ، ۴.۲۰

۱ـ به‌نظر می‌رسد که «از» با قلمی دیگر افزوده شده است .

۲ـ نگاه کنید به «نشانهٔ پیش» در بخش چهارم .

مشو ، میاموز ، کار مَبَنْد : پخدای‌کافر مشو و جادوئ میاموز و کار مَبَنْد ، ۴۲:۳

مپرسید : پس ازین مپرسید از چگونکی‌گاو ، ۵:۶

مدارید : ای‌کی امید مدارید‌کی جهودان پشما بخواهند گروید ، ۱۱:۱۶

مرو : مرو آنجا تا من ترا دو گاو قوی بدهم ، ۷:۸

مفروش : مفروش تا پوست اورا پر زر پتو ندهد ، ۹:۱۰

مندیش ، مترس : گفت مندیش ازیشان و مترس ، ۹۲:۱۵

نـ

۱ـ پیشوند نفی «نـ» به‌جز در سه نمونه همواره به‌فعل پیوسته است :

الف ـ پیش از واکهٔ â همراه با یای میانجی :

نیارد : واگراندر سخون نَهْ اندر نیارد همی‌گوید من دوست توم ، ۵۶:۹

نیاید : پیغامبرئ آیدکی آن شریعت او با شریعت شما موافق نیاید ،
۲۳:۲۰

ب ـ پیش از واکهٔ a با یای میانجی :

نیڤگنده‌اند : آن‌گاویست‌کی هنوزش پکار اندر نیڤگنده‌اند ، ۶:۴،

نیڤگنیم : از یك‌دیگر جدا نیڤگنیم چنانك جهودان افکندند ، ۸۰:۱۲

نیسندیشند : عهد بسته بودندکی بروے بد نیسندیشند ، ۵۴:۷

ج ـ پیش از واکهٔ e با یای میانجی :

نیفتد : وزپس دوسال حُرمت شیرخوارگی نیفتد ، ۳۹:۲۶

د ـ پیش از همخوان :

نساختند ، روا نداشتند : وبا ایشان نساختند وگرفتن ماهی روا نداشتند ،
۱:۲۱و۲۲

می‌نشناخت : چنان شدکی خود را می‌نشناخت ، ۳۸:۵

ننشینی ، ننشانی ، نفروشی : تا بروی ننشینی و کس را برو ننشانی و بی‌فرمان من آنرا برکس نفروشی ، ۶:۲۳

۲ـ تنها در سه نمونهٔ زیر پیشوند «نـ» جدا از فعل نوشته شده است[۱] :

نه شوند : مرورا منکر[۲] نه شوند مگر فاسقان بی‌فرمانان از کافران ، ۳۲:۱۶

نه کنیدی : اگر شما مومنیدی این چنین نه کنیدی ، ۲۹:۷

نه میرید : نه‌میرید مگر برمسلمانی این مردن بدست کس نبود ، ۷۷:۲۵

پیشوندهای فعلی ناپیوسته

می‌ـ

پیشوند «میـ» بدون استثنا همواره جدا نوشته شده است :

می‌آرید : و برما بچه حجت می‌آرید ، ۸۲:۲۱

می‌آمد : مادرآن مرده خروشان از پس می‌آمد ، ۲۰:۲۶

می‌باشند : ایشان‌اند اندران بهشت جاوید جاوید می‌باشند ، ۱۶:۴

می‌برخشدی : چنانک گویی ازرنک[۳] موی وی افتاب می‌برخشدی ، ۸:۵

می‌دانی : ای‌کی می‌دانی بحقیقت ، ۴۹:۱۱

۱ـ و نیز دریك نمونهٔ مشکوك صورت پیوسته و جدای آن دریکجا آمده است :
برنه‌نکشتند ، ۱۷:۱۸

۲ـ واژهٔ «منکر» در متن نبوده و در حاشیه سمت راست اضافه شده است.

۳ـ درکنار سرکج گاف دو نقطه‌کم‌رنگ در عکس به‌نظر می‌رسد .

می‌رفت : ودیگر روزی عیسی [علیه][۱] السلم می‌رفت جنازهٔ پیش آوردند ، ۲۰:۲۵

یاد می‌کرد : و شمایل ایشان از روزگار کودکی تا بوقت پیری یاد می کرد ، ۳۶:۹

می‌کردند : اهل او تنک دلی بسیار می‌کردند ، ۲۰:۲۱

می‌کنند ، می‌ستانند : وای بریشان بدین‌کسپهاکی می‌کنند وبدین هدیها کی می‌ستانند ، ۱۴:۲۳

می‌گفتندی : وآنچ ازدانشومندان خویش شنیده بودندی بعضی بامومنان می‌گفتندی ، ۱۲:۱۳

می‌نمایم : و در وقت تو یا محمد نیز معجزات بسیار می‌نمایم ، ۶۳:۱۷

می‌یابند : پاداش به ازین جادوی باشدی وآنچ بر جادوی می‌یابند، ۴۷:۲۱

همی‌ـ

پیشوند «همی»[۲] نیز مانند «می» همواره جدا آمده است :

همی آورد : و اورا خوش خوشک همی‌آورد ، ۶:۲۶

همی آی ، همی‌شد : گفت براثر من همی آی‌براثرهمی شد ، ۷۴:۱۰

همی‌کنید : باما بچه چیز اندر مناظره همی کنید ، ۸۲:۲۰

همی گویند : همی گویند ترا یا محمد چراکی خدای عزوجل باما برابرسخون نگوید ، ۶۲:۲۵

همی نمرد : مرورا می‌فریفت و دل گرمی همی‌نمود ، ۳۷:۱۷

۱ـ نوشتن واژهٔ «علیه» را رونویسگر فراموش‌کرده و پژوهنده آن را در اینجا افزوده است .

۲ـ شماره همی در برابر می در این دستنویس اندك است . نیز نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۵۳.

پیشوندهای صفت‌ساز[1]

بـ

پیشوند «بـ» مانند پیشواژهٔ «به» باسه نقطه و به صورت پیوسته آورده شده است[2]:

پجای آرئِد : فرمان پجای آرئِد پدانچتان فرموده شد، ۵:۵

پسلامت : کفت گاوئی باشد پسلامت کی دروعیبی نباشد ، ۶:۶

پنفرین : و ایشان را خدای عزوجل پنفرین خویش[3] کرده است ، ۲۴:۱۲

بی‌

۱- پیشوند «بی‌» جز در چند مورد همیشهٔ جدا نوشته شده است[4]:

بی آب : دلهاي شـما چون سنگهاست پسختیی نئی چه از سنگها سختر و بی آب‌تر، ۱۱:۳

بی آگاهی : نه چنانك خداوند تعلی از کردهای شما بی‌آگاهی است، ۸۸:۲۶

بـی اصل : این دروغهاست کی ایشان گویند و سخونهایی بی‌اصل است، ۵۵:۲۵

بی‌بیم : ای کی مکه را جایی بی بیم گردان، ۷۰:۲۳

بی‌جرمی : وعذر سلیمن بازنمود وبی‌جرمی وی پیداکرد، ۴۱:۱۳

۱- برخی ازنمونه‌های آورده شده دراین بخش درکاربرد اسم یا فعلی‌که از«صفت» ساخته شده، آمده‌اند.
۲- این پیشوند در اصل همان پیشواژهٔ «به» است که در اینجا از نظر کاربرد وملاك معنائی در شمار پیشوندها آمده است.
۳- روی واژهٔ «خویش»خط‌کشیده شده‌است.
۴- نیز نگاه‌کنید به «بی» در صفحهٔ ۵۰.

بی‌خبر : کفت نیست خداوند تعلی از کَرَدهاي[1] شما بی‌خبر، ۱۱:۱۲

بی‌خردان : یك معنیش‌پارسی آن باشذ سرانجام بکویند این بی‌خردان ، ۸۴:۲

بی‌دادگر : کیست برتن وجان خود بی‌دادگر تر و بر خداوند تعلی دلیرتر ، ۸۳:۷

بی‌راه : این عمّار بی راه شذه است و دین پدران پسله‌کرده است، ۵۳:۱۴

بـی‌ستون[2] : پیـامبری او بـی ستون گشتند و اورا ناشناخته کـردند ، ۲۵:۸

بی شرمی : ولکن ایشان په بی شرمی ومکابره می‌کنند، ۶۳:۱۷

بی‌عیب : گاوی سخت زردچنانک گویی ازرنگ‌موی وی‌افتاب می‌برخشذی بی‌عیب گاوی ، ۸:۵

بی گُمان : تا شما اندر یـابیذ و بدانیذ وبی گُمان کردیذ، ۱۰:۲۰

بی‌نصیب : شمـا مرو را راست گـوی داشـتیذ از خیر من بی نصیب گشتیذ، ۱۴:۸

۲ - «بی» تنها در موردهای زیر به‌صورت پیوسته آمده است :

بیچارگان : فرمودیم پجاي درویشان و بیچارگان نیکوی کنند ، ۱۶:۲۶

بیدادگـر : جز آنک این بیداد گران پشرک بـر تو بهانهای دروغ آرند، ۹۲:۶

بیذهدا : گروهی نادانانند تـوریت خود ندانند جـز آن بیذهدای[3] ترفندها ، ۱۳:۱۱

۱- نگاه‌کنید به‌پانویس۳ در همین صفحه.
۲- در اینجا به‌معنی منکر وناباور آمده است.
۳- «ي» مانند «ئ» نوشته شده است. نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۴۹.

پای ـ

«پای ـ»[1] تنها درواژهٔ پای‌وه[2] (پای‌واه) دیده شده است :

پاي وه : حقاکی برنگیرند ازیشان آن پاي وه دوژخ، ۲۰:۳

گفت چنان‌نیست اکر اوخود هزارسال بزیدکی این‌زندگانی مرو را از عذاب و پای وه خداوند تعلی بخواهد رهانید ، ۳۰:۱۳

پای واه : ونه‌نیز هیچ کس مریشان را یاری دهنده باشد پباز داشتن آن پای واه ازیشان ، ۲۰:۶

هم ـ

پیشوند «هم» همواره جدا نوشته شده‌است :

هم‌سنگ : گفت اگر هم سنگ او زر دهی بی رضای مادر نفروشم ، ۹:۱

هم‌شهری : هم از بدادر[3] و پسر ایشان یاهم شهری ایشان ، ۷۶:۱

هم‌نشینی : و گروهی منافقان با مومنان هم‌نشینی کردندی ، ۱۲:۱۲

(برای **قیدهای مرکب** ساخته شده باحرف ربط**هم**[4]نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۱۱)

۱ـ ریشهٔ «پای» شاید Pat پهلوی یا Paiti اوستائی (برابر Patiy درفارسی باستان) باشد. نیز نگاه‌کنید به«تفسیرقرآن پاك» به‌اهتمام علی رواقی چاپ‌بنیاد فرهنگ ایران؛ صفحهٔ۱۳۸.
۲ـ این واژه مترادف باعذاب ورنج بوده است.
۳ـ نگاه‌کنید به «واژه‌هائی‌که در تفسیر قرآن پاك دوگونهٔ زبانی دارند» دردفتر سوم.
۴ـ «هم» درکاربرد حرف ربط درترکیب‌های وصفی وقیدی‌گاهی پیوسته است:
همان، ۴:۱۰؛ همین ، ۶۳:۶ ؛ همچنین ، ۴:۱۱.
نگاه‌کنید به‌مورد افتادن الف «این» درصفحهٔ ۹۳.

پسوندها

۱ـ پسوندهائی‌که جدا نوشته شده‌اند :

ـ زار

کشت زار : کی اینجا نه‌میوه است ونه کشت‌زار، ۷۱:۲

ـ سار

سنك سار : و حکمش برجای مانده است چنان چون سنك سار کردن مر زانیان را ، ۵۰:۱۴

ـ کار

فرغول کار[1] : خداوند تعالی از[2] کردهای شما فرغول کار نیست ، ۱۱:۱۳

فرویش کار : گفت ای کی فرویش کار نیسته، ۱۱:۱۳

ـ واره

پشت‌واره : ماهی را په‌پشت‌واره پکناره‌ی دریاآوردی ، ۱۵ ـ ۳۸:۱۴

و چون روز شدی پشت‌واره‌ی هیزم آوردی ، ۷:۲۵

۱ـ نگاه‌کنید به‌واکهٔ ō (واومجهول) درصفحه‌های ۴۰ و ۴۱.
۲ـ «از» دراصل در حاشیهٔ سمت چپ نوشته شده است.

۲- پسوندهائی که پیوسته نوشته شده‌اند :

- گین

اندوهگین : برکنارهٔ آبی نشسته بود اندوهگین ، ۴۱:۲

- گه

پایگه : آن پایگه از بشان بشد برروی زمین بماندند ، ۴۴:۲

- گان

پشتگانی کی : و یا پشتگانی کی مرترا یاری دهد، ۶۵:۷

- گر

توانگر : اندر بنی اسرایل مردی بود توانگر واورا عامیل گفتندی ، ۹:۱۹

- [ا -] ومند

دانشومندان : وگروهی از دانشومندان گفته‌اندکی ، ۱۱:۲۰

- مان

خانمان: و این گروه مران گروه را از خانمان بیرون کردندی ، ۱۸:۲۵

۳- پسوندهائی که هم به‌صورت جدا وهم به‌صورت پیوسته آمده‌اند :

- گار

زیان گاران : شما خودرا از زیان گاران کردید ، ۲۸:۶

رستگاری : هرچ خود کند اندرانش رستگاری بود ، ۶۷:۱۰

ستمگاری : بالائه والعدوان په بزه‌مندی و ستمگاری ، ۱۸:۸

- گان

ده‌گان ، پنجگان : یافتند اندرخانها ده‌گان و پنجگان و کم و بیش مردوزن کبی کشته : ۲:۵

- گاه

جای گاه : جای گاه ایمنی کردیم[1]، ۶۷:۱۷

جایگاه : و قصه په جایگاه گفته‌آید انشاالله ، ۲۳:۲۴

۱- دراصل برروی گ سه‌نقطه‌گذاشته شده است.

بجایگاه : چون این جوان بجایگاه مردان رسید رغبت افتاد ویرا بتزویج ، ۶:۱۷

پای گاه‌دار[1] : واندر علم و حکمت وعبادة و زهادت و مردپای گاه‌دار بود، ۳۵:۲۶

- مند

حاجتمند : ازیراك فرزند جوي حاجتمند بود پجفتي[2] وحاجتمند خدای را نشاید ، ۲۵ : ۶۰

دانشمندان : از سرپاکان خویش ودانشمندان خویش می‌شنوند ، ۱۳:۱۲

بزه‌مندی : یاری می‌دهید بر قهر کردن اهل دین خویش بالائه والعدوان په بزه‌مندی وستمگاری ، ۱۸:۸

۱- این واژه تنها همین یك‌بار آمده است.

۲- در عکس به‌صورت «پحفتی» به‌نظر می‌رسد. نیز نگاه‌کنید به‌نقطه‌گذاری نویسه‌ها» دربخش چهارم.

بخش هفتم

نامها و صفت‌های مرکّب

بخش‌های سازنده نام‌ها و صفت‌های مرکب جز در چند مورد همیشه جدا نوشته شده‌اند:

آب‌خانه: و چنان نمودکی از آب خانه همی بیرون آید، ۳۴:۸

بُت‌پرست: وپدین یثرب دوگونه مردمان بُت‌پرست بودند، ۱۸:۱۵

بُرنُس‌دار: از عُلما و حُکما و اهل دَرس وکُتب و مردمانی بُرنُس‌دار و عُکَازه‌گیر، ۱ : ۳۵

بزرک‌داشت[1]: گرد آن برمی‌گردند از بهر بزرک‌داشت آن، ۱۴ - ۷۰:۱۳

بزرگ‌منشی: بزرگ‌منشی کردید و گردن کشتی کردید آن پیغامبر را، ۲۳:۱۵-۱۶

۱- نگاه‌کنید به‌پانویس ۱ درصفحهٔ ۱۶.

بی‌دادگران[1] : آنکه از جملهٔ بی‌دادگران باشی برخویشتن ، ۸۹:۱۹

پاک‌دلی : ازپاک‌دلی خویش‌بفرمود تاآن چنان صورتی بکردند ، ۱۹ ـ ۳۵:۱۸

پای‌گاه‌دار : و اندر علم و حکمت و عبادة وزهادت ومردپای گاه‌دار بود ، ۳۵:۲۶

پیش‌رو : گروهی نیز هم چنان پیش‌رونیک مردان گردان ، ۶۷:۳

پیش‌روندگان : مر[2]ترا امامی خواهم گردانید ای‌کی پیش‌روی پیش‌روندگان اندرنیکیها ، ۶۷:۱

پیش‌دستی : پیش دستی‌کنید بطاعتها ونیکویها پیش‌کی اجل فراز رسد ، ۹۰:۲۵

تنک‌دل[3] : تنک‌دل گشت و بخدای عزوجل بنالید، ۴: ۷۲

تنک‌دلی[4] : بتعزیت‌آنجا شد اهل او تنک دلی بسیار می‌کردند ، ۲۰:۲۱

حرام‌زاده : جهودان مرورا متابعت نکردند ومرورا حرام‌زاده خواندند، ۲۲:۱۵

خون‌آب : و دعا کرد از پس آنک خون‌آب و زودآب از وی دویده بود ، ۲۰:۲۲

خون‌بها : اما ایشان را بگیرند وخون بها بستانند ، ۳:۱۷

خویشتن‌دار : از شما فریشتگان کیست خویشتن دارتر و پارساتر ، ۴۲:۱۶

دست‌مایه : با ضیعتی داشتی یادست مایهٔ بودی اورا[5] ، ۱۷-۶:۱۶

دست‌گیر : مرترا جزاز خدای عزوجل کی باشد دست‌گیری وکارسازی ، ۶۵:۶

دشمن‌دار : خدای عزوجل دشمن‌دارکافرانست ، ۳۲:۱۱

۱ـ نگاه‌کنید به‌پیشوند «بی» دربخش ششم.

۲ـ بر روی «مر» نقطهٔ پهنی در عکس به‌نظر می‌رسد. این سیاهی ممکن است نشانهٔ تمایزدهندهٔ «ر» باشد. نگاه‌کنید به‌بند ۷ از بخش چهارم.

۳و۴ـ نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۳۰.

۵ـ «اورا» برروی «ی» ظاهراً باقلمی دیگر افزوده شده است.

دروغ‌زن : اما ایشان مرورا دروغ زن‌کردند ، ۱۷ :۸۵

دل‌گرمی : مرو را مَلِی فریفت ودل‌گرمی همی نمود ، ۳۷:۱۷

دوست‌دارنده : هردل[1] عالمی کی مر دنیا را دوست دارنده باشد، ۶۷:۸

راست‌خیز : هم چنین زنده گرداند مرمردگان را پروز راست خیز ه، ۱۰:۱۷

راست‌گوی : اکنون شما مرورا راست‌گوی داشتید ، ۱۴:۷

راه‌نمای : این قرآن راه‌نمای ومژده دهنده است مرمومنان را ، ۳۲:۴

راه‌بری : ایزد تعلی فریشته ی را بفرستاد تا آدم راراه بری‌کرد ، ۷۲:۹

زبان‌بند : و آن را زبان‌بند نام می‌کنند ، ۴۶:۵

زشت نامی : اما این‌زشت نامی باشد کی برمانشیند ، ۴:۱

سه دیگر : اندرین سه دیگر گروه کی باایشان نان خوردند ، ۲:۸

فرمان بردار : و فرمان بردار باشند و فریضه‌گزار باشند ، ۱۶:۱

کار فراخ گیرنده : خداوند تعلی بربندگان خویش اندرباب شریعت‌کارفراخ گیرنده است ، ۶۰:۱۲

کام رانی : برگزیدند زندگانی وکام‌رانی این جهان برآسانی وکام رانی آن جهان ، ۱۹:۲۶

کم دانانند : ازین جهودان گروهی کم دانانند ، ۱۳:۹

کم علم‌تر : این گروهی از جهودان کی کم علم‌تر بودند ، ۱۲:۱۱

گردن‌بردتر : کیست بر تن و جان خود بی‌دادگرتر و بر خداوند تعلی دلیرتر وزخداوندگردن بردتر، ۸۳:۸

۱ـ درون «ل» الف خنجری‌گذاشته شده‌است . به‌نظر می‌رسد رونویسگر خواسته است درآغازواژهٔ «دنیا» را به‌جای «دل» بنویسد وپیش‌ازبه‌پایان رساندن واژه به‌نابجا بودن آن پی‌برده‌است .

گردن‌کشی : بزرگ‌منشی کردید و گردن‌کشی کردید آن پیغامبر را ، ۲۳:۱۶

گردن نهنده : و مر ترا بهمه فرمانها فرمان بردار باشیم و گردن نهنده ، ۷۵:۸

گفت‌گوی : چون این گفت‌گوی اندر میان مردمان افتاد ، ۳۸:۲۱

گفت‌گویی : و گفت‌گویی[1] پدید آمد کی اندرخانهٔ سلیمن می‌بت‌پرستند ، ۳۵:۲۳

ماهی‌گیران : وبا این ماهی گیران بساختند ، ۱:۲۳

میراث‌خوار : جز وی مرورا میراث‌خواری نبود ، ۹:۲۱

نام‌زد : چنانک مارا اندران نام‌زد کرده باشد کی این محمد پیغامبر منست[2] ، ۵۲:۱۵

نان‌خورش : یکی را بفروختی نان خریدی و یکی را نان خورش کردی ، ۳۸:۱۶

نیک‌آمد ، نیک‌بختی : مر شمارا دینی گزید ای کی بهرنیک‌بختی شمارا و نیک آمد شما را دین اسلام ، ۷۷:۲۴

نیک‌مردان : از فرزندان من گروهی نیز هم چنان پیش‌رو نیک‌مردان گردان ، ۶۷:۳

نیک‌نامی : چه باشد اگر ما را گرامی گردانی و نیک نامی از ما دریغ نداری ، ۶۹:۳

هیزم‌کشان : مگر هیزم‌کشان که کی بهیزم‌کشیدن ازحرم بیرون آیند ، ۸۸:۱۳

یاری‌دهنده : ترا بر جهودان و ترسا آن یاری دهنده خدای عزوجل بس ، ۸۱:۴

۱- در عکس برروی «و» نیز الف خنجری دیده می‌شود.
۲- نشانهٔ «زیر» ظاهراً می‌بایست زیر «ر» گذاشته شده باشد.

یك رنگ[1] : گاوی‌است یک‌رنگ کی برهمه‌اندام وی هیچ جای رنگی دیگر نیست ، ۶:۷

بخش‌های سازنده نام‌ها وصفت‌های مرکّب تنها در واژه‌های زیر به‌هم پیوسته‌اند[2] :

پابدستها : تمام گزارید نمازها را با بدستهای تمام و وقتهاش نگاه دارید ، ۵۴:۲۱

پایاب : از میان آب کی پایاب بودی ماهی را بپشت‌واره بکنارهٔ دریا آوردی ، ۳۸:۱۴

پیامبر : و چرا مارا خبر ندهد کی تو پیامبر اوی ، ۶۲:۲۶

پیغامبر : و اندر خبر است کی پیغامبر گفت صلی‌الله‌علیه‌وسلم ، ۱۶:۲۱

راستخیز : کفت پروز راستخیز سزای ایشان آنست کی ، ۱۹:۱۷

سدیگر : چون روز سدیگر بود بدید این گاورا بدین نشان ، ۸:۸

سیکی : سه‌قسمت کردی سیکی بدرویشان دادی وسیکی خود خوردی ، ۷:۲۶

شبانگاه : و شبانگاه باز پآسمان باز آیند ، ۴۳:۶

یکسان[3] : دلهای این کافران با دلهای آن کافران یکسان و یک گونه شده است ، ۶۳:۱۰

۱- برای نمونه‌های دیگر نگاه‌کنید به «یك» در بخش پنجم.
۲- نگاه‌کنید به «پسوندهائی که پیوسته نوشته شده‌اند» در بخش ششم.
۳- نگاه کنید به «یك» در بخش پنجم.

دفتر سوم

نمودارها و فهرست‌ها

بخش هشتم

نمودارهای آماری

یکی از روشهای بنیادی در بررسی‌های آماری ترسیم نمودارها و بویژه فراهم آوردن نمودارهای پراکندگی داده‌ها و شاخص‌هاست. اما درموردهائی مانند بررسی‌های املائی و سبک‌شناسی که چندی‌های آنها مانند پاره‌ای از امور دیگر به آسانی آمارپذیر نیستند، بایسته‌است که فراهم‌آوردن نمودارها بربنیاد بررسی‌های ویژهٔ دیگر انجام پذیرد. یکی از این بررسی‌ها شناسائی وجداسازی واژه‌هائی است که از جهت نقش ویژهٔ دستوری یا موضوع متن دربرابر واژه‌های دیگر «بسامد»[1] در خورنگرشی دارند. از این روی هنگام بدست‌آوردن داده‌های آماری در مورد نویسه‌هائی‌که برای نوشتن اینگونه واژه‌ها به‌کار رفته‌اند از دیدگاه همگن بودن نمودارها، این واژه‌ها باید جداگانه به‌شمار آیند. برای نمونه باید یادآور شدکه دردستنویس تفسیر قرآن پاك نویسه‌های «ک» و «ی» در واژهٔ ربط و پرسش «کی» در نمودارهای همگانی این دونویسه به‌شمار نیامده ودرجای ویژهٔ خود مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- frequency.

چنانکه در دفتر نخست شرح داده شده است ، نویسهٔ «ی» برخلاف موردهای دیگردر این واژه جزدریك نمونه همیشه بی‌الف خنجری آورده شده وهمچنین درگونهٔ «که» کاف آغازی به‌طور یکدست به‌شیوهٔ نسخ نوشته شده‌است. بنابراین با در نظرگرفتن موضوع و سبك یك متن روش فراهم آوردن نمودارها در دستنویسهای گوناگون در همهٔ موردها همیشه یکسان و همانند نخواهد بود.

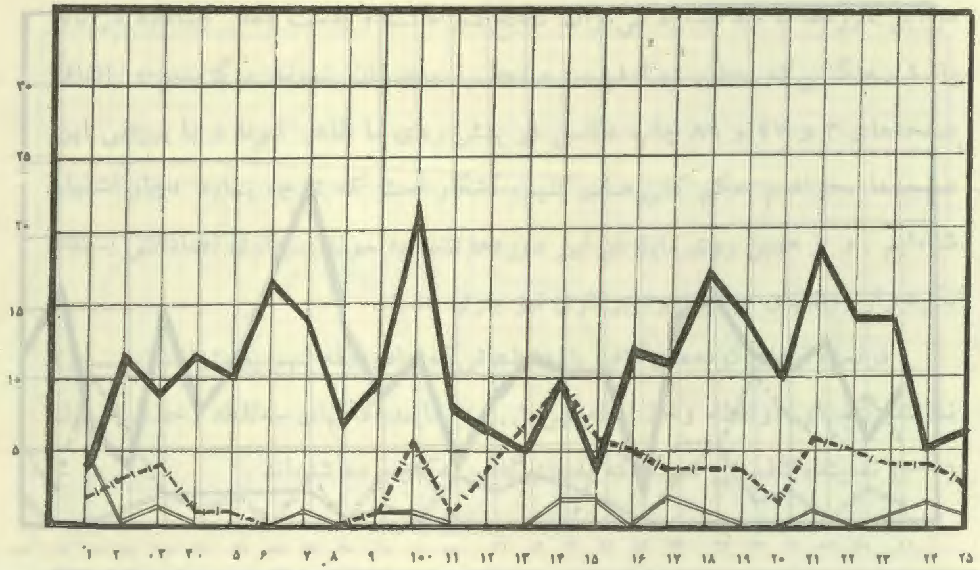
بانگرش به‌نکته‌های یاد شده دربالا دراین بخش‌نمودارهای پراکندگی نویسه‌های‌کاف و گاف و «ی»که بسامد زیادی دارند و همچنین‌گونه‌های «کی» در این دستنویس مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نمودارهای گونه‌های کاف :

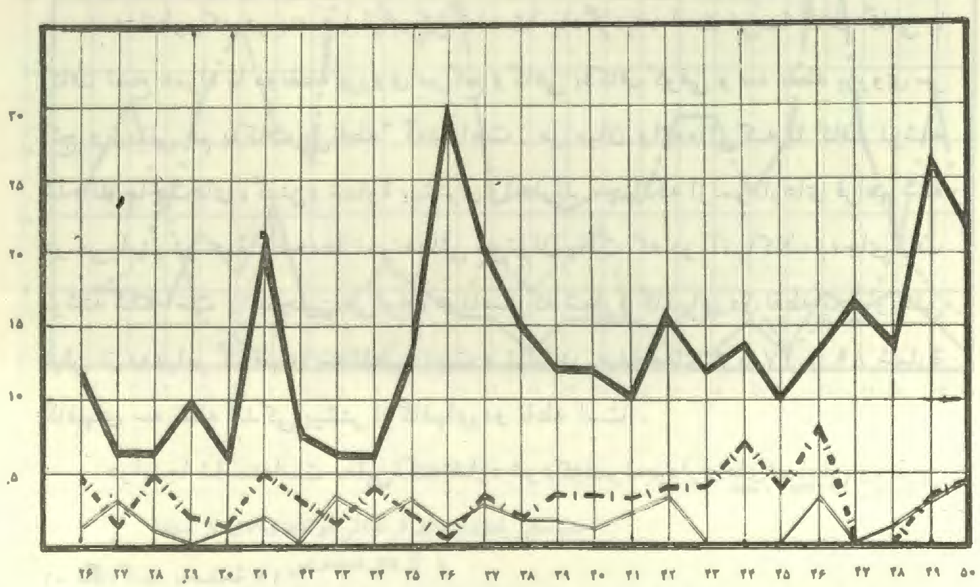
چنانکه در دفتر نخست به‌طورگسترده یادگردیده است[1] کافهای آغازی و میانی با دوگونهٔ نسخ (ک ، ک) وکوفی (ک ، ک) و کافهای پایانی و تنها با سه گونهٔنسخ (ک) وکوفی (ک) وبی‌سرکج‌بانشانهٔ همزه‌مانند درون آن (ك) آمده‌اند.

دراین‌نمودارهاگونه‌های نسخ‌کافهای‌آغازی ، میانی ، پایانی وتنها یکجاشمرده و نشان داده شده‌اند و تنها نمودارگونهٔ پایانی و تنهای «ك» به‌طور جداگانه آورده شده است. همانطورکه دربالا یاد شد دراین نمودارها کافهای‌آغازی‌گونه‌های «کی» که جداگانه مورد بررسی قرارگرفته ، به‌شمار نیامده‌اند[2] . درمحور افقی شماره‌های پی‌درپی صفحه‌های چاپ عکسی و درمحور عمودی فراوانی نویسه‌ها که به‌طور پنج پنج افزایش یافته ، نشان داده شده‌اند. خط سیاه (ـــ) نمودار کافهای نسخ وخط تیره‌دار (ـ۱ـ۱ـ) نمودارکافهای‌کوفی و دوخط نازك (══) نمودارکافهای پایانی و تنهای بی‌سرکج است .

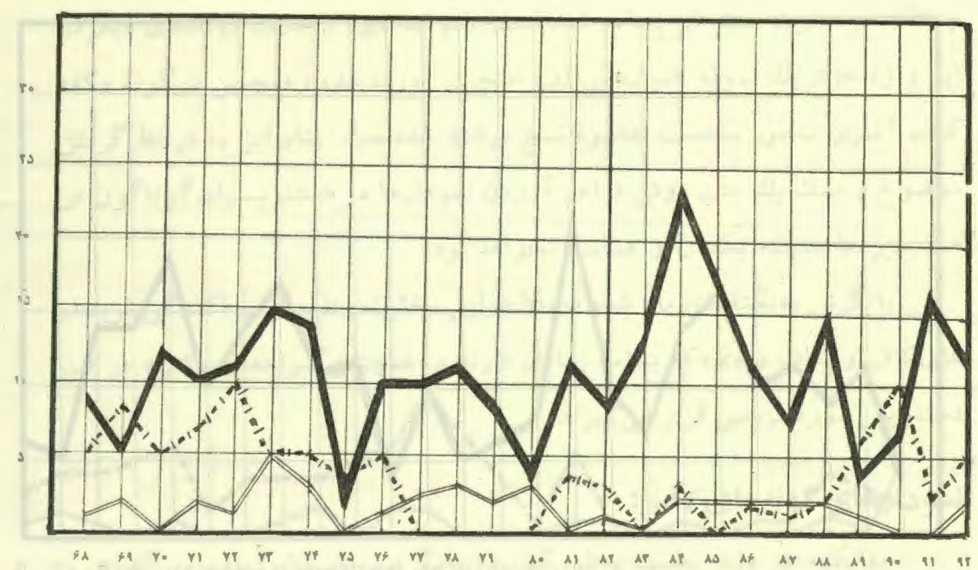
۱ـ نگاه‌کنید به‌بند ۹ از بخش نخست .
۲ـ نگاه‌کنید به‌صفحه‌های ۹و ۵۱.



هم‌سنجی نمودارهای فراوانی‌گونه‌های‌کاف از صفحهٔ ۱ تا ۲۵ دستنویس



هم‌سنجی نمودارهای فراوانی‌گونه‌های‌گاف از صفحهٔ ۲۶ تا ۵۰ دستنویس



هم سنجی نمودارهای فراوانی گونه‌های کاف از صفحهٔ ۶۸ تا ۹۲ دستنویس

نمودارهای گونه‌های گاف :

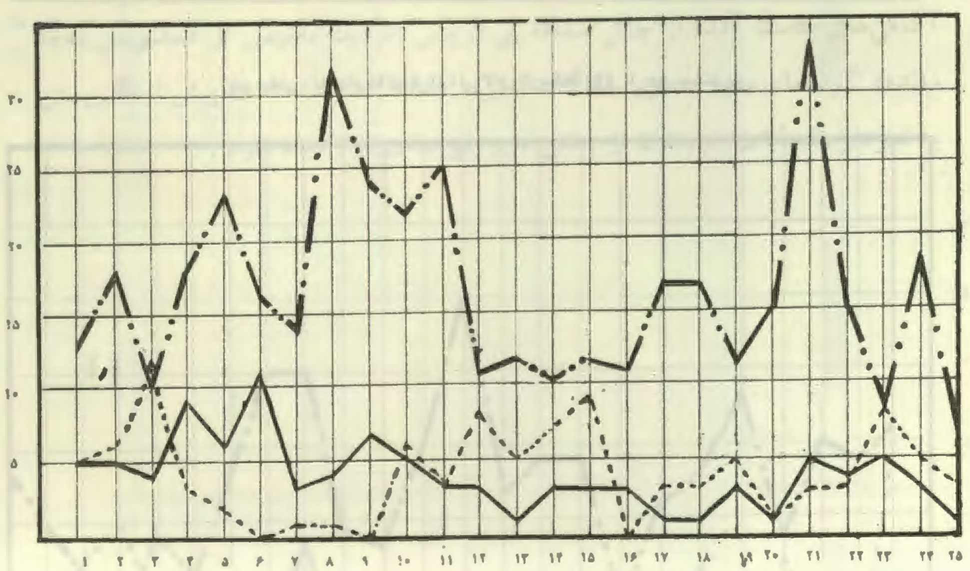
همانطورکه در بند ۱۰ از بخش نخست[1] یادگردیده است نویسهٔ گاف گاهی با کاف نسخ همراه با دونقطه برروی سرکج وگاهی باکاف کوفی و سه نقطه برروی سر کج و زمانی هم باکاف بی‌نقطه[2] آمده است . در میان واژه‌هائی‌که با کاف نوشته شده‌اند ساخت‌های «گفتن» شمارهٔ بیشتری را دارند . چنانکه ازنمودارهای فراهم شده در می‌یابیم در همهٔ صفحه‌ها نمونه‌هائی می‌توان یافت که در آنهاکاف به‌جای‌گاف نوشته شده است . همچنین می‌توان دریافت که شمارهٔ گافهای دو نقطه به‌طور کلی بیش از دوبرابر گافهای سه نقطـه است و تنها در صفحه‌های ۳ و ۲۷ و ۸۹ شمارهٔ گافهای سه نقطه اندکی بیشتر ازگافهای دو نقطه است .

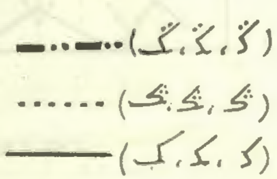
دراینجا شایسته‌است به‌این‌نکته‌اشاره شودکه‌نمونه‌برداری‌های‌تصادفی وسطحی

۱ـ نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۱۷ .
۲ـ نگاه‌کنید به‌صفحهٔ ۲۳ .

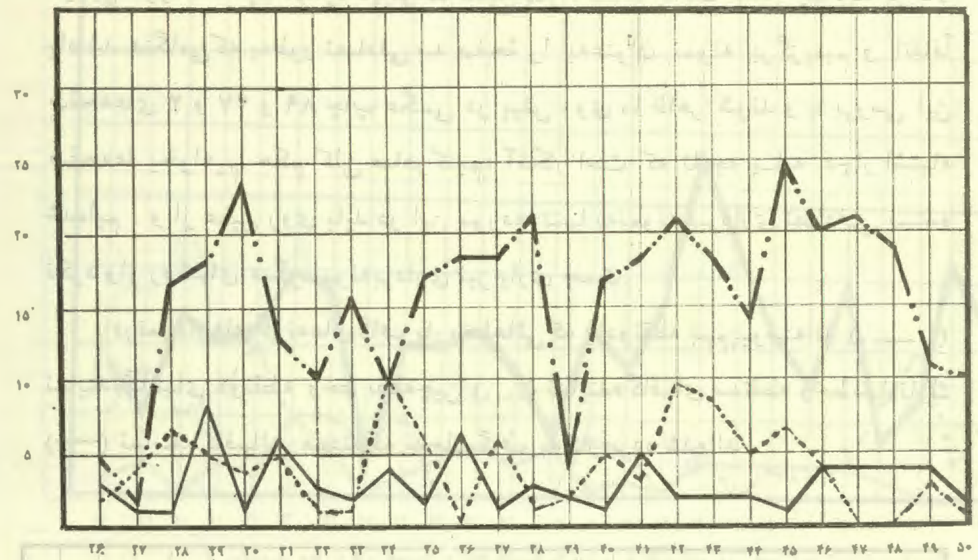
در این موردها تا چه اندازه می‌تواند نتایج‌گمراه‌کننده بدست دهد. چنانکه در بالا یاد شد هنگامی‌که به‌طور تصادفی سه صفحهٔ را به‌عنوان نمونه برگزینیم و اتفاقاً صفحه‌های ۳ و ۲۷ و ۸۹ چاپ عکسی در پیش روی ما ظاهر شوند و با بررسی این صفحه‌ها بخواهیم حکم کلی صادرکنیم، آشکار است که تا چه پـایه دچار اشتباه شده‌ایم . و از همین روی باید در این موردها تنها به‌نمونه بـرداری تصادفـی بسنده نکرد واز روشهای دیگر نمونه‌برداری نیز یاری جست.

درنمودارهای‌گونه‌های‌گاف پاره‌خطهائی‌که بادونقطه بهم‌پیوسته‌اند (..ــــ..) نماینده‌گافهای دونقطه وخط نقطه‌چین (.....) نماینده‌گافهای سه‌نقطه وخط‌سیاه‌نازك (ــــ) نماینده‌کافهائی هستندکه به‌جای‌گاف به‌کار برده شده‌اند .

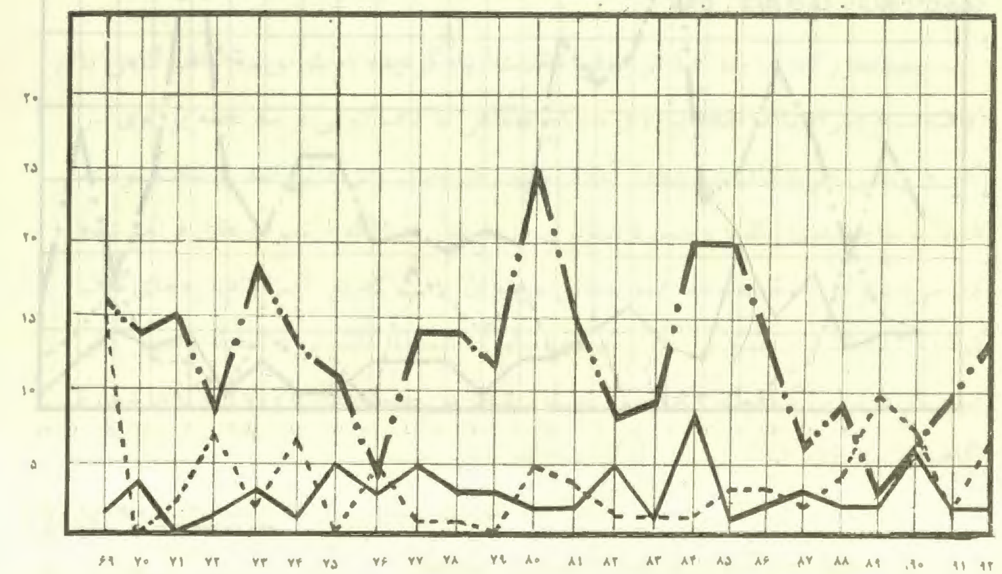




هم‌سنجی نمودارهای فراوانی‌گونه‌های‌گاف از صفحهٔ ۱ تا ۲۵ دستنویس



هم‌سنجی نمودارهای فراوانی‌گاف ازصفحهٔ ۲۶ تا ۵۰ دستنویس



هم‌سنجی نمودارهای فراوانی‌گونه‌های گاف از صفحهٔ ۶۹ تا ۹۲ دستنویس

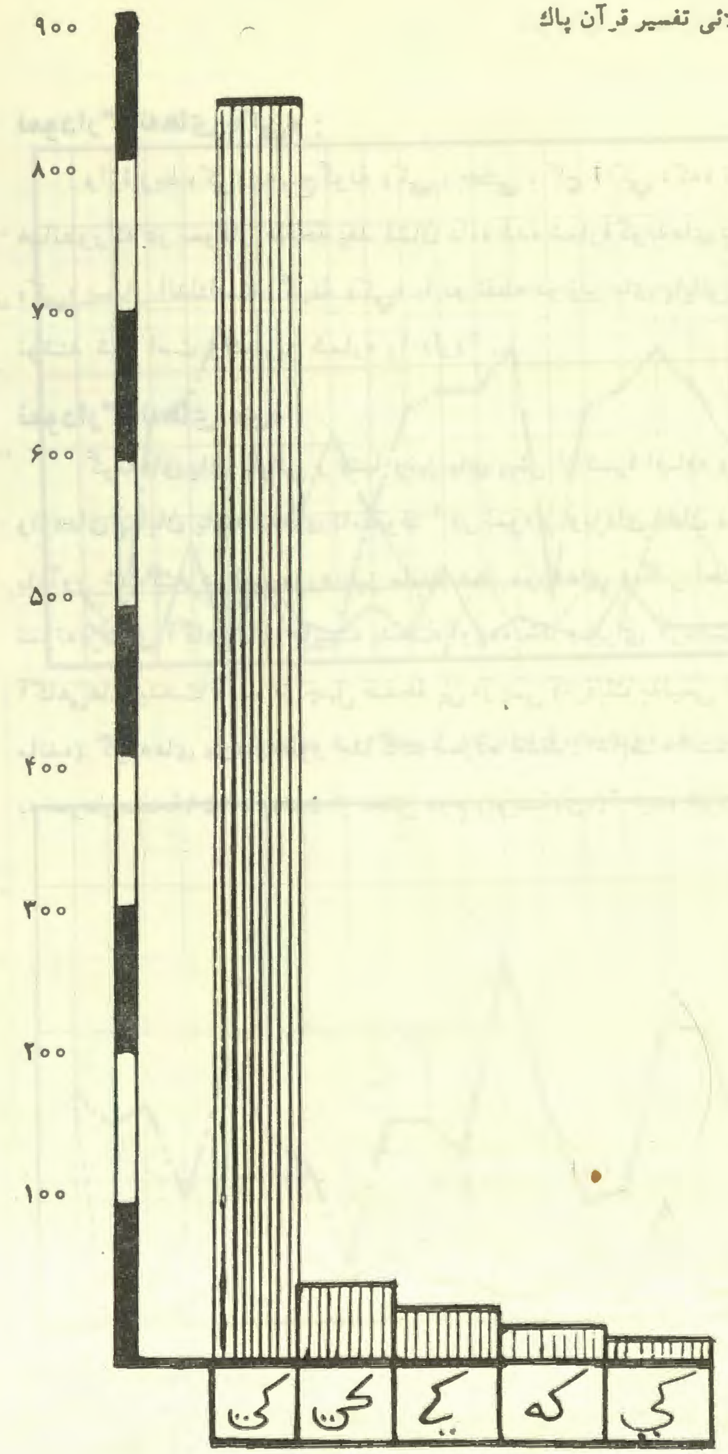
نمودار گونه‌های «کی» :

واژهٔ ربط «کی» به‌پنج گونهٔ «کی ، ڪی ، کے ، کي ،که» نوشته شده است . همانطورکه در نمودار صفحهٔ بعد نشان داده شده شمارهٔ گونه‌های دیگر در برابر گونهٔ «کی» بسیار اندک‌است. گونهٔ «کي» با دو نقطه در زیر یای پایانی آن تنها یازده‌بار نوشته شده است وکمترین شماره را دارد[1] .

نمودار گونه‌های «ی» :

گونه‌های یای پایانی و تنها ونیز یای پیش ازکسرهٔ اضافه و یای نکره پس از واژه‌های پـایان یافته به‌های نامملفوظ [2] در نمودار ویژه‌ای نشان داده شده‌اند. بـاید یادآور شد کـه در این مورد نیز مانند همهٔ موردهای دیگـر نخست بـا شیوه‌هـای نمونه‌برداری آگاهی‌های بایسته بدست آورده شد و برای آزمایش دقیق‌تر و تأیید آگاهی‌های بدست آمده از چهل صفحهٔ پی در پـی (نزدیك به‌نیمی از دستنویس به‌جا مانده) گونه‌های «ی» به‌طور جداگانه شمرده شدند . شایسته است پیش ازنگـریستن به نمودارصفحهٔ۱۵۹ ، بند ۵ از بخش دوم (نویسهٔ«ی»)[3] دیده شود .

۱- برای آگاهیهای آماری بیشتر در مورد «کی» نگاه‌کنید به‌صفحه‌های ۹ و ۵۱ و ۵۲ .
۲- نگاه‌کنید به‌صفحه‌های ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ .
۳- در صفحهٔ ۴۲ .



نمودار گونه‌های «کی» در همهٔ دستنویس



نمودار فراوانی گونه‌های «ی» در چهل صفحهٔ نخستین دستنویس

بخش نهم

گونه‌های املائی و زبانی

۱ـ واژه‌هائی که به‌دو «گونهٔ آزاد» نوشته شده‌اند

در دستنویس «تفسیر قرآن پاك» در پاره‌ای ازموردها از یك صورت زبانی دو گونهٔ املائی به‌طـور متناوب آمـده است . نظر به‌اینکـه این تناوب[1] رونویسگر را پای‌بند نظام یا قاعدهٔ ویژه‌ای نمی‌سازد و گونه‌ها می‌توانند به‌صورت دلخواه به‌جای یکدیگر آورده شوند، آنها را با نام «گونه‌های آزاد»[2] مورد بررسی قرار می‌دهیم .

فهرست زیر بر بنیاد چگونگی نوشتن گونه‌های آزاد واژه‌های ساده و ترکیبی فراهم گردیده است ، در اینجا باید افزود که گونه‌های نویسه‌ها (حروف) و واژه‌هائی که این گونه‌ها کم و بیش به‌آنها وابسته‌اند در دفتر نخست (توصیف نویسه‌ها و نشانه‌ها) جداگانه بررسی شده‌اند . برای بهره‌گیری بیشتر از این فهرست ، می‌توان به‌بخشهای وابسته از دفتر دوم (املای واژه‌های ساده و ترکیبی) بازگشت . در آن

۱ـ alternance

۲ـ free Variants این اصطلاح در زبان‌شناسی نخستین‌بار درموردگونه‌های واج به‌کار رفته است .



بخشها نمونه‌های املائی واژه‌ها ونشانه‌های دستوری ، پیشوندها وپسوندها درمورد-های گوناگون به‌ترتیب الفبا نشان داده شده‌اند . در این فهرست واژه‌هائی که تنها یك‌بار در دستنویس آمده‌اند در پانویس از آنها یادگردیده است :

آن‌را ، ۳:۲۲
آنرا ، ۶:۲۳

آن‌کس ، ۱۸:۲۰
آنکس ، ۴۸:۸

ازیراك ، ۱۱:۱
ازیراکی[1] ، ۵۰:۷

اسمعیل ، ۱۹و۶۸:۶
اسماعیل ، ۱۹و۶۸:۱۲

امید ، ۸۴:۲۳؛ ۱۱:۱۵
اومید ، ۱۱:۱۵ ؛ اومید ۱۰:۲۴

این‌چنین ، ۵۹:۱۱
این چونین ، ۴۶:۲۲

بدانک ، ۴۹:۱۵
بدان‌کی[2] ، ۸۶:۲۴

۱ و ۲- این واژه‌ها تنها یك‌بار به‌این صورت آمده‌اند.

بی ازانک ، ۸۳:۱۳
بی ازان‌کی[1] ، ۲۷:۱۶

بی‌دادگر ، ۸۳:۷
بیدادگر ، ۹۲:۶

تعالی ، ۱۱:۱۲
تعلی[2] ، ۱:۱۰

جای‌گاه ، ۶۷:۱۷
بجایگاه ، ۶:۱۷

چه (واژهٔ پرسش) ، ۳:۱
چی (واژهٔ پرسش) ، ۲:۱۲

چی (واژهٔ ربط) ، ۸۹:۲۲
چه (واژهٔ ربط) ، ۸:۲۰

سخون ، ۲:۷
سخن[3] ، ۱۱:۱۹

سه‌دیگر ، ۲:۸
سدیگر ، ۴۲:۲۳ ؛ ۸:۸

۱- این واژه تنها یك‌بار به این صورت‌آمده‌است.
۲- نگاه‌کنید به‌بند ۸ درصفحهٔ ۵۵.
۳- این واژه تنها یك‌بار به‌این صورت آمده است.

سلیمن ، ۳۴:۲

سلیمان ، ۲۴و۱۰:۳۷

که (ضمیر پرسشی) ، ۴:۲ ؛ ۳:۱۱

که (واژهٔ ربط) ، ۵:۲۶

کی (واژهٔ ربط و ضمیر پرسشی) ، ۴:۵

مرخدای راست ، ۸۵:۱ ؛ ۸۴:۲۶

مرخدایراست ، ۸۴:۲۵

هم‌چنین ، ۱۰:۱۷

هم چونین ، ۴۲:۱۸

۲- واژه‌هائی که در تفسیر قرآن پاك دوگونهٔ زبانی دارند

افسوس ، ۴:۲۱

فسوس ، ۴:۱۸ ؛ ۳:۹

فسوسها ، ۸۴:۱۹

او ، ... ؛ ۲۲و۳:۱۶

اوی ، ... ؛ ۲۴و۶و۳۱:۵

باژبان ، ۲۱:۱۸

دختر باژوانی را ، ۲۱:۳

بدادر[1] ، ۵و۷۶:۱ ؛ ۱۲:۲۰

برادر ، ۲۶:۳

پیغام ، ۲۶و۱۷و۸۵:۱۴

پیامی گی ، ۸۵:۱۳

پیغامبر ، ۲۳و۱۴و۱۲:۹

پیامبر ، ۶۲:۲۶

پیغامبران ، ۸۰:۹

پیامبران ، ۸۰:۹

پیغامبری ، ۹۰:۱

پیامبری ، ۹۰:۳

دانشمندان ، ۱۴:۸ ؛ ۱۳:۱۲

دانشومندان ، ۱۵و۱۳و۱۲:۱۲ ؛ ۱۱:۲۰

دشوار[2] ، ۴:۱۷

دشخوار ، ۱۹و۸۶:۱۷ ؛ ۱۹:۱۹ ؛ ۵:۴

سوی، ۸ و ۹۲:۱ ؛ ۸۸:۱۹

سون، ۹۲:۱۷ ؛ ۹۱:۱۷

۱- در برخی از متن‌های کهن مانند «کلیله و دمنه» تصحیح مجتبی مینوی از انتشارات دانشگاه تهران به‌صورت «بذاذر» و در «بخشی از تفسیری کهن» تصحیح محمد روشن از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به‌صورت «بدادر» آمده است.

۲- این واژه تنها یك‌بار به‌این صورت آمده است .

فرستاد ، ۴۳:۴
فرستید ، ۴۱:۱۱

بفرستاد ، ۳۱:۱۹
بفرستید ، ۳۷:۲۴

فرستاده ، ۵۵:۵
فرستیده ، ۲۳:۱۹

بفرستادیم ، ۳۱:۱۲
فرستیدیم ، ۲۰:۱۰

بخش دهم

ویژگیهای واژه‌ها و جمله‌های حاشیه‌ای

در حاشیهٔ برخی از دستنویسهای کهن واژه‌ها و جمله‌هائی دیده می‌شود که می‌توان آنها را از دودیدگاه ، جداگانه مورد بررسی قرار داد. نخست اینکه ممکن است رونویسگر یا نویسنده پاره‌ای از جمله‌های متن و یا جمله‌های توضیحی را با خطی ریزتر ومتفاوت بامتن (مانند خط شکسته) به‌طورپراکنده یا منظم درحاشیهٔ صفحه‌ها نوشته باشد. در این مورد با اینکه گونهٔ قلم (سبك‌خط) متفاوت با متن است اما این جمله‌ها از شیوهٔ املائی یگانه‌ای که‌گاه ویژهٔ همان نویسنده است پیروی می‌کنند. دیگر اینکه جمله‌هائی که در حاشیه نوشته شده‌اند می‌توانند در زمانهای بعد ازسوی دیگران وبا شیوه‌های گوناگون خطی واملائی افزوده شده باشند . دراین مورد ازنظر ظاهر هرچند همانندی نزدیکی میان جمله‌های حاشیه‌ای وعبارت‌های متن وجود داشته باشد با این حال می‌توان دراکثر موردها بابررسی دقیق به‌تفاوت شیوهٔ‌املائی وأصلی نبودن آنها پی‌برد .

چنانکه درزیر خواهدآمد شیوهٔ املای جمله‌ها و واژه‌هائی‌که با قلمی باریك‌تر در حاشیهٔ برخی از صفحه‌های دستنویس تفسیر قرآن پاك نوشته شده با شیوهٔ املای متن تفاوت آشکاری دارد . در نوشتن این جمله‌ها یکدستی و یکنواختی بیشتری به چشم می‌خورد و از این‌رو به‌احتمال زیاد این واژه‌ها در سده‌های بعد از سوی کس دیگری به‌جز نویسنده یا رونویسگر این تفسیر به‌آن افزوده شده است[1] .

موردهائی‌که باشیوهٔ املای متن دستنویس‌تفسیر قرآن پاك تفاوتی آشکار دارند در زیر آورده شده‌اند . شماره‌هائی‌که در برابر واژه‌ها چاپ شده همه به‌صفحه‌های چاپ عکسی بازگشت می‌دهند .

۱- در بیشتر موردها روی الف «آن» مدگذاشته نشده است :

انجا ، ۳

ان سخونها ، ۴۱

ان کاو ، ۷

نشاني ان‌که ، ۱۰

۲- درمیان نامهای ویژهٔ «ابرهیم و اسمعیل» الف نمایندهٔ واکهٔ ā نوشته شده‌است :

ابراهیم و اسماعیل ، ۷۵

۳- پیشواژهٔ «بـ» همواره با یك نقطه و به‌صورت پیوسته آمده است :

بنزد ، ۴

بامر ، ۷

بامانت ، ۷۱

بوقت نماز بسوی‌کعبه ، ۹۱

۴- پ مانند ب با یك نقطه دیده شده است :

۱- برای نمونه نگاه‌کنید به‌پائین‌گراور صفحه سوم پس از پیشگفتار .

بربشت ، ۳۸

ببرهیزندي ، ۴۷

ببدیر ازما ، ۷۵

مي‌برستي ، ۷۸

نبرسند ، ۸۳

۵- چ مانند ج همه‌جا با یك نقطه نوشته شده‌است :

بدانج ، ۴

جون ، جاره ، ۱۸

جشم ، ۲۸

جه ، ۵۴

جنانک ، ۵۵

جنین ، ۷۱

۶- «ڤ» در فعل افگندن با یك نقطه آمده است :

بیفکند ، ۳

۷- نویسهٔ کاف جز درمورد «که» در بیشتر موردها به‌شیوهٔ کوفی نوشته شده‌است :

کرد ، ۱۰

کتاب ، ۲۷

رکوع ، ۷۰

مشرکي ، ۴۷

سبکتر ، ۴۸

۸- که ربط وموصول‌همیشه باکاف نسخ وهای ناملفوظ آمده وهیچ‌گاه بایای‌پایانی به‌صورت کی نوشته نشده است :

نشاني ان‌كه ، ۱۰

آنست‌كه ، ۲۳

ان سخونها بودكه ، ۴۱

ناسازواري‌كه ، ۵۸

يعني‌كه ، ۷۰

كه‌تو ، ۷۵

۹ـ نويسهٔ **گاف** به‌جز در يك مورد مشكوك درست مانند كاف و بی‌نقطه نوشته شده است :

كفت ، ۴و۷۹

كفتند ، ۱۰و۵۳

كاو ، ۴

ڪاو ، ۷و۱۰

ڪاهي ازڪاهي ، ۴۱

آزاد ڪردد ، ۶۱

روي برڪردان ، ۹۱

ڪرفتند ، ۴

نڪاه داريم ، ۷۹

تنها يك‌بار زير «ڪ» ظاهراً نقطه‌ای گذاشته شده است :

و ڪرويديم بمحمد ، ۷۹

۱۰ـ زير نويسهٔ ی هميشه دو نقطه‌گذاشته شده و هيچ‌گاه درون آن نقطه يا الف خنجری ديده نشده است :

آمدندي ، ۱۸

بعضي ، ۱۰

سختي ، ۴

مي‌داشتند ، ۱

وي : ۲۳

خداي تعلي ، ۷

موسي ، ۴

عيسي ، ۲۳

۱۱ـ های ناملفوظ «ه» والف است در ماضی نقلی افتاده است :

جنانك آمدست ، ۵۵

نمایه

در این نمایه (*index*) واژه‌هائی‌آورده شده‌اندکه درجمله‌های توصیفی این‌پژوهش آمده و در بیشتر موردها با نویسه‌های «۱۰۰ سیاه» در صفحه‌هائی‌که شماره آنها در برابر واژه‌ها آورده شده، چاپ شده‌اند.

فهرست انتشارات فرهنگستان زبان ایران

۱- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۱، بخشی از واژه‌های آموزشی و صنعت‌گاز
۲- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۲، واژه‌های کتابداری
۳- واژه‌های معرب در صراح
۴- واژه‌های معرب در منتهی‌الارب
۵- واژه‌نامهٔ بسامدی مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری
۶- واژه‌نامهٔ بسامدی معیارالعقول ابن سینا
۷- واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران
۸- برابرهای فارسی برخی از واژه‌های آموزشی
۹- بررسی املائی دستنویسی از تفسیر سورآبادی
۱۰- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۳، بخشی از واژه‌های علوم اجتماعی
۱۱- واژه‌نامهٔ بسامدی رسالهٔ جودیهٔ ابن‌سینا
۱۲- گویشهای پیرامون کاشان و محلات
۱۳- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۴، نام دانشها و فنها و هنرها
۱۴- برابرهای فارسی برخی از واژه‌های انگلیسی صنعت‌گاز
۱۵- واژه‌های نو فرهنگستان پیشین (چاپ سوم)
۱۶- گزارشی دربارهٔ فرهنگستان ایران
۱۷- واژه‌نامهٔ بسامدی رسالهٔ رگشناسی ابن‌سینا
۱۸- واژه‌نامهٔ بسامدی شعرهای شهید بلخی
۱۹- فرهنگستان ایران و فرهنگستان زبان ایران
۲۰- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۵، بخشی از واژه‌های رایانه‌ای «کامپیوتری»
۲۱- واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری
۲۲- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۶، بخشی از واژه‌های پزشکی
۲۳- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۷، بخشی از واژه‌های فیزیك (رشته الکتروتکنیك)
۲۴- پیشنهاد شما چیست؟ شمارهٔ ۸، بخشی از واژه‌های فن‌شناسی آموزشی
۲۵- واژه‌نامهٔ بسامدی روزی با جماعت صوفیان سهروردی
۲۶- واژه‌نامهٔ بسامدی رسالةالطیر سهروردی

پژوهشنامه، شمارهٔ ۱

پژوهشنامه، شمارهٔ ۲

۱۴۱۱
۲۲۱۲